



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیکتر از سیاهی چشم به سفیدی اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱



بر اساس فلسفه تاریخ انبیاء  
و نگاهی نوبه اسلامیت انقلاب  
راهی به سوی فرج حضرت ولی عصر  
عجل الله تعالی فرجه

حجت الاسلام والمسلمین مسعود صدوق  
محرم نود و دو  
حسینیه اندیشه



## خلاصه جلسات «فلسفه مصیبت براساس فلسفه تاریخ انبیا»

---

سرپرست پژوهش: حجت الاسلام والمسلمین مسعود صدوق  
تنظیم: حجت الاسلام محمدصادق حیدری  
طراح جلد: آقای حسین چمن خواه  
تاریخ جلسه: از ۱۳۹۲/۸/۱۳ تا ۱۳۹۲/۸/۲۳ (محررم الحرام ۱۴۳۵)  
تعداد جلسات: یازده جلسه  
تاریخ تنظیم: پاییز ۱۳۹۴

---

۰۲۵۳۲۹۳۷۱۹۱ - ۹۱۹۲۵۳۸۴۶۹

حسینیه اندیشه

## فهرست:

### تحلیل واقعه عاشورا بر اساس فلسفه انبیاء، و نگاهی نو به اسلامیت عقلانیت (انقلاب) راهی بسوی فرج حضرت ولی عصر (عج)

- عنوان شب اول: نگاهی تخصصی به فرهنگ شیعه در قبال واقعه عاشورا
- عنوان شب دوم: تعریف اعتقادات حکومتی در سه سطح عرفان «اشک، خون و محبت» و بیان تهدیدات آن
- عنوان شب سوم: بررسی اجمالی نظام ایمان (خداپرستی) و نظام کفر (طاغوت) در فلسفه تاریخ انبیاء
- عنوان شب چهارم: بررسی تفصیلی نظام ایمان (خداپرستی) در فلسفه تاریخ انبیاء
- عنوان شب پنجم: شکل‌گیری خداپرستی در فرهنگ بعثت در دو سطح «امت» و «حکومت» دینی و بیان دو مأموریت پیامبر در دوره رسالتشان
- عنوان شب ششم: تشریح تمدن دینی در ختم نبوت در چهارچوب امامت و بیان ولایت تاریخی ائمه (ع) در حفظ فرهنگ بعثت
- عنوان شب هفتم: ولایت تاریخی ائمه (علیهم‌السلام) بعد از رحلت پیامبر در تاویل قرآن در افق امت، حکومت و تمدن
- عنوان شب هشتم: تفاوت شرائط ولایت تاریخی پیامبر و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) با شرائط ولایت تاریخی سیدالشهداء در واقعه عاشوراء
- عنوان شب نهم: چالش عقلانیت غیر معصوم در تبعیت از عقلانیت وحی؛ پدیدآورنده امتحانات دوره غیبت و تبیین کیفیت ظهور بت‌پرستی مدرن در سده‌های اخیر
- عنوان شب دهم: سیر تطور فقاقت در دوره غیبت بعنوان ظرف ولایت تاریخی حضرت ولی عصر تا پیدایش انقلاب اسلامی ایران
- عنوان شب یازدهم: وظائف فقهای عظام شیعه در شرایط فعلی برای گذر از امتحانات؛ راهی بسوی فرج حضرت ولی عصر



بسمه تعالی

## عنوان شب اول: نگاهی تخصصی به فرهنگ شیعه در قبال واقعه عاشورا

خلاصه سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین استاد صدوق

تاریخ: ۱۳۹۲/۸/۱۳

دهه اول محرم الحرام ۱۴۳۵ هجری قمری

۱. از آنجا که بر اساس آیات قرآن و روایات اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، امتحانات الهی هیچ‌گاه تعطیل‌بردار نیست و امت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز از این قاعده مستثنا نبوده و نخواهد بود؛ بررسی منزلت و تأثیر فرهنگ عاشورا و عزاداری محبین در گذر امتحانات الهی، امری ضروری است. خصوصاً با توجه به این‌که اکنون بعد از قرن‌ها، حکومت در دست شیعیان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) قرار گرفته که همین شرایط جدید، ماهیت امتحانات جامعه شیعه را دگرگون کرده است.

در این جهت باید توجه داشت که سه نوع از عزاداری در ماه محرم قابل تصویر است:

**اول- عزاداری سنتی:** می‌توان تأثیرات ناشی از عزاداری سنتی اباعبدالله حسین (علیه‌السلام) که ظاهراً از زمان حکومت آل‌بویه علنی شده و تاکنون ادامه داشته است را اجمالاً در ابعاد ذیل پی‌گیری نمود: به دلیل توصیه‌های فراوانی که در معارف دینی به عزاداری اباعبدالله حسین (علیه‌السلام) وارد شده، محبین برای تضمین آخرت و همچنین حل مشکلات و گرفتاری‌های زندگی خود به این مهم مبادرت ورزیده و در این مجالس شرکت می‌کنند؛ زیرا جامعه شیعیان و محبین، عاقل‌ترین جامعه در طول تاریخ هستند که همواره با نام مبارک معصومین (علیهم‌السلام) زندگی کرده و به این وسیله از فراز و فرودهای حیات با ایمان عبور کرده‌اند. همه محبین برای عرض تسلیت و تعزیت به ساحت مقدس امام‌حی، حضرت ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و اظهار ارادت به ایشان، به عزاداری همت می‌گمارند و علماء و روحانیون نیز از این فرصت برای بیان عقائد حقه و اخلاق دینی و احکام فقهی استفاده می‌کنند.

**دوم - عزاداری مبارزاتی:** که از زمان آغاز مبارزات فقهای عظام شیعه در صدوپنجاه سال پیش در قالب تحقیقات کتابخانه‌ای پی‌گیری شده است؛ اما روشن است که این نوع عزاداری در مبارزات ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۴۲ تجلی یافت و اوج آن در راهپیمایی محرم ۱۳۵۷ بود که فضای سیاسی آن راهپیمایی بزرگ، فرصتی برای ترویج آرمان‌های عزاداری سنتی به وجود آورد؛ و فراگیری و عظمت آن، نسخه رژیم را به نحوی در هم پیچید که با فاصله کوتاهی، منجر به فرار شاه شد. در اولین محرم بعد از انقلاب، تلاش‌هایی برای هجمه به عزاداری سنتی انجام شد که با

عکس‌العمل قاطع حضرت امام(ره) خنثی گردید، ولی بسیج سیاسی مردم برای مقابله با منافقین، حضور در دفاع مقدس، شرکت در انتخابات و... با استفاده از عزاداری‌های محرم و صفر ادامه یافت که اوج آن در ایجاد ثبات سیاسی برای نظام مقدس جمهوری اسلامی در مقابل تلاطم چند ماهه کشور بر اثر فتنه ۸۸ در روز نهم دی قابل بررسی است. بنابراین عزاداری مبارزاتی، شکل سنتی عزاداری و مزایای آن را حفظ کرده و از آن، برای بسیج سیاسی مردم در جهت ضرورت‌های نظام مبارک جمهوری اسلامی و دفع دشمنی‌ها استفاده می‌کند.

**سوم- عزاداری حکومتی:** که این سلسله مباحث، متکفل تبیین آن است، و در آن محرم و عزاداری به عنوان رکن توحید و خداپرستی و محور تعریف «توسعه یک نظام» قرار می‌گیرد و لذا باید «گذشته، حال، آینده»ی ظرفیت عزاداری‌ها تحلیل شده و نسبت آن با «نظام کفر، نظام نفاق، نظام ایمان» معین گردد تا احکام جدیدی درباره «امت، حکومت، تمدن» دینی استخراج شود و چراغ راه جامعه شیعه به سوی «فلسفه فرج» قرار گیرد. این عناوین، دورنمایی از فهرست مباحث و موضوعات سخنرانی در این دهه است.

۲. برای آغاز نگاه حکومتی به محرم، آنچه باید مورد دقت قرار گیرد، این است که ماه محرم همان‌طور که آغازی برای عزاداری حسینی است، اولین ماه سال جدید قمری و آغاز غم و عزاداری است، در حالی که هم ژانویه به عنوان ماه اول سال میلادی و هم فروردین به عنوان ماه اول سال شمسی با جشن و شادی و پایکوبی و مبارکی آغاز می‌شود.

حال در محرم، تبریک مطرح است یا تسلیت؟! فرارسیدن محرم جای تبریک دارد؛ زیرا بر اثر توجه به مصیبت ابا عبدالله حسین(علیه‌السلام) و هم‌دردی با صاحبان مصیبت، تطهیر قلوب و نورانی شدن ارواح برای آغاز مجدد خداپرستی اتفاق می‌افتد و وعده‌های خداوند متعال به امت محمد و آل محمد(علیهم‌السلام) در فضیلت آنان بر تمام مخلوقات محقق می‌شود. با ابتلا جامعه محبّ - حتی فسّاق آنان - به بلاهای امام حسین(علیه‌السلام) و ذوب شدن قلوب در پرتو عظمت افعال آن حضرت(علیه‌السلام)، ترحم آنان به مظلومیت اولیاء الهی و انزجار و تنفر آنان از ظلم دشمنان خدا و دستگاه طغیان برانگیخته می‌شود و قلوب از گناه پاک می‌شود؛ چون خداپرستی با گناه و زنگار قلوب امکان‌پذیر نیست. در واقع با این نرم‌افزار الهی و بدون ریاضات خاص عرفانی و با بالاترین سرعت، «طیب خلق و طهارت انفس و تزکیه و کفاره ذنوب» برای آن‌ها محقق می‌شود و لذا آمادگی عمل به دستورات و احکام الهی بر اساس شوق و رغبت و اختیار به وجود می‌آید. در واقع با تلاش‌های روحانیت شیعه به تبع فرهنگ



معصومین (علیهم السلام) و با تطهیر قلوب، فضای تازه‌ای از خداپرستی و توحید بر اساس آزادی و رغبت و بدون اجبار و تهدید جریان می‌یابد.

اما محرم در واقع جای تسلیت دارد؛ زیرا فرارسیدن با آن یعنی یک سال دیگر سپری شد و محبّین بدون توجه به انتقام خون اباعبدالله حسین (علیه السلام) و زمینه‌سازی برای آن، به دنبال تأمین زندگی خود بوده‌اند. در واقع با فرارسیدن محرم و با توجه به عدم تحقق انتقام از آن همه جنایات، فشار همه مصیبت‌ها و دردهای اباعبدالله حسین (علیه السلام) مجدداً بر وجود مبارک حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نازل می‌شود و تنها انعکاس این فشارها و تقلّب احوال است که باعث حرکت یک امت برای اقامه عزاداری می‌شود. در واقع عاشورا خاطره نیست و به تکامل معنوی مرتبط است و لذا تا انتقام آن خون گرفته نشود، در حال جوشش است؛ همان‌طور که حسب روایات، همگان جوشش خون حضرت یحیی (علیه السلام) را تا قبل از قتل عام بنی اسرائیل توسط بخت النصر، با چشم سر مشاهده می‌کرده‌اند.

در شب دوم به تهدیداتی که امروزه در مقابل این خداپرستی ناب وجود دارد، پرداخته خواهد شد.



بسمه تعالی

## عنوان شب دوم: نسبت واقعه‌ی عاشورا با اقامه‌ی کلمه‌ی حق در طول تاریخ

خلاصه سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین استاد صدوق

تاریخ: ۱۳۹۲/۸/۱۴

در دهه اول محرم الحرام ۱۴۳۵ هجری قمری

۱. در شب گذشته، ظرفیت شیعه در خدمت‌گزاری به آستان مقدس اباعبدالله‌الحسین (علیه‌السلام) در دو سطح سنتی و مبارزاتی بررسی شد و برای ارتقاء این ظرفیت در سطح حکومت، سعی شد تا به این موضوع در بُعد «عقل عملی» پرداخته شود. گرچه پاسخ به شبهات عقلی محض و شیطنت‌های آن، حقیقتاً از طریق مباحث عقلی صرف انجام می‌شود اما در جهت ساخت «امت و حکومت و تمدن» و برای جماعت اهل ایمان، شبهات نظری موضوعیت ندارد و لذا ظرفیت اعتقادات باید از سطح عقل نظری فراتر رود.

۲. بر همین اساس گفته شد که واقعه‌ی عاشورا، واقعه‌ای توحیدی و شیوه‌ی خدای متعال برای هدایت عباد است تا در سطح اول، با ذکر مصائب این واقعه، قلوب ذوب شوند و با ترحم به مظلومیت اولیاء و میل به خوبی‌ها و تنفر از ظلم اعداء و انزجار از بدی‌ها، «رحمت الهی» جلب گردد و «عرفان اشک» شکل بگیرد.

اما به دلیل وجود دشمن، این جلب رحمت الهی در سطح دوم، به مداومت و محافظت احتیاج دارد و لذا قشری از مؤمنین پرورش می‌یابند که وفاداری خود در خداپرستی را در افق شهادت و مجاهده به اثبات می‌رسانند و «عرفان مجاهده» را رقم می‌زنند و «جلب رضایت الهی» محقق می‌شود. این پرورش به دلیل به جوش آمدن خون حضرت ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌شریف) از مصائب اباعبدالله‌الحسین (علیه‌السلام) است و باعث می‌شود اعتقاد برخی از مؤمنین به نثار خون کشیده شود و عبور از «خوف مرگ» در قالب «شهادت»، هدیه الهی به امت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) عطا گردد تا درک عملی شکل گرفته در سطح اول حفظ شود.

در ادامه این مسیر و در سطح سوم، نظام کفر و نظام ایمان در ساخت حکومت و تمدن، روبه‌روی یکدیگر قرار می‌گیرند و در این میان، شناخت حیل‌های دشمن در دفاع از امت و حکومت و تمدن، موضوعیت می‌یابد. یعنی فقهای که بتوانند از «عرفان اشک» و «عرفان مجاهده» عبور کنند و بار

پرچمداری توحید را بر دوش خود بپذیرند، معرفت پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه معصومین(علیهم‌السلام) برای دفاع از کلمه حق در مقابل هجمه کفر به آنان عطاء می‌شود و به «عرفان فقاقت» می‌رسند که «جلب بصیرت و حکمت الهی» را موجب خواهد شد.

این سیر، تعریفی جدید و غیر ذهنی از اعتقادات بر اساس عقل عمل است که مبنای «اعتقادات حکومتی» قرار می‌گیرد و می‌تواند ریشه‌های اعتقادی انقلاب اسلامی و حرکت امام خمینی (ره) را تا افق یک تمدن توضیح دهد و وظائف شیعه را در عرصه‌های ذیل تبیین کند: «جلب رحمت در عرفان اشک»، «امت دینی» را تشکیل می‌دهد، «جلب رضایت در عرفان مجاهده»، «حکومت دینی» ایجاد می‌کند و «جلب بصیرت و علم در عرفان فقاقت»، موجد «تمدن دینی» خواهد بود. البته این سیر با قرار گرفتن روند ذیل در برنامه‌های اداره کشور تکمیل می‌گردد: از طریق «زیارات» به «درمان قلوب» پرداخته می‌شود و بعد از آن برای «کارآمدی عقول»، «تلاوت» و ارتباط معرفتی با قرآن ضروری می‌گردد و برای «کارآمدی جسم‌ها»، عبادت انجام می‌شود.

بر این اساس است که ظرفیت اقامه‌ی عزاداری‌ها به یک «تعریف جدید از اعتقادات برای یک نظام» تبدیل می‌شود و بعنوان رکن توحید در «ساخت اعتقادات یک امت دینی» و مراحل بعدی آن منزلت می‌یابد و بر اساس دین، برنامه جدیدی را برای آینده نظام مبارک جمهوری اسلامی رقم می‌زند و اسلامیت آن را تکمیل می‌کند و بهتان‌ها و افتراهای مبنی بر قدرت‌طلبی روحانیت معزز شیعه را عملاً رسوا می‌گرداند.

در واقع اساس فرهنگ عزاداری به نحوی قدرتمند است که حتی «تباکی بر مصائب ابا عبدالله حسین(علیه‌السلام)» هم پذیرفته می‌شود اما اولین تهدید برای این فرهنگ مقاوم، آن زمان به وجود می‌آید که در سطح حکومت به آن نگریسته نشود و بعنوان شاخصی برای برنامه‌ریزی یک نظام و پیشرفت آن به رسمیت شناخته نشود. چون در این صورت، ادبیات توسعه غربی، فرهنگ عاشورا و عزاداری را به عنوان یک سلیقه خاص در زمره آزادی‌های مدنی قرار می‌دهد و آن را امری بدون صرفه اقتصادی می‌پندارد و در مقابل، هدف‌گذاری‌های نظام و تکامل آن را بر اساس دنیاطلبی ترسیم می‌کند!

تهدید دیگر هم آنجا شکل می‌گیرد که علی‌رغم بلوغ جامعه، به وضعیت گذشته (دوره کودکی جامعه) تکیه شود. یعنی اگر تکامل معنوی از تکامل مادی تفکیک شود و «تکامل مادی» مطلقاً به دست عقل

بشر سپرده شود و ارتباط آن با امور معنوی و دین و عزاداری‌ها پذیرفته نشود، همان تحلیل ادبیات توسعه غربی در عمل غالب می‌شود و فرهنگ عاشورا در سطح مدیریت جامعه به حاشیه رانده می‌شود و در تعیین سرنوشت اجتماعی حضور نمی‌یابد.

البته ضرورت طرح بحث تا این عمق آن است که جامعه شیعه دچار چالش‌های فرهنگی و اقتصادی مهمی است: رهبرمعظم انقلاب، تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی و عدم جریان دین در سبک زندگی را فریاد می‌کنند و علی‌رغم آن که حکومت در دست شیعیان و متدینین قرار گرفته است، ارزش‌ها بصورت شایسته جریان نیافته و همچنان در معرض هجمه است و لذا ممکن است تردید در کارآمدی اسلام برای اداره جامعه، به‌عنوان شبهه‌ای عملی نضج بگیرد. این خلأها نشان می‌دهد دفاع از اسلام و نگاه به معارف اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در شرایط تصدی حکومت باید از افق والاتری انجام شود.



بسمه تعالی

## عنوان شب سوم: فلسفه‌ی تاریخ انبیاء و نگاهی نو به فلسفه‌ی فرج

خلاصه سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین استاد صدوق

تاریخ: ۱۳۹۲/۸/۱۵

درده اول محرم الحرام ۱۴۳۵ هجری قمری

۱. روشن شد که عاشورا بعنوان محور خداپرستی، مربوط به اقرار زبانی - که به اصطلاح روایات، اسلام نامیده می‌شود - نیست بلکه یک خداپرستی مؤمنانه است؛ یعنی خدا تنها در صورتی آن را می‌پذیرد که بر قلب جاری شود (که به آن در قرآن و روایات، ایمان اطلاق می‌شود) در ادامه به تهدیداتی که در مقابل این فرهنگ وجود دارد، اشاره شد؛ گرچه این ظرفیت از عزاداری فی‌نفسه قابل تهدید و ضربه‌پذیر نیست، اما غفلت خواص از آن و عدم تعریف آن بعنوان محور خداپرستی، آسیب‌هایی جدی را به امت اسلامی در پی خواهد داشت.

۲. در بحث امشب به تعریف فرهنگ کفر و فرهنگ ایمان در دو سطح اجمالی و تفصیلی پرداخته می‌شود تا معنای جدید از خداپرستی در مقابل هوی‌پرستی و طاغوت‌پرستی روشن‌تر گردد و تطبیق آن به قیام عاشورا در ادامه بحث واضح‌تر شود.

در سطح اجمالی، کفر همان توجه به حیات این دنیا و انکار حیات آخرت است و ایمان همان وسیله قرارداد حیات دنیا برای آخرت است و لذا کفر بر اساس «هوی» و ایمان بر اساس «تقوی» شکل می‌گیرد. البته «تقوی» در این جا به معنای کنترل خود در مقابل محرّمات نیست بلکه به معنای زندگی بر محور مدیریت خداوند متعال است که در عالم جاری است: ۱. دائماً در حال خلق است و ۲. دائماً در حال ربوبیت مخلوقات برای حیات و رشد آنهاست و ۳. در دار امتحان، دائماً در حال هدایت انسان و جن - به عنوان پذیرندگان عهد - است که این سه، پایه‌های تقوی است. پایه هوی از این جا شکل می‌گیرد که انسان نمی‌خواهد با این نقشه و با مدیریت خداوند متعال زندگی کند بلکه به دنبال مواجهه با آن است و آن زندگی را طالب است که خود رقم زده باشد.

اما در صورت دقت بیشتر، خصوصیات بیشتری از این دو دستگاه بدست می‌آید: حرکت بر اساس هوی به معنای اراده بر دوری از مدیریت خدای متعال است - گرچه بدلیل مخلوقیت، قادر نیست تا به تمامه از آن قطع شود - یعنی می‌خواهد در حیطة تصرف خود، از بی‌نهایت (خالق) و علم و قدرت مطلق او فاصله بگیرد و در این صورت حتماً به خود و محدودیت خود و دیگر مخلوقات تکیه خواهد

کرد. لذا اولین لازمه هواپرستی، «از دست دادن آزادی» و اسیر کردن خود در محدودیت قدرت خود و دیگران است و لو شعار آزادی و سعادت و تحول سر می‌دهد. در این صورت است که در «روح» خود حتماً دچار «اضطراب» خواهد شد زیرا علی‌رغم چشیدن لذت‌های وهله‌ای، به دلیل تکیه بر محدودیت همواره در خوف تمام شدن قوایی است که برای تمتعات خود لازم دارد. در ادامه این حرکت اسارت‌بار و مضطرب و در «افکار» و گمانه‌زنی خود، از علم دور می‌شود و به «جهل» تکیه می‌کند و در جهت ظلمت و تاریکی حرکت می‌کند و صم و بکم و عمی می‌شود. لذا در «اعمال» خود نیز، از حرکت متعادل دور می‌شود و بیش‌تر از ظرفیت خود می‌طلبد و به دنبال «زیاده خواهی» می‌رود و حریص و حسود و مستکبر می‌شود. حال اگر اهل هوی با این خصلت‌ها در کنار هم قرار گیرند، قطعاً «حرص و تنازع بر سر دنیا» ایجاد شده و اخلاق بی‌معنا می‌شود و «تجاوز» مبنای حرکت بر اساس هوی‌پرستی قرار می‌گیرد؛ زیرا به دلیل تکیه بر محدودیت همگی به دنبال ضمیمه کردن همه امکانات دیگران به خود و تسلیم نمودن آن‌ها هستند.

اما در مقابل اگر کسی قلباً زندگی با دستگاه الهی و اولیاء او را انتخاب کند، در اولین قدم به «آزادی» می‌رسد چون به جای تکیه بر محدودیت، به بی‌نهایت متصل شده است؛ خالقی که به هیچ چیزی نیاز ندارد و همه قدرت‌ها و علم‌ها را داراست و لذا شخص به جای اضطراب روحی، به «آرامش» می‌رسد. به همین دلیل به «علم» و بصیرت و آگاهی دست می‌یابد چون در همه جا به تناسبات و تعادل‌هایی تکیه می‌کند که خداوند آن‌ها را خواسته است. در این صورت است که در مقابل هجمه دشمن و از دست دادن دارایی‌های خود، منفعل و دچار ترس نمی‌شود چون می‌داند که در صورت رضایت الهی به این فداکاری، فضل نامحدود خدا در همان لحظات اول و در همین دنیا، ده‌ها نعمت دیگر را جایگزین دارایی از دست رفته می‌کند و تازه این فضل، غیر از وعده‌هایی است که در قیامت به او عطا می‌شود.

لذا با اینکه دستگاه طغیان به وسیله جنایات خود، زندگی این دنیا را برای ائمه (علیه‌السلام) به بدترین حالت تبدیل می‌کرد؛ نه تنها ذره‌ای انفعال در این ذوات مقدس مشاهده نمی‌شد بلکه دستگاه مقابل را به انفعال وامی‌داشتند. طبق نقل، هر چه دارایی و قوای بیشتری از اباعبدالله حسین (علیه‌السلام) گرفته می‌شد و مصائب بیش‌تر می‌شد، قدرت و نورانیت حضرت افزایش می‌یافت و این بخاطر صلوات فوق صلوات و قدرت فوق قدرتی است که خداوند در مقابل فداکاری‌های امام در روز عاشورا به ایشان عطا



فرمود. این نتیجه حرکت براساس تقوی است چون تقوی به معنای زندگی کردن با مدیر حقیقی عالم (خدای متعال) است که فراتر از اعتقاد به هستی او، اعتقاد به جریان دائمی مشیت او را می‌طلبد و در واقع ائمه (علیهم‌السلام) نسبت به جریان لا حول و لا قوه الا بالله در تکوین و تاریخ و جامعه شهود داشته‌اند.

۳. بر اساس آنچه گذشت، می‌توان خداپرستی و طاغوت پرستی را به نحوی توضیح داد که از بالاترین سطوح عقلانیت تا پایین‌ترین سطوح، این دو دستگاه را درک کنند. کفر یعنی تأمین نیازها و شهوات خود در غذا و امور جنسی و ریاست، محدود به امکانات این دنیا دانسته شود و به همین دلیل باید از هر نوع فرصتی برای تخلیه هر نوع شهوتی استفاده شود. اما نکته آن است که برای این هدف، باید دیگران را همراه نمود و قبیله و قوم درست کرد و اراده‌ها را حول این محور جمع نمود تا شهوات هر چه سریع‌تر تأمین شوند و لذا «نظام مدیریت» برای تسلیم دیگر اراده‌ها ضروری می‌گردد. در مرحله بعد، پایداری این نظام که براساس هوی شکل گرفته اهمیت می‌یابد و به همین دلیل، «فرهنگ‌سازی» لازم می‌شود؛ چون تا زیردستان نسبت به تمنیات رؤساء توجیه نشوند و نسبت به آنان منقطع نشوند، به راحتی کار نمی‌کنند. در واقع آیین بت پرستی و شرک یعنی ایجاد یک مکتب و فرهنگ برای کنترل افکار زیردستان به قصد تخلیه شهوات رؤساء و انقطاع مردم تا حد کشتن و کشته شدن که در غیر این صورت، فریب رؤساء برای دیگران آشکار می‌شود و آنان هم ادعای ریاست می‌کنند و کارهایی که برای کاخ‌نشینی و مُدُنِیت و دیگر نیازهای رؤساء لازم است، انجام نمی‌شود و فاصله طبقاتی بعنوان لازمه ذاتی هوی پرستی شکل نمی‌گیرد. پس طاغوت و کفر تنها معنای نظری ندارد بلکه به معنای ساخت حکومت و تمدن برای پایدار کردن هوی پرستی در طول زمان است؛ یعنی برای حرکت براساس هوی ناگزیرند تا اقامه کلمه کفر و انسجام و امنیت ایجاد کنند و «یک نظام محقق در خارج» را بصورت همه جانبه مهندسی کنند.

در مقابل اقامه کلمه کفر، خداپرستی از نفی دیگر معبودها (لا اله الا الله) آغاز می‌شود و سپس به (الله) می‌رسد. زیرا بندگان نباید گرفتار و اسیر فرهنگ محدودیت مخلوقات باشند بلکه باید با اتصال به قدرت بی‌نهایت آزاد شوند و تکامل یابند. وقتی بندگان دچار چنان نظام‌های طغیان‌گری شدند، خداوند به رسولان‌اش دستور می‌دهد که آنان را نجات دهند و لذا در قرآن می‌بینیم که به جای رفتن به سوی مردم، به موسی (علیه السلام) دستور داده می‌شود که به سراغ فرعون برود؛ زیرا او پرچم‌دار کفر است که بخاطر

تمنیات خود، مردم را تحقیر و اراده‌های آنان را تضعیف کرده است و آنان را با وعده به سعادت پوچ، به زندگی موجود عادت داده و بُت‌ها را بعنوان مبدأ رزق و سایر نیازهای مردم معرفی کرده است. در واقع انبیاء مبعوث می‌شوند تا اعلام کنند راه و رسم زندگی این گونه نیست و به همین دلیل است که خداپرستی به معنای شکستن کلمه کفر و هدم سلطه نظامات کفر و فرهنگ آنان است تا خوف مردم از بین برود و بر محور انبیاء گردآیند.

لذا راه و رسم و سنت الهی آن بوده که با اعطاء قدرت‌های الهی به رسولان خود، تفرعن‌ها و قدرت‌های اجتماعی که سبب اسارت مردم شده، منهدم و آنان را نسبت به ظلمتی که گرفتار آن شده‌اند، آگاه کنند که آن قدرت‌های آسمانی، همان «آیات الهی» است. در واقع پایین‌ترین سطوح عقلانیت هم این گونه از آیات الهی را می‌چشند زیرا تا قبل از آن، بالاترین قدرتی که مشاهده می‌کردند، قدرت نمرودها و فرعون‌ها بوده اما بعد از نزول آیات، به روشنی می‌بینند که یک انسان در مقابل تمام عده و عُده طاغوتیان، با عصا و ید بیضاء آنان را مبهوت کرده است. از نظر علم هم با پیش‌بینی‌های الهی که توسط رسولان اعلام و سپس محقق می‌شود، همه اقشار در جریان دعوت الهی قرار می‌گیرند.

۴. پس رکن اول خداپرستی، درگیری با نظاماتی است که ائمه کفر برای زندگی در این دنیا ایجاد کرده‌اند و رکن دوم آن این است که این مبارزه توسط رسولان الهی انجام می‌شود و رکن سوم آن، نزول آیات است که وسیله شکستن هیمنه اجتماعی کفر است و رکن چهارم آن، علمی است که پیش‌بینی‌های غیبی را رقم می‌زند و رکن پنجم آن، تحقق پیروزی و یا نزول عذاب است که این روند بر حرکت همه انبیاء الهی تطبیق می‌کند. یعنی معنای خداپرستی به‌جای اذعان به هستی یا نیستی وجود خداوند، درگیری دو کلمه حق و باطل در عالم است و مدیر و محیط بر هر دو دستگاه نیز حضرت حق است. بر همین اساس است که قصص قرآن نه یک مجموعه داستان بلکه بیانی برای راه و رسم زندگی در این دنیاست و اینکه دستگاه ایمان با چه موضوعاتی روبروست و برای عبور از آن‌ها نیز اراده خداوند جاری است و باید اراده خدا در همه امور خُرد و کلان را تشخیص داد و رضایت و عدم رضایت الهی را در همه عرصه‌ها از طریق هدایت‌های اولیاء الهی و پرچمداران توحید تبیین نمود. در واقع اعتقادات قرآن برای اهل ایمان و عقول سالم است.

در بحث بعدی این روند عامّ را از زمان حضرت آدم(علیه‌السلام) تا بعثت نبی اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و از بعثت تا ظهور حضرت ولی عصر(عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌شریف) و از ظهور تا قیامت تطبیق خواهیم داد.



بسمه تعالی

## عنوان شب چهارم: فرهنگ عاشورا حافظ فلسفه‌ی «بعثت»

خلاصه سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین استاد صدوق

در دهه اول محرم الحرام ۱۴۳۵ هجری قمری تاریخ: ۱۳۹۲/۸/۱۶

۱. در شب گذشته کفر و ایمان به دو دستگاه مدیریتی و فرهنگ‌ساز و تمدن‌ساز تعریف شد: خداپرستی یعنی همراهی با خداوند متعال برای تحقق برنامه‌هایی که برای مخلوقات خود تدارک دیده که معدن نور است و طاغوت‌پرستی هم یعنی همراهی با تلاش ابلیس برای تحقق تمنیات و اهواء او که معدن ظلمت است. امشب این معنای عملی از خداپرستی و طاغوت‌پرستی را بر اخبار و روایاتی که در مورد زندگی انبیاء به ما رسیده، تطبیق خواهیم داد.

خداپرستی بر اساس قرآن و روایات از خلقت حضرت آدم (علیه‌السلام) و دستور به سجده بر ایشان آغاز شد و علی‌رغم آن که بیش از صد سال به ابلیس اجازه داده شد تا در وجود حضرت آدم (علیه‌السلام) سیر کند، به گمان خود چیز مهمی را نیافت و برتری ایشان را نپذیرفت و استکبار نمود؛ یعنی عقلانیت و جمع‌بندی خود را بزرگ‌تر و برتر از علم و اراده الهی دانست و عقبه‌ی علم و جایگاه خود را همان عبادتی محسوب می‌کرد که طبق روایات، هزاران سال به درازا کشیده بود. وقتی از زیردستی و خدمتگزاری برای مخلوق برتر امتناع کرد و خداوند او را راند، از خدا خواست تا محور شرارت قرار گیرد و خداوند نیز دعای او را مستجاب کرد. بعد از این حادثه حیات حضرت آدم (علیه‌السلام) در بهشت دنیا شروع می‌شود؛ یعنی خداوند زندگی برای انسان را در آسمان این دنیا و نه در زمین تقدیر کرد و با عزت و تکریم و تشریفات خاص، آدم و حوا (علیهم‌السلام) را در آن سکنی داد و همه اسماء (یعنی اطلاع از وضعیت عالم و آگاهی به نظام خلقت و مراتب آن از جمله اسماء آل کساء و مقامات آنها) را به او تعلیم فرمود و انواع نعمت‌های بهشتی را نیز به ایشان تفضل کرد. اما او را از نزدیکی به یک درخت منع کرد.

۲. حال آیا می‌توان درباره این اخبار تفکر نمود یا باید به صرف نقل اخبار آن اکتفاء کرد یا اخبار رسیده را ناقص نقل نمود؟!

در روایات آمده که این درخت، درخت علم نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و آل کساء (علیهم‌السلام) است که به نظر می‌رسد معنای آن این است که بعضی از سطوح بهشت برای حضرت آدم و حوا (علیهم‌السلام) نیست

بلکه مربوط به مخلوقاتی برتر از آن دو بزرگوار است؛ یعنی حضرت آدم و حوا(علیهماالسلام)، برترین مخلوقات و غایت از خلقت عالم نیستند. در واقع بخاطر آل کساء است که حضرت آدم(علیهالسلام) از این تنعمات الهی بهره‌مند می‌شود و توجه به این درخت ممنوعه باعث می‌شود که ایشان به آن انوار مقدس، معرفت عینی و کاربردی پیدا کند و جایگاه خود را در برابر آنان بشناسد و لذا قرار دادن این درخت در بهشت، عین لطف به حضرت آدم(علیهالسلام) است و نه تحقیر و تخفیف و به زحمت انداختن ایشان. پس معنی خداپرستی در بهشت دنیا این می‌شود که حضرت آدم(علیهالسلام) بداند تنها مخلوق و برترین مخلوق نیست بلکه در نظام خلقت، مخلوقات دیگری هم هستند که مرکب و به یکدیگر مرتبند و دارای منزلت‌ها و مقامات مختلفی هستند و محور تمامی آنها، نبی اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و خاندان پاک ایشان هستند. چون اساساً هیچ مخلوقی مجرد و ساکن نیست بلکه مرکب و تکامل خواه است تا در سیر حرکت متکامل و در ترکیب با دیگر مخلوقات - چه مخلوقات برتر و چه مخلوقات پایین‌تر - به ابتهاج و سرور بیشتری دست یابد.

اما شیطان این وضعیت را بر نمی‌تابد زیرا بنا به بحث شب گذشته، در صورت ادامه این روند، کسی گرد او جمع نمی‌شود و نمی‌تواند دستگاهی را برای تمنیات و اهواء خود ایجاد کند. البته برای مقابله هیچ‌گاه از موضع‌گیری آشکار و دشمنی‌های واضح استفاده نمی‌کند، بلکه تدبیرهای خاصی بکار می‌برد و لذا با علم به عدم امکان ورود به بهشت، طبق روایات، مار و طاووسی - که از بهشت خارج شده بودند - را بعنوان حیوانات بهشتی راضی می‌کند تا او را به شکلی خاص وارد بهشت کنند و از زبان مار - در هیأت بهشتی آن - به وسوسه حضرت آدم(علیهالسلام) می‌پردازد و ادامه این تنعمات و خلود در آن را وابسته به خوردن از درخت ممنوعه معرفی می‌کند اما ایشان نمی‌پذیرد.

لذا در مرحله بعد حضرت حوا(علیهالسلام) را وسوسه می‌کند و ایشان به دلیل بهره‌مندی کمتر از علم نسبت به حضرت آدم(علیهالسلام) و انسی که با مار به عنوان شیرین‌زبان‌ترین حیوان بهشتی داشتند، اقدام به خوردن از درخت می‌کنند. خداوند هم به همین دلیل به ایشان رحم می‌کند و ملائکه موگُل درخت را - که مأمور تیراندازی به نزدیک شوندگان به درخت بودند - از حمله به ایشان باز می‌دارد. لذا علی‌رغم خوردن از درخت، عذابی نازل نمی‌شود و حضرت حوا(علیهالسلام) این خبر را به حضرت آدم(علیهالسلام) منتقل می‌کند و این شبهه عینی، حضرت آدم(علیهالسلام) را نیز فریب می‌دهد و با تناول ایشان از درخت، عذاب نازل شد؛ یعنی از بهشت رانده شدند چون در قرب الهی نمی‌توان با نافرمانی

زندگی کرد. در واقع تنبیه الهی هم بخاطر پاک کردن آثار سوء این نافرمانی و تزکیه برای فراهم شدن شرایط بازگشت به بهشت است.

بر این اساس تحلیل خوردن از درخت ممنوعه به «ترک اولی» نادرست است، زیرا حسب روایات در بهشت دنیا تشریحی صورت نگرفته بود تا ترک اولی معنا پیدا کند؛ یعنی تشریح از شئون هدایت است و هدایت پس از هبوط آغاز می‌شود. علاوه بر آن که رانده شدن از بهشت، قرارداد ملائکه برای تیراندازی به نزدیک شوندگان به درخت، فروافتادن لباس‌ها، قرار نگرفتن برگ‌های بهشتی بر بدن حضرت آدم و حوا (علیهم‌السلام)، تخلف موجودات تکوینی بهشت از ایشان بعد از خوردن از درخت و گذشت زمان طولانی برای قبول توبه؛ هیچ یک تناسبی با «ترک اولی» ندارد.

۳. باید توجه داشت که وقتی مسأله وجود مخلوق برتر از حضرت آدم (علیه‌السلام) طرح می‌شود، جایگاه روایاتی که مرحله قبل از خلقت را توضیح می‌دهند؛ روشن می‌شود. به عبارت دیگر چرا خداوند درخت ممنوعه را در بهشت قرار داد و حضرت آدم (علیه‌السلام) را از وجود مخلوق برتر مطلع کرد؟ زیرا اراده الهی این بود که حضرت آدم (علیه‌السلام) بداند غرض خلقت او به غرض دیگر و والاتری بازگشت می‌کند و آن، نور نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است که اولین مخلوق قبل از خلقت عالم با فاصله چند هزار سال است و عرش و ملائکه و آسمان و زمین و خورشید و ماه و بهشت نیز از نور این بزرگواران به وجود آمده‌اند. در واقع کثرت مخلوقات، نمی‌تواند «غرض غایی از خلقت عالم» را توضیح دهد بلکه وحدت عالم به اولین مخلوق باز می‌گردد که همانا نور نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. به بیانی دیگر عالم برای انسان خلق نشده است بلکه همه چیز برای نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خلق شده تا وسیله‌ای برای اشتداد عبادت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) گردد.

لذا پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و معصومین (علیهم‌السلام)، جهت و غرض غایی از خلقت عالم هستند و به این وسیله است که می‌توان ثواب‌های عظیمی که در روایات بخاطر صلوات یا زیارات معصومین (علیهم‌السلام) وعده داده شده، تحلیل کرد. لذا بزرگترین شبهه‌ای که در اعتقادات مبتنی بر عقل عملی طرح می‌شود، ملاحظه فعل بدون لحاظ غایت آن است؛ علی‌رغم آن که خداوند متعال خود از غایت فعل‌اش خبر داده است و همه عالم را در تعلق و کشش بسوی نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اوصیاء پاکش خلق کرده است.

در ادامه به سه سرفصل اصلی تاریخ (هبوط تا بعثت، بعثت تا ظهور و ظهور تا قیامت) که فلسفه تاریخ انبیاء را شکل می‌دهد می‌پردازیم تا وظایف هر یک از پیامبران و اولیاء الهی بعد از هبوط به زمین در یک سیر تاریخی معین گردد.

والسلام علیکم ورحمه‌الله



بسمه تعالی

عنوان شب پنجم: تفاوت قیام عاشورا با قیام پیامبر اکرم و ائمه معصومین (علیهم السلام)

خلاصه سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین استاد صدوق

تاریخ: ۱۳۹۲/۸/۱۷

دهه اول محرم الحرام ۱۴۳۵ هجری قمری

۱. در شب گذشته خداپرستی - به معنای زندگی با اراده همیشه جاری خداوند متعال در مقابل کفر و نفاق - در آغاز خلقت حضرت آدم (علیه السلام) تبیین شد و ارتباط آن با عوالم قبل از خلقت ایشان نیز، در قالب بحث از «غرض غایی خلقت» روشن شد؛ به این معنا که هدف از خلقت، اشتداد عبادت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و معصومین (علیهم السلام) و پرستش خدا توسط این انوار مقدس از طریق همه سطوح نظام خلقت است.

پس از انتخاب حضرت آدم (علیه السلام) بعنوان رسول الهی تا زمان رسالت حضرت نوح (علیه السلام)، انبیاء و اوصیاء آنان، علاوه بر تبیین راه حق، تنها مأمور به انتقال نسل مطهر پیامبر گرامی اسلام بودند و وظیفه‌ای نسبت به قیام در مقابل کفار نداشتند و در شرایط تقیه قرار گرفتند. اما حضرت نوح (علیه السلام) بعنوان اولین پیامبر اولوالعزم به قیام در مقابل فرهنگ شرک و کفر، مأمور می‌شوند و «شکل‌گیری امت دینی» تشریح می‌شود اما به دلیل انکار مردم، این تشریح محقق نمی‌شود و این روند در زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) هم ادامه می‌یابد با این تفاوت که به دلیل بازگشت نسل پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و پیامبران بنی اسرائیل به ایشان، آن بزرگوار به مقام امامت نائل می‌شوند.

۲. در دوره رسالت حضرت موسی (علیه السلام) است که تشریح امت دینی برای اولین بار محقق می‌شود و وحدت کلمه یک جامعه، حول محور ایمان به مدیریت الهی بر عالم واقع می‌گردد و «تشکیل حکومت دینی» نیز تشریح می‌شود. لذا بعد از نجات معجزه‌وار بنی اسرائیل، خداوند دستور می‌دهد تا وارد بیت المقدس شوند و کفار را از آن شهر بیرون کنند اما به دلیل عصیان بنی اسرائیل در مقابل این امر، به عذاب سرگردانی چهل ساله در صحرای سینا دچار می‌شوند و حضرت موسی (علیه السلام) در همان زمان از دنیا می‌روند و تشریح الهی درباره تشکیل حکومت دینی، محقق نمی‌شود. حسب آیات و روایات

بنی اسرائیل حتی از پذیرش تورات و عمل به اوامر و نواهی شریعت سرباز می‌زدند و تنها با قرار گرفتن کوه طور بر بالای سرشان و تهدید عینی به عذاب الهی، به قبول آن با کراهت تن دادند<sup>۱</sup>.

حضرت عیسی (علیه السلام) نیز به همین مهم مأمور بودند با این تفاوت که با تشکیل امت دینی توسط حضرت موسی (علیه السلام) و قدرت گرفتن کلمه خداپرستی در سطح جامعه، «نظام نفاق» هم برای اولین بار شکل می‌گیرد تا از ضمیمه کردن این قدرت به قدرتهای مادی، به اوج قدرت برسد و به تمنیات و اهواء خود دست بیابد. لذا نظام نفاق در امت یهود با تلاش‌های خود، وحدت کلمه حول محور ایمان را از بین برد، و محور کلمه باطل دیگری را به وجود می‌آوردند: «یتخذوا أحبارهم و رهبانهم أرباباً من دون الله». بر همین اساس حضرت عیسی (علیه السلام) بوسیله انجیل و علاوه بر به ارث بردن مأموریت‌های انبیاء گذشته، به افشاء شکل‌گیری نظام نفاق در قوم بنی اسرائیل می‌پردازد و انحرافی را که در وحدت کلمه ایجاد شده بود، فریاد می‌کند و لذا اکثر دشمنی‌های انجام گرفته در مقابل ایشان از کفار نیست بلکه از طرف قوم یهود است. اما مردم این واقعیت را نیز نمی‌پذیرند و جان ایشان مورد تهدید قرار می‌گیرد و به صورت اعجاز‌آمیز نجات پیدا کرده و عروج می‌کنند و قوم حضرت عیسی (علیه السلام) هم با تکیه به همان نحوه شیطنتهای یهود، انجیل را تأویل کرده و منحرف می‌گردند.

۳. مأموریت نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله)، اول از همه این بوده که وعده تمام انبیاء الهی را محقق کنند و کفر جلی و آیین بت‌پرستی را از کره زمین برچینند و مأموریت دوم ایشان، «ختم نبوت» بوده که تبیین ما از آن علاوه بر تشریح امت و حکومت دینی، «تشریح تمدن دینی» است؛ یعنی آنچه برای زندگی و نیازهای بشریت در این دنیا در مقابل شیطنتهای کفر و نفاق لازم است، ابلاغ می‌شود و لذا بزرگترین معجزه نبی اکرم (صلی الله علیه و آله)، قرآن است که جامع تمامی صدوسی‌وسه صحف الهی بوده و مظهر تام عقلانیت انبیاست و تبیینی برای «ایجاد امت و برپایی حکومت و ساخت تمدن» است.

اما آنچه در مأموریت اول و برای نجات مردم از کفر جلی به سوی ایمان ضرورت دارد، کنترل و مدیریت دستگاه نفاق است تا وضعیت را به گذشته بازنگرداند؛ چون منافقین با تکیه به ادبیات دینی و

---

<sup>۱</sup> البته پدید آمدن حکومت حضرت یوسف (علیه السلام)، به نحو اعجاز بوده و با پشتیبانی یک امت انجام نگرفته و لذا با وفات ایشان، حکومت به سرعت بدست قبطیان می‌افتد؛ همان‌طور که حکومت حضرت سلیمان (علیه السلام) و داود (علیه السلام) مقطعی و موردی بوده و بعد از آن بزرگواران، پایدار نمی‌ماند.

عدم انکار وجود خداوند، اعتقاد عمومی درباره خداوند را به شرک و تکثر در آله می‌آلودند و آن را به باور مردم تبدیل می‌کردند تا زمینه برای ریاست خود را فراهم کنند و فساد و ظلم خود را به آله نسبت دهند و به این طریق زیردستان را فریب دهند و ساکت کنند. در واقع تحقق این روند در قوم حضرت موسی (علیه السلام) و حضرت عیسی (علیه السلام) باعث شد تا انحراف در امت و تفرقه درونی جامعه دینی توسط منافقین به نحوی اوج بگیرد که فرصت مبارزه با کفر بیرونی از بین برود و توانی برای سرکوب بت پرستی باقی نماند. لذا پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور بودند تا با رفتار و روشنگری‌های خود و مدیریت منافقین، آنان را - و لو برای حفظ حیات خود - به مقابله با کفر جلی و برچیدن بساط آن از کره زمین مجبور کنند؛ همچنان که ائمه نیز مأمور بودند تا به این طریق نگذارند کفر جلی دوباره بر زمین حکومت کند.

هنگامی که این مأموریت محقق شد و تلاش‌های لازم برای از بین رفتن دوباره‌ی دستاوردهای آن انجام شد، آن‌گاه مأموریت دوم در ارائه یک راه اثباتی برای زندگی بشر یعنی ختم نبوت و تشریح تمدن الهی موضوعیت می‌یابد و لذا توجه به این اولویت ضروری است. بر این اساس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) قیام می‌کنند و در سیزده سال و با استفاده از اقتدار سیاسی حضرت ابوطالب (علیه السلام) و خدیجه (علیهما السلام)، پایه‌های قدرت کفر در مکه را به لرزه درآورده و امت دینی را تشکیل می‌دهند اما بعد از وفات آن دو حامی بزرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نقشه کفار برای قتل حضرت و همچنین با مقدماتی که قبلاً در مدینه فراهم شده بود (وصلت جدّ اعلاّی پیامبر (صلی الله علیه و آله) با طایفه بنی‌نجر و پیمان عقبه با قبایل مدینه) و عدم پذیرش دیگر شهرها نسبت به آن حضرت مانند طائف، ایشان به مدینه هجرت می‌کنند و امت خود را به آن شهر منتقل می‌کنند و حکومت دینی را در مدینه تشکیل می‌دهند.

هم‌زمان و از ابتدای بعثت و به صورت تدریجی، تشریح تمدن - که در ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) تجلی می‌یابد - را ابلاغ می‌کنند و وصایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را از بدو تولد ایشان تا نوجوانی در یوم‌الدار و باقی صحنه‌های مهم تبیین می‌کنند تا در روز غدیر که با تشریفات خاصی، تمدن دینی - که باطنی جز امامت علی (علیه السلام) ندارد - نیز تشریح می‌شود. البته اولین نفس نفیسی که به مقام امامت می‌رسد، شخص شخیص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که با معراج‌های متعدد، «علم ماکان و مایکون» به ایشان اعطاء می‌شود و «روح القدس» در وجود ایشان مستقر می‌شود و سپس به اوصیاء ایشان منتقل می‌گردد. پس ابلاغ تشریح به نحو اتم و اکمل انجام می‌شود همچنان که با فتح مکه بعنوان مرکز

بت پرستی در حجاز، بت پرستی و معابد برچیده می شود و با ارسال نامه به امپراتوری های ایران و روم و لشگرکشی به مرزهای آنان، آینده آرمان های بعثت در سرکوب کفر جلی و جهانی بودن آن را روشن می کنند.

۴. بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، حاکمیت به دست دولت نفاق می افتد و این نشان می دهد که منافقین در زمان حیات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در ایجاد یک امت نفاق و روابط اجتماعی مربوط به آن موفق شده بودند و صاحبان قدرت از مهاجر و انصار را با خود هماهنگ کرده بودند و آلا تغییر حکومت و غضب آن به صورت دفعی و یک شبه و بدون پشتیبانی یک امت ممکن نیست. به عبارت دیگر نمی شود اراده حکام جاری شود اما تعلقات عمومی در تناسب با آن شکل نگرفته باشد. در واقع منافقین با به انزوا کشاندن فرامین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در موضوعات مختلف و شکستن جایگاه ایشان، سعی می کردند قدرت خود را تثبیت کنند. مثلاً در یکی از جنگ ها علی رغم سرپیچی از دستور حضرت و خائن شمرده شدن آنان توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله)، هیچ مطالبه ای از طرف مردم و خواص برای مجازات آنان شکل نمی گیرد در حالی که خیانتی کوچک تر از این ها منجر به ماجرای ستون توبه می شود! نمونه های متعدد تاریخی از این قبیل نشان می دهد که ائمه نفاق، جمعیت زیادی در حمایت از خود ایجاد کرده اند و در این راه از فرهنگ و روابط اجتماعی آن روز (قوم گرایی و قبیله گرایی) استفاده کرده اند و با انتساب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای خود حریم ساخته اند.

در واقع منافقین با همه صاحبان قدرت در جزیره العرب - اعم از کفار مکه و کفار اهل کتاب - در ارتباط دائم بودند تا در فرصت مناسب در مقابل فرهنگ بعثت بایستند اما اراده الهی و مبارزات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رواج فرهنگ و عقلانیت توحید از طریق تفسیر قرآن توسط ایشان مانع می شود تا آنان قدرت استفاده از مفاهیم قبلی نظام نفاق (مانند تعدد آلهه و شرک) را پیدا کنند. لذا ناچار می شوند تا برای تحقق مقاصد خود به ادبیات دین تکیه کنند و به همین دلیل در صحیفه ملعونه و عهد فیما بین خود برای ترور پیامبر (صلی الله علیه و آله) و جلوگیری از وصایت علی (علیه السلام)، اولین تأویل را برای شکستن وحدت کلمه و اعوجاج در امت دینی رقم می زنند و به جای وحدت کلمه بر محور مدیریت و اراده الهی، بر «جماعت مسلمین» تکیه می کنند و شعار «یدالله مع الجماعه» را سر می دهند و رأی و نظر مردم را جایگزین نصب الهی می کنند تا تشکیل جامعه نفاق در امت دینی میسر شود.

هم‌چنان که با اتکاء به این اَمّت، حکومت دینی را منحرف و آن را قبضه کردند و حاکمیت را بر اساس جهل و خشونتِ زمان جاهلیت بنا گذاشتند اما برای ایجاد پذیرش مردمی، برای خود قداست تراشیدند تا جایی که خود را هم ردیف پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) قرار دادند و وصی پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) را به تفرقه‌انگیزی متهم کردند و از سوی دیگر برای خود حق دخالت در تشریح قائل شدند! از طرف دیگر تأویل آیات قرآن - که همه آن ولایت اهل‌بیت(علیه‌السلام) را فریاد می‌زند - آغاز کردند و بشدت با نشر حدیث مقابله کردند تا امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) منزوی شود. علاوه بر این و برای قانع کردن افکار عمومی نسبت به ادامه فرهنگ بعثت، «جهاد با کفار» را به راه انداختند و امپراطوری ایران و روم را ساقط کردند. تا این زمان هنوز زهد نبوی و الگوی مصرفِ زمان پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) در جامعه از بین نرفته بود اما با تحقق این فتوحات و در زمان عثمان، شئون تمدن مادی ایران و روم در اَمّت پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) وارد کردند و شهوات در مقیاس کاخ‌نشینی و لوازم آن در جامعه جریان پیدا کرد و به تعبیر امروزی، زندگی و رفاه امریکایی! وارد بلاد اسلام شد.

بر این اساس نظام نفاق توانست هم اَمّت، هم حکومت و هم تمدن دینی را به مطلوب خود مصادره کند و این میسر نشد مگر از این طریق که دین را به عبادات تعریف کردند و سنت‌های عبادی دین را رواج دادند و در مقابل، انحراف‌های اجتماعی و حکومتی و تمدنی خود را به قرآن و پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) نسبت دادند.

در ادامه بیان خواهد شد که امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) و امام حسن مجتبی(علیه‌السلام) و اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) در برابر این وضعیت چگونه مقابله کردند.

والسلام علیکم ورحمه الله



بسمه تعالی

عنوان شب ششم: رفتار اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در روز عاشورا، تجلی اقامه‌ی کلمه‌ی حق  
خلاصه سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین استاد صدوق

در دهه اول محرم الحرام ۱۴۳۵ هجری قمری تاریخ: ۱۳۹۲/۸/۱۸

۱. در شب گذشته وظایف انبیاء الهی در درگیری میان نظام کفر و نظام ایمان تا بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و دو مأموریت بزرگ آن بزرگوار تبیین شد. با قیام آن حضرت و تزلزل قدرت فرهنگی و سپس نظامی و سیاسی در جزیره العرب، قبائل به فکر حفظ جایگاه خود در شرایط جدید افتادند و با ادامه ضربات مکرر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به کلمه کفر و فروپاشی آن، همگی از روی اشتیاق یا کراهت به قدرت مرکزی جدید پیوستند.

اما برای تبیین حرکت اوصیاء الهی بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) باید به این نکته توجه کرد: سنت خداوند متعال برای دعوت عباد تا پایین ترین عقلانیت‌ها، نشان دادن «آیات» است تا مردم شکسته شدن نظام کفر و قدرت‌های مادی را توسط یک قدرت خارق‌العاده و غیرمادی ببینند و تمایلات آن‌ها از محور کفر فاصله بگیرد و به سوی ایمان حرکت کنند. این اصلی است که تا روز قیامت برای نجات مردم از نظام کفر و جذب آن‌ها به دستگاه ایمان، تدبیر شده است. نکته مهم در آن است که این سنت الهی تا قبل از بعثت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله)، عمدتاً از طریق «آیات تکوینی و حسّی» و ملموس تحقق می‌یافته است؛ مانند طوفان حضرت نوح و سرد شدن آتش بر ابراهیم و ناقه صالح و عصا و ید بیضاء موسی و زنده کردن مردگان و شفای مریضان و جان دادن به مجسمه‌های گلی توسط حضرت عیسی (علی نبینا و آله و علیهم السلام).

۲. با بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) علاوه بر همه این آیات حسّی<sup>۱</sup>، بالاترین معجزه، «قرآن» است که از جنس علم و عقلانیت است؛ همان‌طور که ائمه معصومین (علیهم السلام) بعنوان اوصیاء ایشان، معجزات علمی را در مقابل دیدگان مردم قرار می‌دادند. گرچه آیات حسّی تعطیل نشد اما با رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، کمتر از این نوع آیات دیده می‌شود؛ یعنی معجزات تکوینی، موضوع امتحان مردم قرار نمی‌گرفتند. در واقع در حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم آیات حسّی و هم آیات علمی و عقلانی، موضوع امتحان مردم بوده است زیرا سرفصل دوم تاریخ (بعثت تا ظهور) تازه در حال آغاز بوده و طریق هدایت، در حال تبدیل از آیات حسّی به آیات علمی بوده اما در ادامه، هدایت از مجرای آیات

<sup>۱</sup> البته آیات حسّی نشان داده شده توسط پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از آیات حسّی پیامبران گذشته هم قوی‌تر بوده همانند زمانی که یهود، تبدیل عصای موسی (علیه السلام) به اژدها را در مقابل ایشان طرح می‌کنند و حضرت به اذن خدا نه یک عصا بلکه تمامی سقف‌های چوبی خانه‌های آنان را به اژدها تبدیل می‌کنند.

**علمی و عقلانی** محقق شده است و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تمسک به قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) را بعنوان راه صحیح معرفی می‌کند.

اما باید توجه داشت که ظرف و محل نزول قرآن بعنوان آیه علمی، قلب مطهر نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) است و قرآنی جدای از قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله) معنا ندارد و ایشان هستند که حقیقت قرآن را درک کرده و عمل می‌کنند. اکمال این علم هم با استقرار روح القدس در وجود مبارک ایشان محقق می‌شود و لذا **نفس وجود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، آیه الهی است** و با انتقال این علم به اوصیاء خود، **نفس وجود ائمه معصومین (علیهم السلام) آیه الهی هستند**. به عبارت دیگر آیات حسنی به آیات علمی تبدیل می‌شوند و خداوند بندگان خود را از طریق آیات عقلانی و انسانی دعوت می‌کند.

۳. بر این اساس است که می‌توان جریان کلمه توحید و خداپرستی را در حیات و پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به نظاره نشست و به روشنی مشاهده کرد که این مهم از طریق «جهت‌گیری، موضع‌گیری و مجاهدت» معصومین (علیهم السلام) در موضوع «امت، حکومت و تمدن دینی» محقق می‌شود و این افعال مبارک است که قلوب را ذوب می‌کند و همه را شگفت زده کرده و به عجز در می‌آورد و عقول را منفعل می‌کند. یعنی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر ضد روش‌های موجود مادی (فریب و دروغ و تطمیع و تحقیر و...) در کسب قدرت و ایجاد یک جامعه و ساخت یک حکومت و تمدن، بلکه براساس اراده و رضایت الهی به ساخت یک امت و حکومت مبادرت کرد که این مبارزه پیچیده به علمی نیاز دارد که حسب روایات با اعطاء ۷۲ اسم از ۷۳ اسم الهی به ایشان و اوصیاء شان انجام شد.

مثلاً از همین رهگذر است که بعد از مهلت ۶۸۰۰ ساله دستگاه الهی به کفر جلی، ایشان در مدت ده سال به هفتاد و دو جنگ مأمور می‌شوند تا از این طریق، بساط بت‌پرستی را از کره‌زمین محو کنند و فرهنگ جهاد تا صدها سال بعد از آن هم، توسط منافقین قابل تجدید نظر نگردد. یعنی بر اثر چنین حرکت عظیمی، کسانی مانند منافقین که شمی قوی از قدرت‌طلبی دارند هم درک می‌کنند که نمی‌توان به قدرت‌های قبلی بازگشت و جاهلیت را زنده کرد زیرا تمام فحول آن دوران، توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) از دم تیغ گذشته‌اند و قدرتی از آن دستگاه باقی نمانده است. از این سو هم، قدرت‌های الهی جدیدی - مانند علی (علیه السلام) و اصحاب راستینش - که بر اثر فرهنگ بعثت و ولایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به وجود آمده بودند، اجازه بازگشت و ارتجاع را به آنان نمی‌دادند و افسانه جنگ‌آوران و قدرت‌مندان جاهلیت را به زباله‌دان تاریخ فرستاده بودند و مظاهر قدرت به علی و حمزه و جعفر (علیهم السلام) تبدیل شده بود. به همین دلیل بود که نظام نفاق برای تحقق امیال خود ناچار شد به ادبیات دین تکیه کند و از این طریق امت نفاق را در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایجاد کند و بعد از ایشان حاکمیت را غصب کند.



البته در وهله‌هایی مانند جنایت احتراق بیت، هوس می‌کردند تا جانشین پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را از بین ببرند و با آتش زدن و سوزاندن اهل خانه، حق را ریشه‌کن کنند<sup>۱</sup>، چون می‌دانستند که کانون قدرت و مظهر فرهنگ بعثت، علی (علیه‌السلام) است. اما با فداکاری و جان‌فشانی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، به شهادت رساندن امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) برایشان میسر نمی‌شود. در واقع شهادت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) باعث بی‌آبرویی منافقین گردید و موجب ایجاد حریم و امنیت جانی و حیات سیاسی برای حضرت علی (علیه‌السلام) شد و به همین دلیل است که آنان مجبور شدند برای حفظ قدرت خود، طرح ترور حضرت در مسجد توسط خالد را منتفی کنند و هم‌چنین به عیادت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) بروند تا از این دیدار برای اعاده حیثیت خود، استفاده کنند و اصرار بر حضور در تشییع آن شهیده هم به علت ترمیم همین بی‌آبرویی بود.

البته امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بعد از این قضایای تلخ می‌توانستند دوباره قیام کنند یا قهر کنند یا از شهر مدینه خارج شوند اما هیچ‌یک از این‌ها محقق نشد بلکه با حاکمیت نفاق ارتباط برقرار کردند؛ زیرا مأموریت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در از بین بردن وحدت کلمه کفر و برچیدن کفر جلی - که مصداق اتم آن در امپراطوری ایران و روم بود - به اتمام نرسیده بود و اصرار حضرت بر حق خود و مبارزه سیاسی بر سر خلافت، باعث شکاف در امت اسلامی و ناتوانی در سرکوب کفر جلی و از بین رفتن زحمات پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) توسط قدرت‌های بزرگ خارجی می‌شد. لذا علی (علیه‌السلام) به‌جای پافشاری بر ولایت خود بعنوان حقیقت دین، دست از همه حقوق خود برداشت و مرتباً بر آرمان‌های بعثت در محو کفر جلی پای فشرد تا منافقین از روی حسادت و برای حفظ قدرت خود، ناچار به تحقق آن آرمان بزرگ شوند؛ گرچه فتوحات را به نام خود تمام کنند.

پس امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، نظام نفاق را به نحوی مدیریت کرد که بر ظاهر دین تکیه کند و به جاهلیت بازنگردد بلکه مانند پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، وحدت کلمه کفر را نشانه بگیرد و نابودی آن را وجهه همّت خود سازد؛ هم‌چنان که با تبیین‌های خود، اصحاب و یاران راستین خود را بر اعتقاد صحیح و تشریح واقعی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ثابت قدم نگه داشت گرچه آنان را به برای همکاری با دولت نفاق بر ضد کفر و شرکت در جنگ‌ها سفارش می‌نمود. در واقع امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نسبت میان سه نظام «ایمان، نفاق و کفر» را به نحوی مدیریت کردند که نتیجه آن، محقق شدن اراده و برنامه الهی در محو کفر و فروپاشی امپراطوری ایران و روم باشد که این سطح از مدیریت نسبت به هر سه نظام، چیزی جز

---

<sup>۱</sup> البته در این حادثه، علی (علیه‌السلام) قدرت خود را در کشتن مهاجمان نشان می‌دهد؛ اما از آن‌جا که اراده الهی بر این بود که مردم با اراده و تمایل خود راه حق را برگزینند، مهاجمان را رها می‌کند زیرا مردم حتی با وجود جاذبه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هم حاضر نشده بودند با منافقین و خیانت‌ها و عصیان‌های آنان برخورد کنند و بعد از رحلت ایشان هم از وصی او دفاع نکرده بودند. به همین دلیل است که ایشان در مسجد از حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) می‌خواهند تا عذاب تکوینی را برای مردم درخواست نکنند.

«ولایت تاریخی» نیست. حتی در این عرصه، بهترین مشورت‌ها را به دولت نفاق ارائه می‌کند تا حکومت آنان در مقابل کفار از بین نرود که نمونه آن در مشورت به خلیفه دوم برای عدم خروج از مدینه برای جنگ با ایرانیان است؛ زیرا ترس و ناتوانی او در جنگ‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) علیه کفار آشکار شده بود و این ضعف در صورت مقابله با ابرقدرت جهان آن روز، نتایج خطرناکی برای امت و حکومت رقم می‌زد.

پس حضرت در همه عرصه‌ها موضع‌گیری داشتند؛ از تبیین عمیق‌ترین حقایق ولایت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و لعن غاصبین در نمازها تا مشارکت در حفظ دولت نفاق به نحوی که ده‌ها بار بر «لولا علی لَهْلَکَ عُمَرُ» تأکید شود تا مأموریت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در محو بت‌پرستی - که صدو بیست و چهار هزار پیامبر در طول شش هزار و هشتصد سال به آن وعده داده بودند - محقق گردد؛ ولو این‌که منصب‌شان از دست برود و همسرشان فدا شود و بصیرت خود را خرج دستگاه نفاق کنند.

به نظر ما این همان معنای خداپرستی است که براساس تحقق بخشیدن به برنامه الهی شکل می‌گیرد و ابتناء «جهت‌گیری، موضع‌گیری و مجاهده» آن حضرت بر علم الهی و معجزه بودن آن را توضیح می‌دهد و معنای «آیه بودن نفس وجود مبارک امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و افعال نورانی ایشان» را در سطح معرفت فقهاء تبیین می‌کند؛ گرچه برای مردم عادی نیز، صبر ایشان بر خیل مصائب باوجود قدرت بی‌ظنیر ایشان، به آیه الهی بدل می‌شود و به تدریج برخی از آنان را از نظام نفاق جدا می‌کند. به همین دلیل است که مردم با آشکار شدن زاویه‌های عمیق دولت نفاق با فرهنگ بعثت در زمان عثمان بر ضد او قیام کردند و به اصرار، علی (علیه‌السلام) را به کرسی خلافت نشانند. البته مردم در حقیقت دو دسته بودند؛ دسته‌ای که امت اسلامی راستین یعنی امت شیعه را تشکیل دادند و دسته‌ای که اکثریت را تشکیل می‌دادند در جنگ قدرت با خلیفه، بر حساسیت‌های مردم نسبت به ظاهر اسلام - که عثمان آنها را زیر پا می‌گذاشت - سوار شدند و به آن حضرت روی آوردند. در واقع، حکومت حضرت، پشتوانه‌ای از امت دینی حقیقی نداشت و از همین روست که حضرت تمایلی به تصدی نشان نمی‌دهند و بعد از اصرار مردم و پذیرفتن خلافت ظاهری، در خطبه‌ی خود بر فرهنگ غدیر و ولایت تکیه نمی‌کنند. لذا در ادامه، دسته‌ی دوم قدرت می‌یابند تا با تحمیل سه جنگ به حضرت و اتهام ناکارآمدی، مدیریتی به ایشان و زیر سؤال بردن روش مدیریت الهی و اخلاقی حضرت و سلب آبروی سیاسی، فضا را برای ترور امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فراهم کنند و از ادامه حکومت ایشان جلوگیری نمایند.

این وضعیت در زمان امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) تا لعن نام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بر منابر و کشتن یاران اهل‌بیت (علیهم‌السلام) پیش می‌رود و سخت‌ترین دوران‌ها و بیشترین مظلومیت‌ها را بر آن امام تحمیل می‌کند اما ایشان با تحمل این اهانت‌ها و ظلم‌ها و حضور در جامعه و موضع‌گیری و اصرار بر

آرمان‌های بعثت، معاویه را - علی‌رغم بغض شدیدش نسبت به پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) - به حفظ فرهنگ بعثت و ظواهر دین و سلوک شیخین در جنگ با کفر جلی، مجبور می‌نماید و جرأت بازگشتن به فرهنگ جاهلیت را از او سلب می‌کند و اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) هم در ده سال دوم حکومت معاویه، همین رویه را ادامه می‌دهد.

والسلام علیکم ورحمه الله



بسمه تعالی

عنوان شب هفتم: فلسفه‌ی غیبت و وظایف فقها نسبت به امت اسلامی

خلاصه سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین استاد صدوق

تاریخ: ۱۳۹۲/۸/۱۹

در دهه اول محرم الحرام ۱۴۳۵ هجری قمری

۱. در شب گذشته روشن شد که ولایت تاریخی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) نسبت به توازن سه نظام «کفر و نفاق و ایمان»، باعث مقاومت کلمه حق و استمرار آن علی‌رغم هجوم‌های دشمنان شد و موضوع امتحان مردم قرار گرفت و افعال نورانی معصومین (علیهم‌السلام) بر اساس علم الهی - که شاخصه آن، استقرار روح القدس در پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و جانشینانش بود - و در اوج ایثار و مظلومیت، موجب اهتزاز پرچم خداپرستی در عالم شد.

۲. در تکمیل مباحث قبلی باید توجه داشت که رفتار و مواضع امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) باعث شد که منافقین از روی حسادت به دنبال تحقق آرمان‌های بعثت بروند زیرا نه راهی برای بازگشت به جاهلیت داشتند و نه تویی و تسلیمی را نسبت به وصی بر حق پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌پذیرفتند. به همین دلیل بود که فقه در جامعه جریان پیدا کرد و در زمان خلیفه دوم، علاوه بر اخلاق سلطنت و خشونت، زهد هم در جامعه ترویج شد و در عرصه جهاد با کفار، دو امپراطوری ایران و روم هم فروپاشید و بدین گونه ارکان آنچه به عنوان «سنت شیخین» از آن یاد می‌شد، شکل گرفت.

اما در دوره عثمان، به دلیل انفعال منافقین در برابر آثار تمدن ایران و روم و تمایل آنان به زندگی مادی، اخلاق کاخ‌نشینی در جامعه اسلامی ترویج شد و اخلاق زهد را از بین برد؛ کما اینکه اجرای فقه در قبال افراد ذی نفوذ هم به سستی گرایید و مستضعفین در فشار و مضیقه قرار گرفتند. لذا رؤسای قبائل مستضعف برای کسب قدرت شورش کردند اما به دلیل انحصار کانون قدرت در دو نقطه «سنت شیخین» - که عثمان در عمل از آن فاصله گرفته بود - و «امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)» بعنوان یک عضو فعال در جامعه اسلامی و منادی آرمان‌های بعثت، نتیجه این شورش، خلافت و حاکمیت علی (علیه‌السلام) بود. از سوی دیگر با کشته شدن عثمان، پرچم اخلاق کاخ‌نشینی و زندگی براساس تمدن ایران و روم به دوش معاویه افتاد و او این راه را - که از زمان خلیفه دوم آغاز کرده بود - با قدرت بیشتری ادامه داد و در برابر علی (علیه‌السلام) بعنوان مظهر فرهنگ دینی قرار گرفت.

اما کسانی که براساس «ثئوری قدرت» و راه و رسم مادی در سیاست‌ورزی شورش کرده بودند، اخلاق مدیریتی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را برنتابیدند زیرا ایشان براساس راه و رسم الهی در هدایت امت و حکومت‌داری و تمدن‌سازی حرکت می‌کردند و به مستضعفین توجه داشتند و دست همه مفسدین را از بیت‌المال قطع کردند و با اخلاقی که در طول سی سال فساد و خاصه خرجی از بیت‌المال شکل

گرفته بود، برخورد کردند. چنین رفتاری برای خواصی که در نزدیکی مرکز قدرت قرار داشتند، گران آمد و اولین جنگ از طرف بیعت‌کنندگان عهدشکن تحمیل شد و ضربه‌ای را بر پیکر جامعه اسلامی وارد آورد و شورش آنان به نفع معاویه تمام شد و طرفداران ناکثین به معاویه پیوستند.

دشمنان می‌دانستند که اگر به علی (علیه‌السلام) مهلت دهند، حضرت در گام‌های بعدی با زندگی مادی و اخلاق کاخ‌نشینی در نخبگان و خواص مقابله خواهد کرد و لذا با فریب و بازی دادن کسانی که عقلانیت ضعیفی داشتند و در برابر ادبیات دینی منافقین منفعل می‌شدند، حکومت مرکزی را تضعیف کردند و سپاه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را در جنگ با معاویه متزلزل نمودند. در ادامه خوارج دستگاهی برای قدرت و ریاست خود دست و پا کردند؛ ریاستی که به‌جای کاخ‌نشینی، براساس تقدس مثابی و عبادت محوری شکل می‌گرفت و به بُعد اصلی دین - که در رفتار علمی امام معصوم (علیه‌السلام) بعنوان آیه عقلانی تجلی می‌یافت - هجسه نمودند. لذا بعد از جنگ با ناکثین و مارقین، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و معاویه با دو فرهنگ در مقابل یکدیگر باقی می‌مانند: اولی به وحدت امت دینی حول خداپرستی با محوریت آیات عقلانی - که وجود امام معصوم (علیه‌السلام) است - دعوت می‌کند و دومی برای وحدت به جماعت مسلمین تمسک می‌کند؛ یکی در حکومت، مرتباً به تئوری قدرت تکیه می‌کند و با زر و سیم و اموالی که در طول سالیان دراز جمع کرده، صاحبان قدرت را می‌خرد و دیگری بر تقوم حکومت اسلامی به ولایت تاریخی و تکوینی خدای متعال (تئوری خلافت) تأکید می‌کند و به دنبال جریان اخلاق برای ساماندهی حساسیت‌ها بر محور خداپرستی است؛ یکی، تمدن دینی را حول علم امامان معصوم (علیهم‌السلام) ترسیم می‌کند و دیگری تمدن مادی ایران و روم را بر محور اهواء ترویج می‌کند. این فضا باعث تضعیف حکومت مرکزی و شهادت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌شود زیرا یک امت و جامعه دینی بر محور ایشان شکل نگرفته بلکه اکثر کسانی که با قیام خود، ایشان را به حکومت رساندند، بر جامعه مادی و قدرت‌های غیر الهی تکیه داشتند.

۳. به نظر ما جهت‌گیری‌ها و موضع‌گیری‌ها و مجاهدات تمام ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و مدیریت تاریخی این انوار مقدس نسبت به سه نظام، دستاوردهای مهمی به دنبال داشته که توجه به این دستاوردها، برخی ادراکات غلط مبنی بر گوشه‌نشینی امامان (علیهم‌السلام) و انزوا و عدم حضور در صحنه توسط آن بزرگواران را به نحو تحلیلی و استدلالی ابطال می‌کند:

- با رفتارهای بی‌نظیر معصومین (علیهم‌السلام)، حفظ نسل اوصیاء به بهترین نحو محقق شد و تولد آنان در محیطی ایمن صورت گرفت. اهمیت این مطلب از آنجا روشن می‌شود که ائمه کفر قبلی (مانند نمرود و فرعون) برای جلوگیری از تولد پیامبران الهی، زن و مرد یک امت را از هم جدا می‌کردند تا نطفه‌ای منعقد نشود و سپس تمام اطفال ذکور یک امت را به دم تیغ می‌دادند و همه این‌ها در صورتی است که

درجه شقاوت و بغض آنان قطعاً پایین‌تر از درجه عناد و کینه دشمنان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بوده است؛ اما معصومین (علیهم‌السلام) در مقابل چنین دشمنانی، این مأموریت الهی را انجام دادند<sup>۱</sup> و با مدیریت خود، قدرت و فرصت ممانعت در برابر این وظیفه الهی را از دشمنان سلب کردند.

- همان‌طور که گذشت، با خون حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) و مدیریت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و سپس شهادت همه معصومین (علیهم‌السلام)، اخلاق درگیری با کفر نهادینه شد و امکان بازگشت به جاهلیت از همه منافقین سلب گردید. یعنی حساسیت‌های امت اسلامی توسط معصومین (علیهم‌السلام) به نحوی مدیریت می‌شد که اگر حکومت‌های جور در این زمینه کوتاهی نشان دهند، لاجرم با جمع شدن مردم بر محور معصومین (علیهم‌السلام) در مقابل این عقب‌نشینی مواجه شوند و لذا ائمه نفاق برای دور کردن مردم از ائمه (علیهم‌السلام)، به این موضوع اهتمام می‌کردند.

- با مجاهدت‌های معصومین (علیهم‌السلام)، ارکان فقه و احکامی که در زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تشریح شده بود، در ساختارهای حکومت به پذیرش رسید زیرا توجه به مناسک الهی برای حفظ ظاهر دینی توسط دستگاه نفاق، امری ضروری بود و استفاده از روابط اجتماعی تمدن‌های مادی آن روز برایشان غیرممکن شده بود؛ ولو آن که به دلیل بغض و دشمنی و به پذیرش رساندن حق تشریح برای خود در جامعه، در این مناسک تصرفاتی هم داشته باشند. لذا در هر صورت فقه - ولو به قرائت شیخین - در جامعه اسلامی به پذیرش رسید.

- اخلاق عبادت در جامعه اسلامی به راه افتاد و علاوه بر بلاد اسلام، در سرزمین‌های فتح شده نیز، مسجدسازی و اقامه نماز جماعت و جمعه و روزه و حج و دیگر عبادات و اجتماعات دینی رواج پیدا کرد. یعنی علی‌رغم ترویج کاخ‌نشینی و زندگی مادی، فرهنگ عبادت هم ترویج شد و ائمه نفاق مجبور بودند پرچم عبادت را به دوش گیرند تا این پرچم به دست اهل‌بیت (علیهم‌السلام) نیافتد.

- به برکت مقاومت‌های معصومین (علیهم‌السلام)، قرآن اولین کتاب آسمانی است که تحریف نمی‌شود و حدود آن حفظ می‌گردد؛ گرچه از نظر معنوی، تأویل‌های منافقانه، جامعه را گمراه می‌کند.

- در پرتو امنیتی که ائمه (علیهم‌السلام) ایجاد می‌کنند، حقائق دین و بعثت و ولایت تا عالم رجعت و دیگر معارف الهی حفظ می‌گردد؛ هم‌چنان که در طول زمان، حق حیات امت شیعه به رسمیت شناخته می‌شود که البته علت اصلی آن، حکم تاریخی تقیه بوده است.

---

<sup>۱</sup> البته تبیین و تحلیل نحوه حفظ نطفه مطهر پیامبر اکرم نیز بحث مهمی است که مجال دیگری را می‌طلبد.

- علی‌رغم هجوم فرهنگی و عقلانی تمدن مادی ایران و روم، ائمه نفاق پاسخ‌گوی آن نبودند اما ائمه معصومین (علیهم‌السلام) این وظیفه را به عهده گرفتند و تبیین تمدن دینی در عرصه‌های کلامی، فقهی و... انجام شد و قرآن، تشریح و تفصیل یافت.

۴. همه آن مرارت‌ها برای تحقق این دستاوردها در حالی صورت گرفت که براساس «تئوری قدرت» و روش‌های مادی و مرسوم برای کسب جایگاه سیاسی، معصومین (علیهم‌السلام) بارها و بارها می‌توانستند دست به قیام بزنند اما چنین نکردند که یکی از بارزترین این موقعیت‌ها، زمانی است که مردم کوفه بر اثر روشنگری‌های امام سجاد (علیه‌السلام)، از ایشان تقاضای قیام کرده و آمادگی خود را برای کشتن یزید اعلام می‌کنند اما سیدالساجدین (علیه‌السلام) پاسخ می‌دهند: «فلا یومٌ لنا و لا علینا»؛ چون آنان همان کسانی بودند که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را با اصرار خود به حکومت رساندند و سپس با تحمیل سه جنگ بر آن بزرگوار، فضا را برای ترور ایشان فراهم کردند و لذا قرار گرفتن شمشیرها در نیام، بعنوان یک حکم تاریخی از این زمان آغاز می‌شود و هنگامی پایان خواهد یافت که همراهی مردم برای تحقق «تئوری خلافت» باشد. از همین رو و با وجود تضعیف دولت مرکزی در زمان صادقین (علیهم‌السلام)، باز هم قیامی انجام نمی‌شود و به نشر معارف حقه همت گمارده می‌شود؛ همان‌طور که بعد از مرگ هارون و به حسب نگاه مادی به قدرت، قیام‌های متعدد علویان بهترین فرصت را برای امام رضا (علیه‌السلام) ایجاد می‌کند اما ایشان قیام‌ها را نمی‌پذیرند چون هم چهره مأمون افشاء نشده و فریب‌های بعدی او کارگر خواهد افتاد و هم قیام‌های موجود براساس آیه بودن امام معصوم (علیه‌السلام) شکل نگرفته است و لذاست که بعد از شهادت امام رضا (علیه‌السلام)، عکس‌العمل خاصی از سوی مدعیان قیام دیده نمی‌شود. در واقع ائمه (علیهم‌السلام) همه تلاش خود را برای تحقق دستاوردهای مذکور از طریق مدیریت «نسبت بین سه نظام کفر و ایمان و نفاق» و افشاء نظام‌های مقابل برای تبیین چهره اسلام ناب به کار می‌بردند تا شرایط اجتماعی برای اداره حکومت براساس علم و اراده الهی فراهم شود. بر این اساس بود که به ارزیابی مردم می‌پرداختند تا اگر مردم - به جای تکیه به تئوری قدرت برای تشکیل امت و حکومت - بعنوان یک امت شیعی آمادگی یافتند؛ قیام کنند که هیچ‌گاه این آمادگی ایجاد نشد و در حد نثار خون برای حقائق دین، تعداد لازم شکل نگرفت. به همین دلیل است که تمامی قرآن‌های منتشر شده و مسجدهای بناشده و روزه‌ها و نمازها و حج‌ها و عبادات انجام گرفته توسط اهل سنت و تشیع، مدیون خون ائمه معصومین (علیهم‌السلام) است و اگر این خون‌های پاک نبود، هیچ اثری از خداپرستی در هیچ سطحی و به هیچ قرائتی بر روی کره زمین باقی نمی‌ماند.

پیش از انقلاب اسلامی، این تصور در حال غلبه بر نخبگان سیاسی بود - و رگه‌هایی از آن هنوز هم وجود دارد - که تنها کسانی که از میان ائمه شیعه، اهل مبارزه بودند، امام اول و امام سوم شیعیان هستند و ادراکات زشت و نابحقی به دیگر ائمه (علیهم‌السلام) نسبت داده می‌شد و رفتار این بزرگواران در



بهترین حالت براساس عمل به واجبات و مستحبات و انجام عبادات و دوری از محرّمات و مکروهات تبیین می‌شد. به نظر ما با تحلیلی که گذشت، مستدلاً روشن می‌شود که تمامی معصومین (علیهم‌السلام)، پرچمداران توحید و حصن خداپرستی جامعه بوده‌اند و متناسب با شرایط، والاترین تدابیر و مواضع را اتخاذ می‌کردند به نحوی که باعث انفعال دولت مرکزی می‌گشت و همین هم علت به شهادت رسیدن‌شان می‌شد، در غیر این صورت دلیلی برای قتل یک انسان عابد و گوشه‌گیر و یا سازشکار آن هم در سنین نسبتاً پایین وجود ندارد.

والسلام علیکم و رحمه الله



بسمه تعالی

عنوان شب هشتم: فرهنگ عاشوار، خاستگاه قیام فقها در صد و پنجاه سال اخیر

خلاصه سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین استاد صدوق

تاریخ: ۱۳۹۲/۸/۲۰

در دهه اول محرم الحرام ۱۴۳۵ هجری قمری

۱. براساس تحلیلی کلی که از رفتار ائمه معصومین (علیهم السلام) در شب‌های گذشته ارائه شد، می‌توان به تبیین صحیح و دقیقی از واقعه عاشورا دست یافت: معاویه با همه بغضی که نسبت به نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و حتی بُردن نام ایشان در مآذنه‌ها داشت و علی‌رغم تمهیدات همه جانبه‌ای که برای سلطنت یزید و بیعت مردم با او اجرا کرده بود؛ در هنگام هلاکت به پسرش سفارش کرد تا متعرض اباعبدالله‌الحسین (علیه‌السلام) نگردد و رویه ده ساله او در مورد امام حسین (علیه‌السلام) را ادامه دهد. اما یزید تنها چند روز بعد از هلاکت معاویه در نامه‌ای به فرماندار مدینه به او دستور می‌دهد که از اباعبدالله (علیه‌السلام) بیعت بگیرد و در صورت امتناع آن حضرت، ایشان را به شهادت برساند. به نظر ما این دستور برای آن بود که پوسته‌ی به جا مانده از دین در حکومت نفاق هم از بین برود و نهایتاً کفر علنی شود و آلا او می‌توانست ابتدائاً حرکات حضرت را زیر نظر بگیرد و در صورت ادامه روال گذشته امام حسین (علیه‌السلام) (عدم فعالیت سیاسی برای کسب قدرت) متعرض ایشان نشود؛ یا می‌توانست پیشنهاد پایداری بر پیمان صلح را ارائه کند و در سایه آن، امنیت جانی امام حسین (علیه‌السلام) را حداقل به عنوان ذریه‌ای از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) - که از خلافت دست برداشته و حرکت سیاسی ندارد - به رسمیت بشناسد.

لذا مخیر ساختن امام بین بیعت و شهادت، به معنای شکل گرفتن رفتار بی‌سابقه و خطرناکی در دستگاه جور بود که همه عقلانیت‌ها به خوبی آن را درک می‌کردند اما نمی‌خواستند آن را بپذیرند. به عبارت دیگر و براساس مباحث شب‌های گذشته، همه باید به خوبی درک می‌کردند که کانون فرهنگ بعثت، اباعبدالله‌الحسین (علیه‌السلام) است که یزید او را به قتل تهدید کرده است و در حالی که امام هیچ حرکت سیاسی برای کسب قدرت نداشته، این تهدید نمی‌تواند انگیزه‌ای جز از بین بردن فرهنگ بعثت داشته باشد. در واقع گرچه معاویه نیز مانند فرزندش، فرهنگ و روشی جز فشار شدید بر اهل بیت عصمت و طهارت و لعن امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و محروم نمودن بنی‌هاشم از همه حقوق و قتل اصحاب اهل بیت (علیهم السلام) نداشت، اما همانند یزید، جرأت نکرد تا علناً امام حسن (علیه‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام) را به شهادت برساند و منادیان فرهنگ بعثت را از بین ببرد.

از همین رو در فاصله بسیار کمی از مرگ معاویه و ابلاغ‌نامه، امام تصمیم می‌گیرد یزید و تصمیم او برای ارتجاع به سوی کفر جلی را برای همگان افشا کند و قیام امام با خروج کاروانی چند صد نفره از مدینه آغاز می‌شود تا در عمل، تهدید به حذف فیزیکی و عدم امنیت جانی ذریه رسول خدا (علیه‌السلام)

و هجمه به او در حکومت اسلامی عمومی و علنی شود؛ شاید حساسیت‌ها در مدینه - بعنوان مرکز صحابه پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) - برای دفاع از ایشان تحریک شود که پاسخی به این اتمام حجت داده نشد. در واقع سکوت اهل مدینه به این معنا بود که آنان تبلیغات بنی‌امیه را پذیرفته‌اند و می‌پندارند که دعوی ائمه(علیهم‌السلام) و بنی‌امیه بر سر قدرت است و نه بر سر حق و باطل؛ در حالی که همراه کردن مخدرات و اطفال با کاروان توسط امام معنایی جز این نداشت که مسأله، حفظ اصل اسلام است که در آن، سنّ و جنسیت شرط نیست و همه در این باره مکلف‌اند. هم‌چنان که تعداد اولیه کاروان - که چند صد نفره بوده و در میان آنان، جنگاورانی مانند عباس بن علی(علیه‌السلام) و علی‌اکبر(علیه‌السلام) حضور داشته‌اند - بهترین وسیله برای کار سیاسی و کسب قدرت در مدینه و تصرف آسان دارالخلافه در این شهر بوده<sup>۱</sup>؛ اما امام این کار را هم انجام نمی‌دهند. و این نشان می‌دهد که هدف ایشان، حفظ فرهنگ بعثت و افشاء کفر یزید و اثبات ضدیت او حتی با فرهنگ شیخین بوده و نه حاکمیتی که به دلیل فقدان امت دینی، قطعاً پایدار نمی‌مانده است.

۲. به همین دلیل مکه بعنوان مقصد انتخاب شد تا طبق اعتقادات جامعه اسلامی درباره تقدّس مکه و امنیت مسلمانان در آن، امنیتی برای آل‌الله(علیهم‌السلام) فراهم شود اما با ورود یک گروه برای ترور امام در بیت‌الله‌الحرام به دستور یزید، افشاگری دیگری بر ضد او انجام می‌شود: یزید به مکه و حرمت آن بعنوان یکی از ارکان دین اعتقاد ندارد و یا تنها ذریه باقیمانده از رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) را مسلمان نمی‌داند که به دنبال قتل او در حرم است. این اتمام حجت بزرگ در مقابل دیدگان حجاج از تمام جهان اسلام اتفاق می‌افتد؛ یعنی تعداد زیادی از کسانی که در مرتبه بالایی از استطاعت مالی و قدرت و فهم سیاسی و شوق معنوی و درک عبادی قرار دارند و به توصیه‌های پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) اعتناء دارند. در واقع امام در مقابل چنین فضایی و در روز ترویه و در حالی که همگان عزم اعمال حج کرده‌اند، از مکه خارج می‌شوند و دلیل آن را توطئه یزید برای قتل خود و حفظ حرمت حرم اعلام می‌کنند.

پس در حدود چهار ماه اقامت امام در مکه و علی‌رغم سیل نامه‌های کوفیان به ایشان، اباعبدالله(علیه‌السلام) در چنین زمانی تصمیم به خروج از مکه می‌گیرند و این بزرگترین فریاد و بالاترین حجت بر امت اسلامی بود تا: ۱. عزم یزید برای هدم همه ظواهر اسلام و نابودی آخرین سنگرهای دینداری واضح شود و ۲. عدم امنیت جانی ذریه رسول خدا(علیهم‌السلام) اعلام گردد و ۳. خط بطلانی بر همه عباداتی کشیده شود که امام آن، ابلیسیان باشند. علاوه بر آن که حضرت مسلم(علیه‌السلام)، صدق کوفیان را تأیید

---

<sup>۱</sup> در بسیاری از قیام‌های علویان هم مشاهده می‌شود که توانسته‌اند یک شهر مهم را تصرف کنند اما در ادامه شکست خورده‌اند و نه توانسته‌اند براساس تئوری خلافت، کار را به پیش ببرند و نه توانسته‌اند براساس تئوری قدرت، جایگاه سیاسی بدست آمده را حفظ کنند.

کرده بود و لذا امام با توجه به جمعیتی که وفاداری خود را اعلام کرده‌اند، موظف به بررسی آمادگی آنان برای قیام شده و به سوی کوفه رهسپار می‌شوند.

در ادامه و علی‌رغم رسیدن خبر شهادت حضرت مسلم (علیه‌السلام) به اباعبدالله (علیه‌السلام) در نزدیکی کوفه و با وجود امکان تغییر مسیر به سوی مدینه یا یمن و غیره، امام (علیه‌السلام) باز هم راه کوفه را در پیش می‌گیرند زیرا فرهنگ و مشی عمومی انبیاء و اوصیای الهی اینچنین نبوده که دعوت خود برای حفظ کلمه توحید و مقابله با کلمه باطل را به صورت مخفیانه و محدود و دور از فضای عمومی جامعه انجام دهند چون به دنبال اتمام حجت بر همه بندگان و مفتضح کردن کلمه باطل در مقابل دیده همگان بودند و این جز به وسیله رودرویی تمام عیار با ائمه کفر در کوفه یا شام امکان‌پذیر نیست؛ و این معنای امامت به معنای نزول همه امور در شب قدر به ایشان است.

به فاصله کوتاهی از رسیدن خبر شهادت مسلم بن عقیل (علیه‌السلام)، سپاه حرّ نیز در برابر کاروان بنی‌هاشم قرار می‌گیرد و در مذاکره با حرّ، باز هم اباعبدالله (علیه‌السلام) در سه سطح به اتمام حجت می‌پردازد: ۱. حکومت یزید باطل و غیرقابل پذیرش است ۲. من بخاطر دعوت مردم به سوی کوفه رهسپار شدم و اگر آنها از منصرف شدند و تصمیمی برای دفاع از دین ندارند، منازعه‌ای با شما و دعوایی بر سر قدرت ندارم و لذا باید راه باز شود تا ما بازگردیم. مخالفت دستگاه جور با این پیشنهاد هم به معنای عزم آنان بر سلب حق حیات و زندگی از امام حسین (علیه‌السلام) در جامعه اسلامی بود؛ یعنی دقیقاً همان چیزی که امام به دنبال اثبات آن به مردم بود. لذا در سومین سطح می‌خواهد راه باز گذاشته شود تا کاروان به خارج از مرزهای حکومت اسلامی سفر کند که این پیشنهاد و ردّ آن توسط حکومت جور، دقیقاً به معنای اثبات مسلمان نبودن یزید و کنارگذاشتن اصل اسلام در دستگاه او بود؛ یعنی تنها بازمانده رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اجازه زندگی و امنیت در حکومت‌های کفر را دارد اما در حکومت اسلامی چنین حقی برای او به رسمیت شناخته نمی‌شود!! لذا کاملاً روشن می‌شود که مسأله اصلی در حرکت حضرت، حفظ فرهنگ بعثت است و کسب قدرت و حرکت سیاسی موضوعیت ندارد.

۳. بعد از ردّ این احتجاج امام است که اباعبدالله (علیه‌السلام) بنابر تقدیر تاریخی و پیش‌بینی‌های پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بسوی کربلا رهسپار می‌شوند. در واقع، هم خروج از مدینه و هم خروج از مکه، حکم و مأموریتی اجتماعی است که در جامعه آن روز، معانی بسیاری را به همراه داشت؛ اما ردّ پیشنهاد های اباعبدالله (علیه‌السلام) برای بازگشت یا خروج از مرزها، حکم تاریخی خداوند متعال مبنی بر شهادت آن حضرت را به دنبال می‌آورد و انتخاب مسیر و منازل راه، توسط اباعبدالله (علیه‌السلام) انجام

<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد همین نکته است که باعث تردید حرّ می‌شود و لذا وقتی در روز عاشورا تصمیم قطعی سپاه بر قتل امام را می‌بیند و صدق پیش‌بینی حضرت را مشاهده می‌کند، بسوی امام می‌شتابد و علت کار خود را مسأله حق و باطل و بهشت و جهنم عنوان می‌کند.

می‌شود تا به سرزمینی برسند که تمام انبیاء در سیر ملکوتی خود به آن فراخوانده شده‌اند و قطراتی از خون آنان بر آن زمین ریخته است تا با خون امام حسین (علیه‌السلام) عجین گردد. پس این یک مأموریت تاریخی است که حفظ جان یا قیام برای حکومت در آن مطرح نیست بلکه جان آل‌الله (علیهم‌السلام) فدا می‌شود تا فرهنگ بعثت بماند؛ همان‌طور که با شهادت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) در جنایت احتراق بیت، دشمن نتوانست امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را به شهادت برساند تا در ادامه با ولایت تاریخی ایشان، دستگاه نفاق و ادار به حفظ سطحی از فرهنگ بعثت شود.

۴. با وجود شهادت همه بنی‌هاشم (علیهم‌السلام) و اصحاب امام و علی‌رغم عمق قساوت و جنایت دشمنان از روز عاشورا تا کوفه و شام و تصمیم‌های متعدد برای به شهادت رساندن امام سجاد (علیه‌السلام) در طول این مدت، نسل اوصیاء از طریق حفظ معجزه‌وارِ جانِ حضرت سیدالساجدین (علیه‌السلام) و باقرالعلوم (علیه‌السلام) ادامه می‌یابد و ادامه فرهنگ بعثت از این طریق تضمین می‌شود. باید توجه داشت که دشمن در عاشورا و حتی در مجلس ابن‌زیاد در کوفه، هنوز از ادبیات دینی استفاده می‌کرد و تا رسیدن به شام، کسانی که شصت سال بعنوان مظهر فرهنگ بعثت در جهان اسلام بودند، بعنوان خارج شدگان از دین به افکار عمومی معرفی شدند؛ اما در شام بود که یزید نیت خود را آشکار کرد و در شعری که سرود، کفر را علنی نمود و تصریح کرد که: «بنی‌هاشم به بازی قدرت مشغول بود و اساساً وحی‌ای نازل نشده و من انتقام خون اجداد کافر در جنگ بدر را گرفتم!»

در این جاست که امام سجاد (علیه‌السلام) و حضرت زینب (علیها‌السلام) بر اعتقادات مردم و حساسیت‌های آنان نسبت به خداپرستی و قرآن و نبوت دست می‌گذارند و با تکیه بر فرهنگ بعثت، محوریت آباء یزید در کفر و محوریت جدّ مظهر خود در اسلام را یادآور می‌شوند و بر انتسابات دینی خود تأکید می‌کنند و فضای مجلس را دگرگون می‌کنند به نحوی که یزید که دقایقی پیش، کفر خود را علنی کرده بود بلافاصله از تمام نقشه‌های خود عقب‌نشینی می‌کند و برای نجات خود و کنترل قصر، به نماد اسلام یعنی اذان متوسل می‌شود و از مؤذن می‌خواهد تا اذان بگوید! در این حین حضرت با اذان او هم محاجّه می‌کنند و او را مفتضح‌تر می‌کنند و او ناچار می‌شود در مرکز قدرت امپراطوری خود، مجلس را ترک کند؛ یعنی همان شهری که هنگام ورود همین کاروان، به جشن و پایکوبی با آن تشریفات خاص پرداخته بودند، در عرض چند روز به عزاخانه تبدیل شد. به عبارت دیگر با اینکه یزید از تمام تدابیر خود دست کشید، اما کار با این عقب‌نشینی‌ها به پایان نرسید بلکه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) موفق شدند علاوه بر احیاء آرمان‌های بعثت، عواطف عمومی و «اشک» را آن هم در مرکز قدرت طرف مقابل، پشتوانه آن آرمان‌ها قرار دهند و در طی چند روز، به انقلاب عواطف در شام دست بزنند. به همین دلیل است که یزید مجبور شد اهل‌بیت (علیهم‌السلام) را با احترام به مدینه بازگرداند و از عیب‌الله براءت بجوید و حکم امارت عمرسعد بر ری را لغو کند تا مردم آرام شوند و بیش از این در مرکز حکومت‌اش تهدید نشود.

لذا با قیام امام حسین (علیه السلام)، حرکت پیامبر مکرم (صلی الله علیه و آله) اسلام تثبیت و معلوم شد که رفتار یزید، کافرانه و بر ضدّ خداپرستی و براساس کفر جلیّ است و نمی‌توان با خشونت و در عین، کانون بعثت را از بین برد و این سیلی سنگین چنان برگوش ظلمه نواخته شد که هنگام فاجعه حرّه در سال بعد، آنان تنها خانه امن در مدینه را بیت نورانی امام سجاد (علیه السلام) اعلام کردند!

چه کسی می‌تواند در مقابل یک امپراطوری جهانی و بعد از نثار جان هفتاد و دو نفر و به همراه چند ده بانو و طفل، تمام هدف‌گذاری‌های پنجاه ساله دستگاه جور را عقیم کند و علاوه بر آن، طرفداران حکومت را با آن عمق از جهالت و دشمنی‌شان، در حد عزاداری و اشک به انفعال بکشاند؟! به نظر ما هیچ عقل سیاسی و جامعه‌شناختی نمی‌تواند باور کند که در چنین فاصله کوتاهی، یک قدرت بزرگ در برابر یک اقلیت کوچک، چنین عقب‌نشینی شدیدی داشته باشد. این همان بزرگترین معجزه عاشورا است و ثارالله، بالاترین تجلی قدرت الهی و قوی‌ترین برهان بر توحید و فرهنگ آخرت‌گرایی است.

والسلام علیکم و رحمه الله





## عنوان شب نهم: نگاه نو به «رفتار نظام الهی، نظام نفاق و نظام کفر» در دوره‌ی غیبت

### خلاصه سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین استاد صدوق

در دهه اول محرم الحرام ۱۴۳۵ هجری قمری تاریخ: ۱۳۹۲/۸/۲۱

۱. در شب‌های گذشته، براساس اعتقادات حکومتی و تشریح امت و حکومت و تمدن دینی، یک سیر از ولایت تاریخی و کیفیت تصمیم‌گیری پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) تا فرارسیدن دوران غیبت، توضیح داده شد و تفاوت شرایطی که قیام عاشورا را رقم زد (تصمیم دولت نفاق برای بازگشت به کفر جلی)، با شرایط قیام دیگر معصومین (علیهم‌السلام) روشن شد. گرچه هر یک از سرفصل‌هایی که در این سلسله ارائه شده و خواهد شد، منشأ مباحث فراوان و مفصل دیگری خواهد بود تا قدم‌های اولیه جامعه شیعه برای تفقه در افعال معصومین (علیهم‌السلام) شکل بگیرد.

اما در صورتی که آسیب جامعه شیعی معین شود، علت و معنای غیبت هم معلوم شده و فضایی برای تعیین تکلیف شیعیان اهل بیت (علیهم‌السلام) در شرایط فعلی فراهم می‌شود. به نظر ما آنچه موجب شد وفاداری و خدمت‌گزاری جامعه شیعه، متناسب با منویات معصومین (علیهم‌السلام) شکل نگیرد و فرصت‌ها از دست برود، مشکل «عقلانیت» بوده است. عقل، عنصری است که در رابطه با «قلب» و «رفتار» قرار دارد و اگر حرکت اعتقادی از قلب شروع شود در ادامه، عقل هم نورانی خواهد شد و فهم درستی از دین ایجاد شده و رفتارها بصورت همه جانبه به طرف کلمه حق حرکت خواهد نمود. اما آنچه محقق شد، خلاف این بوده و لذا عقلانیت وحی - که در رفتار معصومین (علیهم‌السلام) متجسد می‌شده - برای عقول جامعه شیعه قابل هضم نبوده و شیعیان توانایی درک و ارتباط با آن موضع‌گیری‌های نورانی را نمی‌یافته‌اند؛ مگر این‌که قبل از آن، اعتقادات خود و لوازم آن را بر عقلانیت‌شان حاکم کنند. با فقدان این شرط ضروری بود که مستقیماً از ظرفیت عقلانیت خود برای بررسی مسائل استفاده می‌کردند و فاصله ظرفیت عقلانیت آن‌ها با عقلانیت وحی باعث می‌شد تا سؤالات به ظاهر لاینحلی برای آنان در قبال علم الهی معصومین (علیهم‌السلام) و رفتار همه جانبه و پیچیده آن بزرگواران پیش بیاید و امکان همراهی را از آنان بگیرد.

۲. البته مصادیق این روند باید به نحو جداگانه در هر یک از مراحل تاریخی تبیین شود. مثلاً در قیام‌های انجام شده توسط علویان، بسیاری از فرهنگ شیعی در خواص آنان جریان دارد اما چگونه به

تصمیمات امام رضا (علیه السلام) تن نمی دهند؟ در حالی که حرکت متناسب با تصمیم امام رضا (علیه السلام) همان کاری بوده که خاندان ایشان انجام می دهند و بزرگوارانی مانند حضرت معصومه (علیها السلام) و حضرت احمد بن موسی (علیه السلام) به محض احساس خطر برای جان آن حضرت، به جای قیام مسلحانه به سوی طوس بعنوان کانون فرهنگ بعثت حرکت می کنند ولو این که در راه به شهادت برسند؛ ولی عقلانیت بسیاری از جامعه شیعه در سطح تئوری قدرت و لوازم آن متوقف می ماند و دچار خلل و زلل می شود. هم چنان که کوفه بعنوان مرکز شیعه، نسبت به تحلیل امام حسین (علیه السلام) از اوضاع متحیر است و پیرامون آن به جمع بندی نمی رسد و فرصت را از دست می دهد و آلا اگر شیعه در طول ۲۵۰ سال حیات ائمه (علیهم السلام)، همه وظائف خود را انجام می داد و همانند اصحاب اباعبدالله (علیه السلام) در روز عاشورا پیش قدم در مبارزه و فداکاری می شد، امکان نداشت فساق و فجار و ظلمه توانایی بر قتل اهل بیت (علیهم السلام) بیابند. ممکن است کسی در صحت و سلامت اعتقادی سران این قیامها تشکیک کند، اما باید توجه داشت که این شبهات در جامعه امروز شیعه هم جاری است و همه مشاهده کرده ایم که علی رغم اعتقادات و رفتار صحیح شیعی، تردیدهایی عقلانی درباره ولایت فقیه و مسائل حکومتی، می تواند موجب چه تطبیق های غلطی شود و چه شکاف هایی را در امت پدید آورد. به عبارت دیگر امتحان، تعطیل بردار نیست و همان طور که گذشت در دوره دوم تاریخ تا زمان ظهور، موضوع امتحان همگان «عقلانیت» و شیطنت های آن است و لذا چنین اختلافاتی در میان شیعیان جریان خواهد داشت تا به تدریج و با پشت سر گذاشتن عقبه های متعدد، جامعه شیعه در راه تفقه نسبت به افعال معجزه گون ائمه معصومین (علیهم السلام) و تأدب نسبت به آستان آنان، به بلوغ برسد.

۳. در واقع شیطنت های عقل در ۲۵۰ سال حیات معصومین (علیهم السلام) مانع آن شد تا عرفان «اشک و خون و معرفت» به جایگاه خود برسد و کما هو حقّه محقق شود و منجر به شهادت ۱۳ معصوم (علیهم السلام) شد و بشر ولایت ائمه (علیهم السلام) را نپذیرفت و خداوند، حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بعنوان ذخیره دین خود برای تداوم تکوین و ادامه تاریخ و فراهم آمدن شرایط استضاء شیعیان به نور معصومین (علیهم السلام) در پرده غیبت قرار داد. پس علت غیبت به آسیب عقلانیت شیعه باز می گردد و لذا در دوران غیبت باید کثافات عقلانیت دفع شود تا عقلانیت نورانی که منشأ آن، آیه بودن وجود مبارک امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛ شکل بگیرد و تفقه غیر معصومین، ظرفی برای نور علم حضرت صاحب الامر گردد. به عبارت دیگر راه نجات جامعه شیعه آن گاه هموار

می‌شود که با گذر از مراحل عرفان اشک و عرفان خون (جان بر کف بودن و توجه همیشگی به عالم برزخ و قیامت) و عرفان فقاقت (تشخیص فقیهانه رضایت حضرت ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) در زمان و مکان)، تازه به مقام «نصرت» برای اقامه کلمه حق دست پیدا کند؛ مقامی که مربوط به پرچمداران توحید است و بالاترین درجه برای غیر معصوم است و محور آن، تقرّب به حضرت ابالفضل (علیه‌السلام) است: «فنعم الأخ الصابر المجاهد المحامی الناصر...»

۴. اما برای تبیین آنچه بر جامعه شیعه از غیبت تا کنون گذشته، باید نگاهی به وضعیت جامعه کفر و نفاق انداخت تا براساس آن به تکالیف پرچمداران توحید در خدمت‌گزاری به معصومین (علیهم‌السلام) پرداخته شود: جامعه نفاق هم‌چنان وحدت کلمه امت را براساس اهواء جماعت مسلمین و تشکیل حکومت را براساس تئوری قدرت و ساخت تمدن را براساس تمدن مادی ایران و روم پی می‌گرفت و بر آن لایه‌ای از ظواهر دینی بر می‌کشید و زیبایی‌شناسی دین را در روبناها رعایت می‌کرد و مثلاً در هنر مسجدسازی، به‌جای صور خلاف شرع از نقش‌هایی که به نحوی با عبادت تناسب دارند، استفاده می‌شد. این فرهنگ بیش از هزار سال ادامه پیدا می‌کند و نظام کفر هم در این مدت با انفعال و ضعف در برابر تمدن مادی اهل نفاق، مرزوق این مرکز قدرت و علم و هنر و صنعت است. یعنی دنیای غرب در آن دوران برای رفع نیازهای خود وابسته به تمدنی بوده است که دولت نفاق آن را از ایران و روم به ارث برده و سپس به تکامل رسانده بود. البته آنان در این میان سعی کردند که متناسب با ابر قدرت دوران از دینداری عقب‌نمانند و لذا با برچیده شدن معابد، به کفر خود نقاب نفاق پوشاندند و مسیحیت تحریف شده را پشتوانه حاکمیت قرار دادند و کلیساها را در قدرت شریک کردند.

۵. پس از این هزار سال است که تحولی در تکامل مادی بشر حادث می‌شود:

در حوزه روابط اجتماعی، سلطنت و موروثی بودن حکومت و انتساب آن به قدرت‌های آسمانی برای فریب مردم و فرهنگ «اذا امر مولی بعبده» از بین رفت و «دموکراسی» جایگزین شد که باطن آن، آراء عمومی مردم نسبت به تأمین بهتر اهواء و تخلیه بیشتر شهوات بود و نتیجه آن، حذف اخلاق و دین بود. در حوزه عقلانیت، منطق صوری را کنارگذاشتند و با آغاز از استقراء، به «منطق مجموعه‌نگری» با هدف تصرف بیشتر در عالم طبیعت دست یافتند و در ادامه، قدرت تبدیل کیف به کم و بالعکس را بدست آوردند. به همین دلیل بود که مقیاس تصرف در طبیعت تغییر کرد و به تبع آن، مقیاس دستیابی

به شهوات هم ارتقاء یافت. در عرصه سوم هم، صنعت و تکنولوژی ظهور یافت و باعث عمومیت یافتن شهوات از طریق تولید انبوه و عدم انحصار آن در یک خاندان و قشر خاص شد.

همه این‌ها باعث شد که غرب در دنیاخواهی از مرکز قدرت آن دوران یعنی امپراطوری اسلامی (دولت نفاق) پیش افتد و لذا قادر به تحمیل سلطه خود بر جهان اسلام شد و در ابتدا بدلیل دستیابی به قدرت نظامی برتر و سلاح جدید، کشورگشایی و لشگرکشی و استعمار شکل گرفت. سپس این قدرت نظامی با تکامل علمی به قدرت سیاسی و صنعتی تبدیل شد و پس از انقلاب صنعتی، به تحول در هنر انجامید و در نتیجه، راه و رسم زندگی در سطح جهان تغییر کرد و از شکل استعمار ظاهری به استعمار پنهان تغییر چهره داد. در واقع قدرت دوباره به دست کلمه کفر افتاد؛ اما چرا این تکامل مادی نشأت گرفته از رنسانس را به کفر متصف می‌کنیم؟

۶. بنابر تعریفی که در جلسات ابتدائی از هوی و تقوی ارائه شد، کفر به تحقق اهواء و شهوات در این دنیا و نفی عالم آخرت بازگشت، و تمدن موجود نیز ادعا دارد که اهواء بشر را با بالاترین سرعت و بهترین شیوه و در مقیاسی جدید تأمین می‌کند و البته در این راه، بشر را به انقطاع می‌رساند و همانند بت پرستان، فرهنگی برای آن ایجاد می‌کنند که این نحوه زندگی به یک آیین تبدیل شود تا دوام آن تضمین شود و ضربه‌پذیر نباشد؛ این امر با توجیحات علم و روش علمی انجام می‌گیرد.

اولین قدم در این راه، تعریف پول بعنوان مظهر قدرت کمی برای تأمین اهواء است و اولین بُتی است که حل همه مشکلات و شکل‌گیری هر نوع حرکت اجتماعی وابسته به آن قلمداد می‌شود و در واقع چهره کمی سجده بر دنیا است. لذا همه ملت‌ها باید نسبت به قوی‌ترین پول دنیا (دلار) خاضع شوند و اقتصادهای دویست کشور جهان بمتابه اقماری بر محور آن بگردند و آلا با ویرانی اقتصادی مواجه می‌شوند که تبیین آن مجال وسیعی می‌طلبد.

بُت دوم، شورای امنیت است که متکفل جنگ و صلح جهانی است و سرنوشت امنیت جهانی را براساس صرفه اقتصادی قوی‌ترین واحدهای پولی - پنج کشور بعنوان اعضاء دائم این شورا - تعیین می‌کند و در صورت سرپیچی از اوامر و نواهی آن، روزگار ملت‌های عاصی سیاه خواهد شد.

بت سوم هم تکنولوژی و علم است که پایه تهییج نخبگان تمامی کشورهاست به طوری که کشورهای دیگر با شیفتگی و رغبت تمام، نخبگان خود را به کشورهای پیشرفته می‌فرستند که نتیجه آن، افزایش

راندمان اقتصادی ابرقدرت‌ها با تحقیقات کم‌خرج یا رایگان و زحمات نخبگان کشورهای دیگر است. البته از هر یک از این سه بت اصلی، هزاران بت دیگر شکل می‌گیرد که با إصر و أغللال، دست و پای جهانیان را می‌بندد؛ از سیستم بانکی که از تعریف پول بر می‌خیزد و امکان معامله بدون آن وجود ندارد تا نهادهای جهانی که ساختار سازمان ملل را تشکیل می‌دهند و با قوانین بین‌المللی، امر و نهی برای کشورها ایجاد می‌کنند.

به نظر ما این‌ها همان اجزاء تشکیل‌دهنده «بت پرستی مدرن» است که باطن آن، «عقلانیت غرب» است که براساس انانیت و استغناء، هیچ‌گونه امور و حیانی و غیبی و معنوی را در پیش فرض‌های خود بعنوان مقوله‌ای علمی نمی‌پذیرد و مستقل از همه چیز، ادعای حل تمامی مشکلات و ارضاء همه نیازهای بشریت را دارد و در ساخت تمدن خود و استراتژی‌ها و هدف گذاری‌های آن، برای هیچ دینی، در هیچ سطحی، هیچ جایگاهی قائل نیست و تنها عقلانیت سازمانی خود را حلال چالش‌های زندگی دنیا می‌داند؛ همان‌طور که این خرد جمعی تا امروز توانسته بسیاری از مشکلات را حل کند. لذا با سه شاخصه‌ی نفی وحی و استقلال عقل و تکیه به کارآمدی‌هایی که به آن دست یافته، حرکت می‌کند و به همین دلیل، وصف کفر به نحو اتم بر آن صدق می‌کند.

بر همین اساس در تشکیل وحدت جامعه مادی، دموکراسی به‌معنای مشروعیت اراده‌هایی که تأمین‌کننده نیازمندی‌های مادی (اهواء) مردم اصل قرار گرفته و در حاکمیت، پول و الگوی درآمد (نظام سرمایه‌داری) است که باعث جریان فرماندهی و فرمانبری می‌شود و در ساخت تمدن هم، تکنولوژی است که کیفیت بالاتر آن، بهره‌مندی از زندگی را افزایش می‌دهد و تمامی نیازمندی‌های فردی و صنفی و حکومتی را با اختراعات جدید با سرعت نور لیزر تأمین می‌کند.

۷. اثر این روند در جهان اسلام آن بود که تمدن دولت نفاق منفعل شود و باطن آن – که همان تحقق شهوات بود ولی در مقیاس تمدن ایران و روم – در اشتیاق به زندگی مادی بهتر معلوم گردد و این تمدن جدید را سازگار با دین ببینند و بالتبع تهدید بودن کفار برای اسلام و جهاد با آنان را اساساً منتفی بدانند و همزیستی مسالمت‌آمیز با آنان را برگزینند تا از مواهب زندگی پیشرفته برخوردار شوند. این سیر باعث شد امپراطوری اسلام بعد از جنگ جهانی فروپاشیده و به پنجاه کشور تجزیه شود بدون آن که حساسیتی در خلفاء و مفتیان آن‌ها برانگیخته شود. در واقع کفر جلی در لباس جدید عقلانیت،

تعارضی با تعاریف بسیط آنان از کفر نداشت و منافقین به محو وصف اسلام از یک نظام رضایت دادند.

این وقایع باعث شد تا کانون بعثت که در وجود امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متجلی است، به بسیج قلب‌هایی از میان فقهای خدمت‌گزار بپردازد تا پرچم قیام در مقابل کفر بر دوش آنان قرار بگیرد و از کلمه خداپرستی و فرهنگ بعثت در مقابل ظرفیت جدید از کفر جلّی محافظت کنند. یعنی مبارزه اباعبدالله الحسین (علیه السلام) با کفر جلّی، در جریان تاریخ به مبارزه فقهای عظام شیعه با «کفر عقلانیت» تبدیل شد و تداوم صد و پنجاه ساله این قیام‌ها به برپایی نظام مبارک جمهوری اسلامی انجامید.

والسلام علیکم ورحمه الله

بسمه تعالی

عنوان شب دهم: وظایف جامعه‌ی شیعه در جهت تحقق تمدن حقه‌ی الهی

خلاصه سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین استاد صدوق

تاریخ: ۱۳۹۲/۸/۲۲

در دهه اول محرم الحرام ۱۴۳۵ هجری قمری

۱. گفته شد دعوت بندگان به دستگاه الهی و دوری از دستگاه کفر و نفاق، براساس سنت الهی از طریق نزول «آیات» محقق می‌شود و در ادامه روشن شد که آیات الهی از بعثت تا ظهور (دوره دوم تاریخ) آیاتی علمی و عقلانی هستند که در نفس وجود ائمه معصومین (علیهم‌السلام) متجلی می‌شود و لذا در این دوره، «امتحانات عقلانیت» جریان خواهد یافت و در این میان سفینه نجات امت‌ها و مسیر صحیح برای حفظ اعتقادات آنان، «عرفان اشک» و «عرفان خون» و «عرفان فقاقت» نسبت به اهل‌بیت عصمت و طهارت است که به ترتیب شکل‌دهنده‌ی «امت دینی»، پدیدآورنده‌ی «حکومت دینی» و سازنده‌ی «تمدن دینی» خواهند بود.

بر این اساس، آیه الهی وجود مبارک حضرت ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) است و ولایت تکوینی و ولایت تاریخی، مختص ایشان است؛ اما عبور عقلانیت غیر معصوم از امتحانات در عرصه ولایت اجتماعی و این‌که چگونه آنان در این عرصه، مرزوق حضرت می‌شوند و به ظرفی برای تحقق آیه الهی تبدیل می‌گردند، موضوع بحث امشب است. در واقع آیه الهی، انحصاراً در دست امام معصوم (علیه‌السلام) است؛ اما ظرف وقوع آن در دوران غیبت، عقلانیت فقهای عظام شیعه است.

روشن است که شیعه و فرهنگ غدیر و مناقب ائمه (علیهم‌السلام) همواره مورد هجوم بوده و هرکس به این مکتب نزدیک می‌شده، متهم بوده و به قتل می‌رسیده است و تاریخ نشان داده که حکام جور تلی از سر سادات درست می‌کرده و جان‌های زیادی از فقهاء و مؤمنین ما را گرفته‌اند و همه آنان را در نقاط مختلف زمین پراکنده کرده و حتی در اقصی نقاط عالم هم آنان را تعقیب کرده و به شهادت می‌رسانده‌اند. فقهای شیعه بعد از غیبت، رضایت ولی الهی را در این تشخیص دادند که علی‌رغم این شرایط دشوار به حفظ و جمع‌آوری کتب و اخبار و روایات اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بعنوان ترجمان قرآن همت گمارند. این دوره‌ای چند صد ساله از تاریخ فقهای ما را شکل می‌دهد که به آن‌ها محدثین و اخباریون گفته می‌شود و اگر عنایات خاصه حضرت صاحب‌الامر (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) به این بزرگواران برای تلاش عقلانی و اجتماعی در این جهت نبود، چیزی از دین باقی نمی‌ماند. لذا حفظ دین در آن

دوران به حفظ اخبار بود و این آیه الهی است که اخبار و روایات دین حق در آن شرایط بسیار سخت و در دوران غیبت حجت الهی، باقی بماند و قلوب نورانی فقهای شیعه در این راه بسیج شود.

بعد از دوران حفظ اخبار، علمای شیعه ایجاد یک «تخصص در فهم از دین» را پی گرفتند و این باعث شد که شیعه، نظام علمی پیدا کند و عقلانیت را عمق دهد و طالبان علم دین را در بُعد عقلی پرورش دهد. این هم آیه دیگر الهی است که بعنوان مرحله دیگری از دینداری توسط فقهای شیعه محقق شد و امروزه به عنوان فرهنگ تقلید و براساس استدلال ضرورت رجوع به متخصص دنبال می‌شود.

۲. مرحله بعد، قیام فقهای شیعه در مقابل کفر جلی است که شب گذشته به شرایط و عوامل آن پرداخته شد؛ اما وضعیت اهل نفاق نیز براساس تحولات جدید نظام کفر شکل گرفت:

واضح است که استعمار غرب در ابتدا، استعماری آشکار بود که به وسیله توانمندی‌های جدید نظامی و تسلیحاتی محقق شد اما در ادامه به استعمار پنهان تبدیل شد. زیرا وقتی توانمندی خود را در قالب یک تمدن جدید به دنیا عرضه کرد، رابطه معکوسی به وجود آمد و تمامی مردم کره زمین، براساس احساس نیاز خود به آنان و پذیرش توسعه شهوات، به غرب وابسته شدند. اما آسیب نظام کفر این بود که «عدالت» را بر نمی‌تابید و فاصله طبقاتی را بعنوان یک ضرورت و یک نرم‌افزار مدیریتی به کار می‌برد و قشر سرمایه‌دار جایگزین شاهان سابق شده بود و بعنوان یک قشر برتر، سفارش‌دهنده ابعاد این تمدن به دستگاه سیاسی و علمی به شمار می‌رفت و بُت سرمایه خود را بعنوان عامل رونق تولید و اشتغال، منتی بر سرکارگران محسوب می‌کرد و موجب ادامه حیات آنان می‌دانست. لذا در دنیای کفر اختلاف ایجاد شد و مارکس و انگلس برای مبارزه با بی‌عدالتی فلسفه‌ای تأسیس کردند و لنین و استالین آن را در قالب یک نظام سیاسی محقق کردند و بلوک شرق در مقابل غرب شکل گرفت. از آنجا که عدالت، یکی از ارکان فرهنگ بعثت بود، قیام‌های اهل تسنن به شعار عدالت بلوک شرق متمایل شد و نتیجه آن قیام‌ها، تبدیل اکثر کشورهای جهان اسلام به اقماری برای بلوک شرق شد و مرام مارکسیسم اسلامی در دنیای اسلام رواج یافت.

۳. اما در جامعه شیعه چنین اتفاقی نیافتاد و خداپرستی به معنایی که در نزد معصومین (علیهم‌السلام) و فرهنگ شیعه بود، شعار قیام قرار گرفت، به این طریق که حرکت امام خمینی (ره)، ظرف آیه الهی شد تا همه عقلانیت‌های موجود در مبارزه (قیام مسلحانه در بلوک شرق و مبارزات پارلمانی در بلوک



غرب) شکسته شود و عرف متداول در کسب قدرت کنار گذاشته شود و «پیروزی خون بر شمشیر» - بعنوان راهی که انبیاء در مبارزات خود پی‌گیری می‌کردند - مبنای مبارزه و شکل‌گیری یک قدرت جدید شود. پس در مقابل کفر جلی، حرکتی شکل گرفت که تنها به دنبال نشر فرهنگ شیعه نبود بلکه به دنبال تشکیل یک نظام سیاسی بود و با نظام حساسیت مدرنیت درگیر شده بود. این تفاوت آشکار با دیگر قیام‌ها و مبارزات آن دوران بود که ظرف تحقق آیه الهی شد و معجزه عقلانی را رقم زد و به همین دلیل بود که این حرکت برای دستگاه کفر و نفاق بی‌معنا و نامفهوم و غیر قابل کنترل جلوه می‌کرد و خواب غفلت آنان را آشفته نمود.

از سوی دیگر حرکت امام خمینی(ره) حتی به عقلانیت متداول حوزوی هم تکیه نداشت؛ زیرا قواعد خاصی برای مبارزه و قیام از قرآن و روایات استنباط نشده بود تا مبنای عمل قیام قرار بگیرد و براساس یک چارچوب روشن، مبارزاتی دینی تربیت شوند و... در واقع کار امام(ره) برای عقلانیت مراجع و روحانیت و هیئات و مساجد هم نامأنوس بود؛ گرچه برای وجدان آنان - که براساس فرهنگ محرم و شهادت و شجاعت و قیام شکل گرفته بود - کاملاً آشنا و روشن به نظر می‌رسید. جالب آن که بعد از تبعید امام(ره) تا پیروزی انقلاب، قدرت شاه به حدّ اعلاّی خود می‌رسد و تمام مظاهر تمدن غرب با هزینه پول نفت وارد ایران می‌شود و نحوه زندگی مردم به طور گسترده تغییر می‌کند و مفسد بینی از این تمدن مانند شراب‌خواری و برهنگی و بانک‌داری ربوی و... نیز در جامعه اوج می‌گیرد؛ اما امام(ره) تنها بر یک نقطه بعنوان وحدت نظام طاغوت دست می‌گذارد و آن، شخص شاه است. یعنی به جای بسیج افکار عمومی بر ضد مظاهر فساد یا موضوعات مختلف، بر هدم کانون مفسد تأکید می‌کند و سپس او را به نظام کفر و استکبار مربوط دانسته و با شهادت حاج آقا مصطفی، رژیم می‌کشد که در اوج قدرت بود، در طول یک سال فرو می‌پاشد و از نظر زمانی که برای پیروزی نهضت طول می‌کشد نیز آیه‌ی دیگری شکل می‌گیرد.

حال بدون تکیه بر عقلانیت شرق و غرب و عقلانیت حوزه، چگونه چنین کار عظیمی انجام گرفت؟ بنابر تصریحات مکرر امام(ره)، عنایت خدای متعال و قدرت‌های غیبی و توسل به ذوات مقدسه معصومین(علیهم‌السلام) و فرهنگ محرم و عاشورا عامل پیروزی بود و ایشان در پیروزی، هیچ سهمی برای هیچ قدرتی جز قدرت الهی قائل نبود و لذا آیه الهی در ظرف «تشکیل امت بر محور خداپرستی» محقق

شد و اسلامیت آن معنا یافت. به همین دلیل است که به سادگی قابل اضمحلال و زوال نبوده و نیست و بارها و بارها امیدها برای سقوط این نظام ناکام مانده است.

البته مهمترین زمینه برای آن که در قیام حضرت امام(ره) خداپرستی محور وحدت کلمه برای تشکیل امت شود، پذیرش مکتب شیعه توسط مردم ایران و رواج فرهنگ شیعی در این سرزمین در طول سالیان دراز بود و البته این بستر تاریخی، خود یکی از نشانه‌های عنایت خاصه امام زمان(عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و تصرفات ویژه آن حضرت بوده است.<sup>۱</sup> در واقع امام خمینی(ره) با جامعه‌ای سخن گفت که فرهنگ شیعی را پذیرفته و عزاداری و مناقب ائمه(علیهم‌السلام) در آن عمق یافته و فقه صادقین در آن رواج دارد و فرهنگ تقلید و تبعیت نسبت فقهای شیعه در آن جاری است. پس نکته مهم آن است که این حرکت، براساس یک «امت شیعی» شکل گرفت؛ بر خلاف امتی که علی(علیه‌السلام) را به خلافت رساند یا شورش مردم کوفه که به امام سجاد(علیه‌السلام) پیشنهاد قیام دادند و یا در زمان امام رضا(علیه‌السلام) جنبش‌های علوی که علیه دولت مرکزی قیام کردند در واقع ملتی پای کار آمد که تا عمق جان، به فرهنگ اهل‌بیت(علیهم‌السلام) ایمان داشتند و از حرکت فقها در مشروطه تا قیام حضرت امام(ره) حاضر به فداکاری شدند و به رهبری ایشان در مقابل شاه قیام کردند؛ سلطنت پهلوی که در منطقه به آخ‌الیهود و اسرائیل دوم معروف بود و لذا بعنوان یک قدرت کلیدی در منطقه، مورد حمایت قدرت‌های بزرگ بودند. امام خمینی(ره) در برابر چنین دستگاہی براساس فرهنگ عاشورا و برای مقابله با تسلط کفر جلیّ بر کشور اسلامی قیام کرد و حتی آرمان‌هایی مانند آزادی قدس از دست کفار را - که بین سنی و شیعه از اهداف مشترک بود- از ابتدا بعنوان آرمان انقلاب طرح کردند.

---

<sup>۱</sup> البته باید توجه داشت که بدلیل شرایط بسیار سخت در آن مقطع، گاهی اراده الهی از طریق منافقین محقق می‌شد؛ مانند تصمیم عمر بن عبدالعزیز برای پایان دادن به لعن امیرالمومنین یا سالم ماندن خالد بن ولید بعد از نوشیدن سمّ در مقابل سپاه رومیان؛ آنگاه که از او نشانه‌ای برای حقانیت اسلام خواسته بودند که البته چنین اموری جز با اشاره وصی الهی ممکن نیست. از همین روست که بعد از گذشت زمانهای طولانی، در دولت آل بویه عزاداری حسینی به امری علنی تبدیل می‌شود با اینکه این دولت بر اساس تئوری خلافت شکل نگرفته است. یا در دولت صفوی، تشیع در سراسر ایران - ابتدائاً به زور شمشیر و در ادامه با استقبال و پذیرش مردم نسبت به فرهنگ سازی علمای شیعه - گسترش یافته و تداوم می‌یابد؛ با اینکه این سلسله، یک دولت حقّه محسوب نمی‌شود. لذا پذیرش فرهنگ تشیع توسط مردم ایران از تدابیر خاص الهی و عنایات ویژه حضرت ولی عصر بوده؛ و لو توسط دولتی حقّه محقق نشده است.

۴. با پیروزی انقلاب، شیعه از امتحانات صد و پنجاه ساله در تشکیل یک امت بر محور خداپرستی سربلند بیرون می‌آید و روحانیت بدون ائتلاف و سهم‌دهی در مدیریت قیام و به تنهایی، همهٔ اقشار را در مقابله با کفر جلیّ به وحدت رساند و امتحان بعدی پیرامون تشکیل حکومت براساس تئوری خلافت آغاز شد و زمینه برای تحقق آیات الهی در این ظرف فراهم گردید.

در این عرصه هم حضرت امام(ره) دوباره روش‌های متداول در عرصه اداره کشور را کنار گذاشت و پیشنهادها برای سپردن کار به ملی‌گراها و یا کناره گرفتن از اداره کشور و رفتن به قم بعنوان یک مرکز مذهبی مانند واتیکان یا الازهر جدید را نپذیرفت و در عمل دین را بر حاکمیت تحمیل نمودند. لذا بر تدوین سریع قانون اساسی تأکید کردند و این موضوع به اولین مناقشه با افکار غیر دینی در اداره نظام منجر شد. اما با قرار دادن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی، استراتژی و جهت‌گیری نظام از قوای سه‌گانه تفکیک شده و در اختیار دین قرار گرفته و دین از طریق اصل ولایت فقیه به مبدأ توازن قوای سه‌گانه تبدیل شد. این در حالی است که در دنیای امروز این امور به دست احزاب سپرده می‌شود. حال چنین عقلانیتی در کدام یک از کتب تخصصی حوزوی تبیین شده است؟! این تیزبینی‌ها و حساسیت‌ها و معماری‌های جدید که از اندیشه‌ی شیخ فضل الله نوری و مرحوم مدرس و آیت الله کاشانی شروع شد و تا امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری(دام‌ظله) ادامه یافته، معجزات مدیریتی اسلام است که از شب‌های قدر و با عنایت خاصه امام زمان(عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) در سرپرستی خادمان دین رقم می‌خورد؛ همان‌طور که زحمات کلینی‌ها و صدوق‌ها هم بالأصله مربوط به خود آن بزرگواران نیست بلکه به خدمت‌گزاری صحیحی در برابر آستان حضرت صاحب باز می‌گردد که سبب شده ظرف نزول آیات الهی شوند.

اندیشه‌ی بی‌بدیل حضرت امام(ره) در کنترل مسائل امنیتی در ابتدای انقلاب و سپس تصمیمات آن حضرت در اداره جنگ ادامه یافت و امام با بصیرت نسبت به ناکارآمدی ساختارهای موجود مدیریت غربی برای تأمین اهداف و نیازهای انقلاب اسلامی، سریعاً اقدام به تأسیس نهادهای جدید مردمی مانند سپاه، جهاد سازندگی، بسیج و... نموده و آن‌ها را در ساختارهای نظام و قانون اساسی به ثبت رساندند و حضرت امام(ره) با پیروزی در جنگی که حقیقتاً یک جنگ جهانی بود، معادلات کلاسیک نظامی جهان را تغییر دادند. در واقع هیچ‌گاه امام در مقابل ریاضیات موجود اداره کشورها منفعل نشدند و همراه با هدایت همه ابعاد جامعه، اجازه نداد هیچ یک از این ابعاد به جهت الهی جامعه ضربه وارد کند

و این معجزه حاکمیت شیعی است که توانسته علی‌رغم خلأ و اضطراب شدید علمی از همه عقبه‌ها عبور کند. از همین‌رو انتظار دشمنان برای سقوط چند روزه یا چند ماهه انقلاب بی‌وجه نبود زیرا آن‌ها می‌دانستند که ساختارهای یک نظام در دنیای امروز چه اقتضائاتی را به سرعت بر حاکمان تحمیل می‌کند اما نمی‌دانستند که امام به لطف آیات عقلانیت بعنوان بزرگترین معجزه قرن بیستم، تا عمق ریشه‌ها وارد می‌شود و دست آنان را قطع می‌کند و آزادی و استقلال حقیقی را محقق می‌کند و متناسب با ظرفیت موجود در فهم از دین، جمهوری اسلامی را مدیریت می‌کند.

۵. امروز هم خلف صالح امام، شعار سوم را سر می‌دهد و بعد از امت دینی و حاکمیت دینی، تحقق «تمدن اسلامی» را دنبال می‌کند و در یک سیر تدریجی و با طرح موضوعاتی چون اسلامی شدن دانشگاه‌ها، تحول بنیادین در آموزش و پرورش، علوم انسانی اسلامی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سبک زندگی اسلامی و...، سفارشات علمی و عقلانی جدیدی به حوزه و دانشگاه بعنوان دستگاه‌های علمی کشور می‌دهد و آنان را به تحول براساس نیازهای اسلام فرا می‌خواند و «اسلام» را به گفتمان بسیاری از دانشگاهیان و نخبگان برای خدمت‌گزاری به حکومت دینی و حرکت به سوی تمدن دینی تبدیل کرده است؛ همان دانشگاهی که در ابتدای تولد خود در ایران، کانونی برای ورود کفر جلی و استعمار غرب به جامعه شیعه بود.

والسلام علیکم و رحمه الله

بسمه تعالی

خلاصه سخنرانی حجه الإسلام و المسلمین استاد صدوق

در دهه اول محرم الحرام ۱۴۳۵ هجری قمری

شب یازدهم

تاریخ: ۱۳۹۲/۸/۲۳

۱. شب گذشته، اسلامیت یا آیه بودن قیام روحانیت شیعه در صد و پنجاه سال اخیر مخصوصاً قیام امام خمینی (ره) در تحقق جامعه دینی و حکومت شیعی و ایجاد حساسیت در مقابل بت پرستی جدید و مدرن برای اقامه کلمه حق تبیین شد؛ آن هم در شرایطی که چهره دولت نفاق و یکسانی باطن آن با کفر آشکار شده و جریان اسلام آمریکایی در حاکمان کشورهای اهل تسنن واضح گشته است.<sup>۱</sup>

اما برای آن که جامعه دینی و حکومت دینی - که بر اساس سنت الهی شکل گرفته - بتواند در ادامه راه خود، از مسیر امتحانات الهی عبور کند و نتیجه رفتار آن، بسترسازی برای فلسفه فرج حضرت ولیعصر شود؛ باید امر تشریح شده در بعثت توسط فقهای شیعه محقق گردد.

۲. برای این مهم لازم است که ابتدائاً تعریف سه نظام کفر، نفاق و ایمان در شرایط فعلی مشخص شود. نظام کفر جهانی امروز بر اساس «حرص دائم التزاید» نسبت به «رفاه دائم التزاید» شکل گرفته و وحدت یافته است و این حرص روز افزون، موتور محرکه این دستگاه و وصف این نظام - و نه فقط حاکمان آن - قرار گرفته است. همچنان که «خُلُق حسد» به گونه ای در الگوی درآمد جریان یافته که فرماندهی و فرمانبری در تمامی کره زمین را محقق ساخته است. این معنای انقطاع و سجده بر دنیا به صورت مدرن است که در نظام سرمایه داری - که اقتصاد محور است - و در الگوی «تولید و توزیع و مصرف» جاری است و بر بشر تحمیل شده است. البته این تحمیل، به صورت دستوری نیست بلکه بر اساس «مدیریت حادثه سازی» انجام شده؛ یعنی با ورود محصولات جدید به بازار، تمامی کشورها، خود به بسیج نیروی انسانی و منابع ملتشان می پردازند تا بر اساس استراتژی ها و برنامه ریزی های خاص، زیرساختها و تواناییهای لازم برای دستیابی به آن محصولات را فراهم آورند.

---

<sup>۱</sup> در واقع با عهدشکنی نسبت به اهل بیت و حاکمیت یافتن دولت نفاق، کفر جلی بار دیگر فرصت یافت تا ظهور و بروز پیدا کند. البته علاوه بر فرصتی که دولت نفاق برای ظهور مجدد کفر جلی فراهم کرد، اگر مومنین هم در سطحی از ایمان بودند که بدون هجمه کفار، بیداری و هوشیاری خود را حفظ می کردند، شاید مهلت دوباره ای به نظام کفر مقدر نمی شد.

بر اساس این دیدگاه، ما مبتلا به سلطه مدیریتی سازمان ملل هستیم که با ادبیات علمی و در چارچوب «تعاریف و معادلات و احکام» آن و براساس مشارکت همه کشورهای و هماهنگ کردن آنان، همه جهان را به سیطره خود درآورده است. در واقع تمدن موجود از طریق یک نظام علمی و زبان واحد، بر دنیا حاکم شده که آن، زبان «کمیت» و اعداد و آمار و ریاضیات جدیدی است که برای تصرف در طبیعت بکار می رود و در تمام دنیا یکسان است و لذا چارچوب یکسانی از آموزش و پرورش و آموزش عالی در سراسر جهان بوجود آمده است. بر اساس این نظام علمی است که ساختارهای سیاسی و فرهنگی و اقتصادی کفر مهندسی می شود و مدل های اداره شکل می گیرد و زمینه تولید محصولات صنعتی توسط کارخانه ها فراهم می شود. این فشرده ای از «امت، حاکمیت و تمدن» کفر بود و ما امروز در مقابل چنین هجمه همه جانبه ای قرار گرفته ایم.

نظام نفاق، دین را صرفاً به «اوامر و نواهی» تعریف می کند و تمدن موجود و سبک زندگی غربی را با آن در تعارض نمی بیند؛ چون تکامل مادی را موضوعاً خارج از خطابات می داند و معتقد است دستاوردهای این تمدن در بسیاری موارد می تواند بستری برای سرعت در عبادات قرار گیرد. در واقع دولت نفاق، هوی و تقوی را قابل جمع می داند.

نظام ایمان، جمهوری اسلامی است که رهبران آن همه چیز را در اسلام می جویند و همان طور که دیشب گذشت، در مبارزه برای تشکیل امت و در روش اداره حکومت، از عقلانیت موجود استفاده نکردند و تبدیل به ظرف آیات عقلانی شدند و در ادامه، مقام معظم رهبری با طرح آرمان «تمدن اسلامی»، حرکت در افق یک تمدن را هم در چارچوب اسلام می دانند و در این رابطه، موضوعاتی مانند سبک زندگی اسلامی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی و تولید ملی را مطرح کرده اند. پس نظام ایمان بر اندیشه امام (ره) و مقام معظم رهبری استوار است.

۳. بر این اساس است که وظایف فعلی بسوی فلسفه فرج روشن می شود: علی رغم وحدت سیاسی در جامعه شیعی و حمایت همه اقشار از نظام - که در انتخابات بروز می یابد - اختلافهایی درون جامعه وجود دارد و اینها، همان مواضعی است که امکان ورود ابلیس و ضربه پذیری نظام را فراهم می کند. واضحترین این نقاط اختلاف در فتنه ۸۸ رقم خورد که در آن، یک برداشت از اندیشه امام (ره) در مقابل قرائت مقام معظم رهبری از اندیشه امام (ره) قرار گرفت. اختلافاتی هم در فرهنگ حوزه وجود دارد که از مشروطه آغاز شده: از اختلاف در اصل ورود مبارزه و اختلاف در کیفیت مبارزه تا اختلاف

میان فلسفه و عرفان و فقه که حتی در صورت تجمیع آن در یک شخص، سه هویت جداگانه برای او ایجاد می کند؛ بدون آن که ارتباط میان آنها معلوم شود تا نقطه وحدتی شکل بگیرد. وجود اختلاف - حتی در خانواده ها که به طلاق منجر می شود - امری خطرناک برای جامعه است و این پرسش مهم را طرح می کند که: چگونه می توان اختلافها را رفع کرد و چگونه می توان یک نظام را بیمه نمود؟

به نظر ما پاسخ صحیح این سوال، عبور «اندیشه و تصمیمات امام (ره) و رهبری» از فرهنگ عمومی و ورود آن به فرهنگ تخصصی است؛ یعنی این راه الهی و نورانی طی شده باید عرصه های فرهنگ تخصصی در حوزه و دانشگاه را فتح کند. این ضرورت در حوزه به دلیل آن است که مسیر صحیح گذشته باید به صورت قاعده مند و اجتهادی به قرآن و روایات مستند گردد و ظرفیت تخصصی قبلی نسبت به حفظ اسلام در شرایط فقدان امت و حکومت شیعی، به سطح «حفظ امت و حکومت دینی» و «ساخت تمدن دینی» ارتقاء یابد و در دانشگاه به این دلیل است که در نظام اسلامی، عرصه عینیت - و نه فهم از دین - به دست دانشگاه سپرده شده و لازم است که دین، جاری شود و تحقق صحیح احکام تضمین گردد.

بر این اساس ضرورت دارد که فقهای شیعه با شجاعت تمام و با مقابله علمی متناسب در برابر تلاشهای علمی غرب برای مهندسی تمدن جدید، وارد عرصه شوند تا بصورت علمی اثبات شود که شهوت و هوی در تمامی «تعاریف و معادلات و احکام علوم» در سه عرصه جامعه و حکومت و تمدن غرب جاری است. در غیر این صورت، همراهی مطلوبی با نظام برای نخبگان داخلی میسر نخواهد شد؛ علاوه بر آن که حجتی بر نخبگان نظام نفاق و نظام کفر اقامه نمی شود و رسالت انبیاء در ارائه آیات برای اهل ضلالت را ادامه نداده ایم. در واقع اگر یک کارآمدی عینی ارائه شود که نتیجه آن آرامش - و نه رواج اخلاق رذیله - باشد و فقر فرهنگی غرب را - که از فقر اقتصادی افریقا شدیدتر است - آشکار کند؛ آنگاه است که می توان گفت: حجت بر نخبگان غرب بمثابه سحره فرعون قرن ۲۱ تمام شده است. گرچه رفتار فعلی نظام مبارک جمهوری اسلامی، قلوب اهل تسنن را متاثر کرده و بیداری اسلامی را رقم زده و حتی استقبال برخی از شهروندان اروپایی و امریکایی را برانگیخته؛ اما نخبگان و سحره علمی آنان تکان نخورده اند و مظالم دستگاههای سیاسی خود را امضاء می کنند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> لذا در گامهای بعدی تولید تکنولوژی در جهت عبادت و تعریف اسلامی از پول ضرورت می یابد تا انگیزشهای الهی، پشتوانه تولید قرار بگیرد.

ضرورت‌های پیش گفته، تکالیفی را بر دوش قوای سه گانه و نظام «تصمیم گیری، تصمیم سازی و اجراء» قرار می دهد تا در جهت تئوریزه شدن اندیشه امام و رهبری و جریان آن در ادبیات تخصصی حوزه و دانشگاه حرکت کنند و از عمل زدگی اجتناب کنند. یعنی «ضرورت استفاده از تمدن موجود در شرایط اضطرار و خلأ علمی برای انقلاب» نباید با «احساس عقب ماندگی و سرعت هر چه بیشتر در دستیابی به تمدن مادی» اشتباه گرفته شود و برنامه های توسعه جهانی - که بر اساس تقسیم کشورها به توسعه یافته و کم توسعه یافته است - نباید پذیرفته شود.

۴. باید توجه داشت که تردیدافکنی و ناامیدی در تحقق «تمدن دینی» همان اندازه خطرناک است که تردید افکنی درباره امکان پیروزی انقلاب و تشکیل امت دینی و بنای حاکمیت دینی و اداره کشور بر اساس اسلام خطرناک بود؛ زیرا بر اساس مباحثی که گذشت، «موضوع امتحان جامعه شیعه» به «تحقق تمدن دینی» بعد از موفقیت در «تشکیل امت اسلامی» و «ساخت حاکمیت دینی» باز می گردد و تا زمانی که شیعیان وفاداری و خدمتگزاری خود را در این مهم - بعنوان امر تشریح شده در بعثت - نشان ندهند و آمادگی برای تحقق رکن سوم از فرهنگ بعثت را اثبات نکنند، «فلسفه فرج» محقق نخواهد شد. همان طور که به نظر ما کار بزرگی که حضرت زینب کبری انجام داد، نه ابلاغ پیام بلکه ادامه راهی بود که اباعبدالله الحسین پیمود که موضوع آن، شکستن سیطره یزید و جلوگیری از شکل گیری مجدد جامعه کفری بود که یزید نقشه آن را طراحی کرده بود اما خون امام حسین، راه حفظ وحدت کلمه بر اساس اسلام را گشود. لذا نمی توان بعد از تشکیل امت و پی ریزی حکومت بر اساس اسلام، برای تحقق تمدن دینی، سخن از سختی و دشواری راه سر داد و به این دلیل همانند برخی از طی مسیر نورانی گذشته هم پشیمان شد.

۵. البته آنچه درباره ضرورت تحقق تمدن دینی گفته شد، نباید این توهم را ایجاد کند که حتی با دستیابی به علوم و تکنولوژی جدید بر اساس اسلام، جهان فتح خواهد شد بلکه تنها «راه و رسم زندگی مقاومتی» در قبل از ظهور حاصل می شود که با اعطاء آیه عقلانی به فقهای شیعه در سه گام پیش گفته (امت، حکومت، تمدن دینی) امکان بقاء شیعه در مقابل هجمه های جهانی کفر و نفاق را فراهم می آورد. یعنی علی رغم اتمام حجت بر دستگاه کفر و نفاق، قطعاً آنان به انکار آیات الهی روی خواهند آورد؛ خصوصاً با توجه به این که جاذبه ای که فقهای عظام شیعه از طریق تحقق تمدن دینی بوجود خواهند آورد، قطعاً بالاتر از جاذبه رسول اکرم و امیرالمومنین و حضرت زهرا و ائمه معصومین



علیهم السلام نیست. حتی در روایات وارد شده که هنگام ظهور حضرت ولی عصر، سه بار چنان به قصد جان آن امام حمله می کنند که تمامی صحن مسجدالحرام را خون فرا می گیرد. لذا با تحقق تمدن دینی، اختیار و امتحان و هوی از بین نمی رود و آنان، تمدن الهی را - که بجای دنیاطلبی بر اساس آخرت گرایی و زهد بنا می شود - نخواهند پسندید و برنخواهند تافت.

پس آنگاه که شیعه عهدپذیری خود را در عمل اثبات کند و بعد از تحقق امت و حکومت دینی، فرهنگ بعثت در تشریح تمدن دینی را نیز محقق کند و وفاداری خود را به حضرت ولی عصر در این سطح اثبات نماید، «فلسفه فرج» جاری شده و زمینه ظهور حضرت صاحب الامر فراهم خواهد شد.

والسلام علیکم ورحمه الله



بر اساس فلسفه تاریخ انبیاء  
و نگاهی نوبه اسلامیت انقلاب  
راهی به سوی فرج حضرت ولی عصر علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین مسعود صدوق  
محرّم نودوسه  
حسینیه اندیشه



## تحلیل قیام عاشورا

براساس فلسفه تاریخ انبیا و نگاهی نو به اسلامیت انقلاب؛

راهی به سوی فرج حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه

- 
- سخنران: استاد حجت الاسلام والمسلمین مسعود صدوق  
تنظیم: حجت الاسلام احمد زیبایی نژاد  
فهرست: حجت الاسلام روح الله صدوق  
ویراستاران: حجج اسلام محمد صادق حیدری، روح الله صدوق و احمد زیبایی نژاد  
پیاده کننده صوت: خانم فاطمه صدوق  
طراح جلد: آقای حسین چمن خواه  
حروف چینی: خانم فاطمه صدوق  
تاریخ جلسه: از ۱۳۹۳/۸/۲۴ تا ۱۳۹۳/۸/۲۸  
(از ۲۲ تا ۲۶ صرم الصرام ۱۴۳۶)  
تعداد جلسات: پنج جلسه  
تاریخ تنظیم: پاییز ۱۳۹۴
-

## فهرست اجمالی

**شب اول:** رسالت پیامبر و معصومین علیهم السلام در تحمل نظام نفاق برای حفظ «اقامه‌ی کلمه توحید و

ختم نبوت» و جهاد برای عدم بازگشت امت به کفر جلی

**شب دوم:** تلاش برای علنی کردن کفر جلی توسط یزید علت عدم بیعت امام حسین و قیام عاشورا

**شب سوم:** تغییر مقیاس شهوت در رنسانس علت انفعال نظام نفاق در مقابل نظام کفر و بازگشت امت

اسلامی به شرایط کفر

**شب چهارم:** عاشورا زیربنای اعتقادات و درخشان‌ترین آیه خدای متعال در سرفصل دوم تاریخ و

عرفان «اشک، خون و تفقه» سطوح معرفتی آیه‌ی عاشورا

**شب پنجم:** هندسه وظایف جامعه شیعی و تکالیف مردم نسبت به معجزه انقلاب اسلامی



## فهرست تفصیلی

شب اول: رسالت پیامبر و معصومین علیهم السلام در تحمل نظام نفاق برای حفظ اقامه‌ی کلمه توحید و ختم نبوت و جهاد برای عدم بازگشت امت به کفر جلی

۱. تعریف متفاوت از دین علت اختلاف در تحلیل عاشورا ..... ۱۱
- ۱/۱. «احیاء دین به دفاع از احکام الهی علت قیام عاشورا» در بیان وعظ سنتی ..... ۱۱
- ۱/۲. ضرورت تحلیل از حرکت بقیه معصومین (ع) در موضوع استکبار ستیزی ..... ۱۲
۲. تبیین فرهنگ بعثت و رسالت پیامبر (ص) برای تحلیل از فرهنگ عاشورا ..... ۱۲
- ۲/۱. رسالت اول: برچیدن بت پرستی و معبدهای حسی و کفر جلی ..... ۱۳
- ۲/۲. رسالت دوم: تکامل تشریح به معنای ختم نبوت (تکمیل امت و حکومت و تشریح تمدن) ..... ۱۳
- ۲/۲/۱. تقیه نسبت به بت پرستی برای حفظ نسل پیامبر(ص)، ماموریت اصلی انبیاء از هبوط حضرت آدم تا حضرت نوح ..... ۱۴
- ۲/۲/۲. قیام بر علیه بت پرستی و تشریح تشکیل امت دینی به معنای وحدت کلمه‌ی اسلامی، ماموریت انبیاء از حضرت نوح (ع) تا حضرت موسی (ع) ..... ۱۴
- ۲/۲/۳. تحقق امت دینی و تشریح حکومت الهی به معنای تئوری خلافت در دوران حضرت موسی ..... ۱۴
- ۲/۲/۴. قیام بر علیه جریان نفاق در قوم بنی اسرائیل توسط حضرت عیسی (ع) ..... ۱۵
- ۲/۲/۵. تکامل تشریح و تحقق امت و حکومت اسلامی و تشریح تمدن اسلامی (تکامل نیازهای زندگی در دار دنیا تحت ولایت معصوم) در بعثت نبی مکرم اسلام ..... ۱۵
- ۲/۳. رسالت سوم: خبر از حوادث آینده و حکومت دولت نفاق و تحقق تمدن اسلامی در ظهور امام زمان (عج) ..... ۱۵
۳. آغاز قیام معصومین (ع) در تحمل نظام نفاق برای حفظ اقامه کلمه توحید و ختم نبوت و جهاد برای عدم بازگشت امت به کفر جلی ..... ۱۶
- ۳/۱. بیعت تحمیلی امیرالمومنین (ع) و صلح امام حسن (ع) علی‌رغم شدت در حفظ وحدت امت اسلامی و فرهنگ بعثت ..... ۱۶
- ۳/۲. عدم تقیه در ذکر حقایق دین و اقامه کلمه توحید برای مومنین ..... ۱۸
- ۳/۳. تلاش یزید برای بازگشت به کفر جلی علت قیام عاشورا ..... ۱۸
- ۳/۴. عاشورا و روشن‌گری امام سجاد (ع) علت بیداری مردم و شکست اهداف یزید در علنی کردن کفر جاهلیت ..... ۱۹

شب دوم: تلاش برای علنی کردن کفر جلی توسط یزید، علت عدم بیعت امام حسین (ع)

و تحقق قیام عاشورا

۱. تقسیمات نظام خلقت به سه مرحله: ۱- عالم قبل از دنیا؛ ۲- دنیا؛ ۳- برزخ و قیامت ..... ۲۱
۲. ائمه اطهار (ع)، اولین مخلوقات خداوند متعال و خلق بقیه مخلوقات از نور آنها ..... ۲۱
۳. تفاوت های سرفصل های تاریخ زندگی در دنیا ..... ۲۲
- ۳/۱. غلبه حکومت های کفر در سرفصل اول و حکومت های نفاق در سرفصل دوم و حکومت الهی در سرفصل سوم ..... ۲۲
- ۳/۲. حسی بودن امتحانات سرفصل اول، عقلانی بودن امتحانات در سرفصل دوم و شهودی بودن امتحانات در سرفصل سوم تاریخ ..... ۲۳
- ۳/۲/۱. «موضوع امتحانات» مقسم تقسیمات طرح شده ..... ۲۳
۴. تبیین اوصاف سرفصل دوم تاریخ ..... ۲۴
- ۴/۱. قرآن و مترجمین وحی، خورشید عقلانیت در دوره دوم تاریخ ..... ۲۴
- ۴/۲. تلاش در جهت تبیین حقایق اسلام یکی از رسالت های ائمه اطهار ..... ۲۴
- ۴/۳. انفعال اراده، قلب و فعل انسان در آیات عقلی علت برتری آیه عقلانی نسبت به آیه حسی ..... ۲۵
- ۴/۴. مقاومت در جهت عدم بازگشت امت اسلام به کفر جلی یکی دیگر از رسالت های معصومین (ع) ..... ۲۵
۵. تلاش برای علنی کردن کفر جلی توسط یزید علت عدم بیعت امام حسین (ع) و قیام عاشورا ..... ۲۶
- ۵/۱. «قصه کشتن امام حسین (ع)» علت خروج آن حضرت از مدینه و مکه و حرکت به سمت کوفه ..... ۲۷
- ۵/۲. خون امام حسین (ع) و خطبه امام سجاد (ع) در شام علت شکست اهداف یزید نسبت به بازگشت به کفر جلی و جاهلیت ..... ۲۸
- ۵/۳. قیام عاشورا علت ایجاد امنیت برای امامان در نشر و عمل به قرائت صحیح از اسلام ..... ۲۹
۶. بازگشت دولت های نفاق به کفر بعد از فروپاشی امپراطوری عثمانی متأثر از رنسانس، علت قیام علماء شیعه و تشکیل حکومت اسلامی توسط امام خمینی ..... ۲۹
- ۶/۱. غلبه نظام نفاق و ضعف کفر بیرونی در دوران امام حسین و بالعکس بودن این موضوع، تنها تفاوت قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ..... ۳۰
- ذکر مصیبت ..... ۳۱



شب سوم: تغییر مقیاس شهوت در رنسانس علت انفعال نظام نفاق در مقابل نظام کفر و بازگشت امت اسلامی به

شرایط کفر

۱. ضرورت وجود امام برای مدیریت درگیری دایمی بین پرستش خدای متعال و پرستش طاغوت ..... ۳۴
- ۱/۱. عینی بودن درگیری بین پرستش خدا و پرستش طاغوت (نه ذهنی و نظری)..... ۳۴
- ۱/۲. ضرورت دستیابی به علوم جامع الهی و اجتهاد احکام مدیریت درگیری با کلمه کفر ..... ۳۴
۲. ابعاد مدیریت پرستش طاغوت ..... ۳۴
- ۲/۱. ضرورت استفاده از حربه قدسیت برای رسیدن به شهوت ریاست..... ۳۴
- ۲/۲. بت و بتکده، ابزار قدسی مدیریت کفر در رسیدن به شهوات ..... ۳۵
۳. تغییر مقیاس شهوت در رنسانس علت انفعال نظام نفاق در مقابل نظام کفر ..... ۳۶
- ۳/۱. سجده بر آثار ماده (علم و تکنولوژی) در کفر خفی بر خلاف سجده بر ماده (بت سنگی و چوبی) در کفر جلی، علت عمق پیچیدگی درگیری در دنیای امروز ..... ۳۷
- ۳/۲. ضرورت مقابله تخصصی با پیچیدگی های تهاجم تمدن کفر ..... ۳۸
- ۳/۳. شعار آزادی ادیان (=هیچ دینی حقیقت ندارد) از طرف تمدن کفر و بیان مغالطه آن ..... ۳۹
- ۳/۴. تعریف از دین اجتماعی کارآمد توسط امام خمینی(ره) علت تبدیل شعار «آزادی دین» به «مدیریت ادیان» به بهانه «نظم نوین جهانی» توسط غرب ..... ۳۹
- ۳/۵. دموکراسی بدون ولایت، شعار خلفاء در غضب خلافت امیرالمؤمنین (ع) ..... ۴۰
- ۳/۶. ضرورت تنویریه کردن رفتار امام(ره) در شکستن «تنوری قدرت» و جریان «تنوری خلافت» ..... ۴۱
- ۳/۷. ضرورت اطلاق ولایت در سرپرستی حکومت الهی به عنوان حکم اولیه در پرستش اجتماعی خدای متعال ..... ۴۲
- ذکر مصیبت ..... ۴۳

## شب چهارم: عاشورا زیربنای اعتقادات و درخشان‌ترین آیه خدای متعال در سرفصل دوم تاریخ

### و عرفان «اشک، خون و تفقه» سطوح معرفتی آیه‌ی عاشورا

۱. تاریخی و اجتماعی بودن اقامه کلمه حق در درگیری با کلمه کفر و ضرورت نیاز به پرچمدار و امام در این درگیری..... ۴۵
۲. تعریف امتحان در بستر جریان فاعل منفی و عبور از آن به وسیله آیات الهی، اصل در زندگی این دنیا..... ۴۶
- ۲/۱. تعریف امتحان به اقامه‌ی خداپرستی در درگیری با نظام کفر به وسیله آیات الهی..... ۴۷
- ۲/۲. ولایت ائمه اطهار (ع) حافظ خداپرستی امت دینی و فقه ابزار ولایت معصوم برای هماهنگی در سه مرحله‌ی «امت، حکومت، تمدن»..... ۴۷
- ۲/۳. بازگشت ریشه جنگ و اختلاف و اجبار به نظام کفر به دلیل هجمه آن‌ها به آیات و معجزات نظام ایمان و ایجاد اختلاف در توده‌های مردم..... ۴۸
- ۲/۴. ضرورت جهاد با کفار در صورت تمکن، برای نجات اشقیاء و کفار از جهنم در درجه اول و تأمین امنیت جامعه‌ی مؤمنین در درجه‌ی دوم..... ۴۹
۳. بیان چگونگی امتحانات در بستر تاریخ متناسب با رشد امت‌ها..... ۵۰
- ۳/۱. اصل بودن امتحانات حسی در سرفصل اول تاریخ..... ۵۰
- ۳/۲. اصل بودن امتحانات عقلانی در سرفصل دوم تاریخ و آیه بودن نفس ائمه (ع)..... ۵۰
۴. عاشورا زیربنای اعتقادات و درخشان‌ترین آیه خدای متعال در سرفصل دوم تاریخ..... ۵۰
- ۴/۱. عرفان «اشک، خون، تفقه» سطوح معرفت در آیه‌ی عاشورا..... ۵۱
- ۴/۲. تشریح حکم تقیه به معنای صبر و تحمل ائمه‌ی اطهار نسبت به نظام نفاق برای نجات اشقیاء از جهنم و تأمین امنیت جامعه شیعه..... ۵۲
- ۴/۳. ضرورت ارتقاء فهم دینی و تفقه در «وحدت کلمه، حاکمیت، تمدن» اسلامی به عنوان مقدمه ظهور..... ۵۳
- ۴/۴. تعریف سیاست در اسلام به داشتن حساسیت نسبت به پرستش خدای متعال در تمام سطوح جامعه..... ۵۴
- ۴/۵. سجده بر برنامه‌های توسعه پایدار و تکنولوژی مدرن، مظهر بت‌پرستی در قرن حاضر و موضوع امتحان شیعه و علماء..... ۵۵

## شب پنجم: هندسه وظایف جامعه شیعی و تکالیف مردم نسبت به معجزه انقلاب اسلامی

۱. تبیین قیام امام خمینی(ره) در تشکیل جمهوری اسلامی و اثبات معجزه بودن آن ..... ۵۷
- ۱/۱. نبرد مسلحانه و مبارزه پارلمان‌تاریستی، دو روش عقلانی در رسیدن به قدرت ..... ۵۸
- ۱/۲. «فرهنگ وحی و ادبیات قرآن» بعنوان خاستگاه اندیشه امام خمینی(ره) علت عدم پیروی از روش‌های متداول تئوری قدرت ..... ۵۹
۲. تبیین حرکت امام در مدیریت انقلاب، معجزه دوم در انقلاب اسلامی ..... ۵۹
- ۲/۱. عدم ابتلای شیعه به «وحدت کلمه، حاکمیت، تمدن» اسلامی به علت حاکمیت دولت‌های نفاق در گذشته ..... ۵۹
- ۲/۲. منطقی و عقلایی نبودن قیام و مدیریت امام(ره) بر مبنای ادبیات حوزه و دانشگاه ..... ۶۰
- ۲/۳. تغییر در جهت‌گیری‌های ماشین «سیاسی، دفاعی، امنیتی» غرب و تکیه به مردم در قیام و اداره نظام روش امام(ره)، برخاسته از فرهنگ بعثت و عاشورا ..... ۶۰
- ۲/۴. تداوم راه امام (ره) بوسیله‌ی حفظ دستاوردهای سیاسی و ورود به عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی از طرف مقام معظم رهبری در مدیریت نظام ..... ۶۱
۳. ضرورت استنباط احکام «وحدت امت، حاکمیت، تمدن» اسلامی به عنوان امتحانات فقها در عصر حاضر ..... ۶۲
- ۳/۱. وظیفه‌داشتن کمک به نظام حتی برای مخالفین حوزوی انقلاب، به دلیل حاکم بودن زندگی اجتماعی بر زندگی فردی ..... ۶۲
- ۳/۲. فقدان منطق و عقلانیت تخصصی پیرامون امور اداره حکومت از طرف ادبیات حوزه علت انحلال دین در تمدن موجود (در آینده) توسط علوم انسانی مادی دانشگاه ..... ۶۴
- ۳/۲/۱. محدودشدن حوزه به «ملاحظه‌ی لوازمات عقلایی فرهنگ مولویت»، علت عدم داشتن تحلیل نسبت به مسائل حکومت .. ۶۷
- ۳/۳. زمینه‌ی ظهور: ارتقاء سطح خدمت‌گذاری به امام زمان(عج) در سطح ایجاد تمدن اسلامی ..... ۶۸
- ۳/۴. ظهور و بروز عرفان حقیقی به عنوان موضوع امتحانات دوران ظهور (نه امروز) ..... ۶۹
- ذکر مصیبت ..... ۷۱



## موضوع شب اول:

رسالت پیامبر و معصومین علیهم السلام در تحمل نظام نفاق برای حفظ اقامه کلمه  
توحید و ختم نبوت و جهاد برای عدم بازگشت امت به کفر جلی

در این پنج شب سعی بر این است که تحلیلی از قیام عظیم عاشورا و ارتباط آن با فلسفه‌ی بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و فلسفه‌ی ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه بیان شود تا در دوران غیبت، جایگاه انقلاب مردم ایران به رهبری حضرت امام (ره) که برخاسته از قیام امام حسین علیه السلام بوده است، مشخص گردد. البته از این رهگذر به آسیب‌شناسی فرهنگ مذهب و بهینه‌ی وظایف جامعه شیعی نیز پرداخته خواهد شد.

### ۱. تعریف متفاوت از دین علت اختلاف در تحلیل عاشورا

#### ۱/۱. «احیاء دین به دفاع از احکام الهی علت قیام عاشورا» در بیان وعاظ سنتی

در مقدمه باید به این نکته اساسی اشاره نمود که اختلاف نظرهایی که در رابطه با تحلیل حادثه‌ی عاشورا و محرم وجود دارد، به تعریف‌های متفاوتی از «دین» برمی‌گردد. توضیح آن‌که معمولاً آنچه در سخنرانی‌های ایام محرم و صفر مطرح می‌شود آن است که قیام امام حسین علیه السلام حافظ و احیاء‌کننده‌ی احکام فقهی بوده و در مقابل، یزید لعنه الله علیه به عنوان مظهر عمل بر ضد احکام معرفی می‌شود؛ همچنان که برگزاری مجالس عزا در ماه محرم و صفر امری مستحب و عمل به احکام و فقه موجود از امور واجب معرفی می‌شود.

## ۱/۲. ضرورت تحلیل از حرکت بقیه معصومین (ع) در موضوع استکبار ستیزی

بر اساس این نگرش، شبهه‌ی مهمی مطرح می‌شود که چرا دیگر معصومین علیهم‌السلام برای احیاء فقه شیعه قیام و جهاد نکردند؟! آیا تنها امام حسین علیه‌السلام شجاع بوده و برای احیاء «دین» قیام کرده‌اند و دیگر معصومین علیهم‌السلام احیاء‌کننده‌ی دین و ضد استکبار نبوده‌اند؟! یا وقتی در جریان إحراق بیت، امیرالمؤمنین علیه‌السلام را دست بسته به مسجد می‌برند تا از ایشان بیعت بگیرند، امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمایند: اگر بیعت نکنم چه؟ می‌گوید: تو را خواهیم کشت! و سه بار این مطلب بیان می‌شود تا در نهایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام با کراهت بیعت می‌کنند. حال آیا این بدین معناست که امیرالمؤمنین علیه‌السلام ضد استکبار و ضد ظلم نبوده‌اند و فقط امام حسین علیه‌السلام ضد استکبار و قیام‌کننده برای احکام الهی بوده‌اند؟! یا به بیان بهتر، آیا فقط امام حسین علیه‌السلام وظیفه قیام داشتند و دیگر ائمه اطهار علیهم‌السلام وظیفه مبارزه با حکمای جور و ظلم را نداشتند!!؟

پس این بحث ضرورت دارد و می‌بایست ضد استکبار بودن تمام معصومین علیهم‌السلام تبیین شود، چون تک تک معصومین علیهم‌السلام با موضع‌گیری‌های خود ریشه‌ی کفر را مورد هجمه قرار می‌دادند و ساده‌ترین دلیل آن، ختم حیات همه‌ی آنان به شهادت است. البته تحلیل عقلانی این مطلب و تبیین آن در مراحل مختلف تاریخ، ضرورتی است که باید بدان پرداخت. آنچه باعث می‌شود چهره‌ی ضد استکباری همه‌ی معصومین علیهم‌السلام در پس حجاب‌ها باقی بماند، ظلمات عقلانی است. اگر ریاضیات فهم از «دین» ارتقا یابد، علاوه بر درک موضوع فوق، به تدریج معجزه بودن ادبیات و افعال حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری در قرن حاضر را نیز درک خواهیم کرد.

## ۲. تبیین فرهنگ بعثت و رسالت پیامبر (ص) برای تحلیل از فرهنگ عاشورا

برای تحلیل قاعده‌مند از واقعه‌ی عاشورا، باید ابتدا درک درستی از جریان بعثت و رسالت‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله داشت تا در ادامه بتوان گفت چگونه قیام امام حسین علیه‌السلام احیاء‌کننده‌ی فرهنگ بعثت بوده است.

## ۲/۱. رسالت اول: برجیدن بت پرستی و معبدهای حسی و کفر جلی

در سرفصل اول تاریخ، صد و بیست و چهار هزار نبی قبل از نبی اکرم صلی الله علیه و آله مبعوث شدند و هر کدام علاوه بر تشریح بخشی از دین، وعده می دادند که روزی پیامبر خاتم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله خواهد آمد و بساط بت پرستی جلی<sup>۱</sup> را از روی کره‌ی زمین بر خواهد داشت؛ هم چنان که در سرفصل دوم تاریخ، تمام ائمه اطهار علیهم السلام و علماء و مراجع عالی قدر و فقها و بزرگان، وعده می دهند که روزی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه خواهد آمد و حکومت عدل جهانی را به پا خواهد کرد. پس یکی از رسالت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از بین بردن بساط شرک جلی و بت پرستی و فرهنگ ظالمانه‌ی شاهان بود که شش هزار و هشتصد سال بر اموال و نوامیس و اختیارات بشر حکومت می کردند. لذا امروز وقتی به کشورهای مختلف سفر می کنید، به جز برخی کشورهای معدود، بت‌خانه نمی بینید و معابد این چنینی به صورت موزه در آمده است.

## ۲/۲. رسالت دوم: تکامل تشریح به معنای ختم نبوت (تکمیل امت و حکومت و تشریح

تمدن)

مأموریت دوم ایشان، تکمیل تشریح بود و هر آنچه که برای سعادت بشر تا یوم القیامه لازم بود، به دست مبارک ایشان تشریح شد که این به معنای ختم نبوت است و به همین دلیل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ملقب به خاتم الانبیاء شدند. پس ختم نبوت به معنای تکامل تشریح است

---

۱. «بت پرستی جلی» مربوط به دوران حضرت آدم علیه السلام تا بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله می باشد و در مقابل «بت پرستی خفی» قرار دارد که مربوط به دوران پس از بعثت تا ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه می باشد و لذا عصر حاضر را نیز در بر می گیرد.

۲/۲/۱. تقیه نسبت به بت پرستی برای حفظ نسل پیامبر (ص)، ماموریت اصلی انبیاء از هبوط

### حضرت آدم (ع) تا حضرت نوح (ع)

حال باید دید تشریح در بستر رشد خود چه مراحل را طی کرده تا به تکامل رسیده است. در توضیح باید گفت انبیائی که بین حضرت آدم تا حضرت نوح علیه السلام بودند مأمور به انتقال نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام بودند و این امر از طریق تقیه محقق می شد. لذا وقتی قایل، هابیل را به قتل می رساند، حضرت آدم علیه السلام برای قصاص او قیام نمی کند. در حالی که حکم قصاص در نزد خدای متعال ثابت است، اما حضرت برای مبارزه‌ی علنی با فرهنگ ظالمانه‌ی قایل دستوری نداشتند! پس اولین حکم اجتماعی که تشریح و محقق شد، حکم تقیه بود.

۲/۲/۲. قیام بر علیه بت پرستی و تشریح تشکیل امت دینی به معنای وحدت کلمه‌ی اسلامی،

### ماموریت انبیاء از حضرت نوح (ع) تا حضرت موسی (ع)

حضرت نوح علیه السلام مأمور به قیام علیه بت پرستی می شوند و لذا برای اولین بار تشکیل «امت الهی» تشریح می شود تا در مبارزه علیه کلمه‌ی کفر، امت دینی شکل بگیرد، البته این تشریح به تحقق نمی انجامد و تحقق آن تا زمان حضرت موسی علیه السلام به تعویق می افتد.

حضرت ابراهیم علیه السلام نیز به همین امر مأمور بودند، به علاوه این که به مقام امامت هم می رسند، اما هیچ کس به ایشان ایمان نمی آورد و به تنهایی، به منزلت «امامت الهی» نائل شدند.

۲/۲/۳. تحقق امت دینی و تشریح حکومت الهی به معنای ثنوری خلافت در دوران حضرت موسی

اما حضرت موسی علیه السلام موفق می شوند «امت دینی» را که در دوران حضرت نوح علیه السلام تشریح شده بود، محقق سازد و قوم بنی اسرائیل را تشکیل دهد و سلطنت فرعون و فرعونیان را در هم شکنند. اما در کنار آن، خط نفاق در امت دینی هم شکل می گیرد. از این دوران تا دوران حضرت عیسی علیه السلام در بین انبیاء بنی اسرائیل، برخی از احکام «حکومت الهی» هم تشریح می شود؛ گرچه تا تحقق حکومت، فاصله‌ی زیادی وجود دارد.



#### ۲/۲/۴. قیام بر علیه جریان نفاق در قوم بنی‌اسرائیل توسط حضرت عیسی (ع)

مأموریتی که حضرت عیسی علیه‌السلام برای آن مبعوث می‌شود، بهینه‌ی تحقق «امت الهی و حکومت الهی» است که در دوران حضرت موسی علیه‌السلام تشریح شده بود. به عبارت بهتر، باید قیام به منظور اصلاح و مبارزه با انحرافی که در امت و حکومت الهی واقع شده بود، انجام می‌گرفت؛ چون با تحریف تورات توسط خط نفاق، فرهنگ تکاثر و فرهنگ مادی بر مردم حاکم شده بود و لذا در تشکیل امت، مردم را حول دنیا جمع کردند و در حاکمیت، «تئوری قدرت» را به جای «تئوری خلافت» حاکم نمودند که با قیام حضرت عیسی علیه‌السلام ابعاد انحراف در قوم بنی‌اسرائیل روشن گردید.

#### ۲/۲/۵. تکامل تشریح و تحقق امت و حکومت اسلامی و تشریح تمدن اسلامی (تکامل نیازهای

#### زندگی در دار دنیا تحت ولایت معصوم) در بعثت نبی مکرم اسلام

اما در بعثت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام، هم «امت و حکومت الهی» که قبلاً تشریح شده بود مورد تأکید قرار گرفت و تکامل یافت و هم «تمدن دینی» تشریح شد! پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با آن که توانستند «امت و حکومت اسلامی» را محقق کنند، اما تحقق «تمدن اسلامی» در دوران ظهور و عالم رجعت خواهد بود. البته باید توجه داشت که «امت اسلامی» یعنی وحدت کلمه‌ی جامعه بر محور خداپرستی، «حاکمیت اسلامی» یعنی جریان تئوری خلافت در مدیریت و «تمدن اسلامی» یعنی تأمین تمام نیازهای زندگی در همه‌ی عرصه‌ها، تحت ولایت حضرات معصومین علیهم‌السلام! لذا مناقبی که برای ائمه معصومین علیهم‌السلام بیان می‌شود، معنای «تمدن دینی» دارد. این اجمالی از سرفصل‌های بحث فلسفه‌ی بعثت بود.

#### ۲/۳. رسالت سوم: خبر از حوادث آینده و حکومت دولت نفاق و تحقق تمدن اسلامی در

#### ظهور امام زمان (عج)

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله پس از برچیده شدن کفر جلی و ختم نبوت به معنای تشریح «امت، حکومت و تمدن»، حوادث آینده (بعد از رحلت خودشان) را نیز برای مردم مطرح می‌کردند. یعنی از ابتدای بعثت

و در سوره‌های مکی، حوادث سرفصل دوم تاریخ پیش‌بینی می‌شد و غلبه‌ی دولت‌های نفاق مطرح می‌گشت. لذا پیش‌بینی کرده بودند که «تمدن اسلامی» که همان ولایت امیرالمؤمنین و ائمه اطهار علیهم‌السلام است، محقق نخواهد شد و افرادی که این مناصب را غصب خواهند کرد را معرفی می‌کردند. به عبارت دیگر در سرفصل اول تاریخ، شش هزار و هشت صد سال قبل از مبعث، غلبه با حکومت‌های کفر بود و در سرفصل دوم تاریخ، غلبه با حکومت‌های نفاق می‌باشد و در سرفصل سوم تاریخ با ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه غلبه با حکومت‌های دینی خواهد بود و ظهور، دوران گذار برای رسیدن به عالم رجعت است که تک تک امامان معصوم‌علیهم‌السلام برمی‌گردند و آن «امت و حکومت و تمدن اسلامی» که باید بر کره‌ی زمین تحقق پیدا کند، به دست آنان در عالم رجعت محقق خواهد شد.

### **۳. آغاز قیام معصومین (ع) در تحمل نظام نفاق برای حفظ اقامه کلمه توحید و ختم نبوت و جهاد برای عدم بازگشت امت به کفر جلی**

#### **۳/۱. بیعت تحمیلی امیرالمؤمنین (ع) و صلح امام حسن (ع) علی‌رغم شدت در حفظ وحدت امت اسلامی و فرهنگ مبعث**

پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، حق خلافت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را غصب کردند و بعد از این که ایشان از یاری مردم مأیوس شد،<sup>۱</sup> به علت زنده نگه داشتن کلمه‌ی خداپرستی و نام مبارک رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از حق خلافت خود گذشتند و اگر برای گرفتن حق خلافت خود قیام می‌کردند، در دراز مدت مردم از توحید و نبوت نیز اعراض کرده و به بت‌پرستی و کفر جلی بر می‌گشتند. لذا قیام نکردند اما با سکوت ظاهری خود، در واقع بر ضد فرهنگ جاهلیت و بت‌پرستی و نظام کفر قیام کردند. در تبیین این مطلب باید گفت حکم تاریخی که پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام به آن مأمور شدند و پس از غیبت

---

۱. البته توصیه‌ی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله این بود که اگر چهل نفر بر بیعت با تو باقی ماندند، قیام کن! اما در عمل فقط سه الی هفت نفر دور حضرت جمع شدند.

حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه نیز علماء و فقها بدان مأمورند، این است که نباید امت اسلامی و کسانی که به زبان اسلام آورده‌اند، به کفر جلی برگردند و اگر قرائن و شواهدی بر این مطلب اقامه شد، قیام و جان دادن و هر نوع فداکاری برای جلوگیری از آن واجب می‌شود و این حکم الهی خدشه ناپذیر است. اما در مقابل، اگر جهت‌گیری حکومت‌های نفاق بر این باشد که با کفار بجنگند و برای سرزمین اسلامی امنیت ایجاد کنند - علی‌رغم تصرفات فاحشی که در فقه و احکام الهی کرده‌اند - باید وحدت کلمه‌ی امت اسلامی باقی بماند؛ گرچه با قرائت اهل سنت باشد. در طول شش هزار و هشتصد سال قبل از بعثت، هر کس تنها نام مبارک خدای متعال را به زبان می‌آورد، او را می‌سوزانندند.<sup>۱</sup> اما بعد از بعثت و مجاهدت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در راستای تأمین امنیت برای خداپرستی و عدم امنیت برای کفر جلی، وقتی خلیفه اول و دوم بر سرکار آمدند، مجبور شدند برای حفظ قدرت خود به ظواهر اسلام عمل کنند و بگذارند نام خدای متعال و پیامبر صلی الله علیه و آله در بین مردم آزادانه رواج پیدا کند. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز حافظ این فرهنگ ایجاد شده توسط پیامبر صلی الله علیه و آله بود و بر این امر همت می‌گماشت؛ در روایتی آمده:<sup>۲</sup> روزی امیرالمؤمنین علیه السلام نماینده ابوبکر در باغ فدک را به قتل رساند و خلیفه اول که خود آن مأمور را گماشته بود، دستور کشتن امیرالمؤمنین علیه السلام را صادر می‌کند و خالد بن ولید برای این امر با پانصد سوار راهی شد اما در مواجهه با آن جناب ترسید و برگشت و فهمید حضرت علی علیه السلام تا پای جان ایستاده و از فعل خود دفاع می‌کند. وقتی گزارش به ابوبکر می‌رسد، از امیرالمؤمنین علیه السلام علت کشتن آن نگهبان را جویا می‌شود، حضرت می‌فرماید: «او بر در خانه‌اش بتی قرار داده بود و هرگاه می‌خواست از خانه خارج شود، آن را استلام می‌کرد». این رفتار حضرت، نشان دهنده‌ی شدت ایشان به این مأموریت خطیر است که نگذارند فرهنگ جامعه به شرک جلی قبل از بعثت برگردد و به حکام وقت نشان می‌دهند که پرچمدار حقیقی فرهنگ بعثت، خود ایشان است. بر این اساس خلفا نیز از روی حسادت، پرچم مبارزه

---

۱. به طور نمونه نمود برای تنبیه حضرت ابراهیم علیه السلام - که پرچمدار مبارزه علیه بت پرستی بودند و فرهنگ خداپرستی را رواج می‌دادند - آن حضرت را در منجیقی گذاشت و در سرزمین گسترده و برافراخته از آتش پرت کرد تا درس عبرتی برای دیگران باشد و دیگر نام خدای متعال را بر زبان نیاورند، که البته آتش به گلستان تبدیل شد.

۲. ارشاد القلوب دیلمی، ج ۲، ص ۳۳۶، ترجمه رضایی.

علیه کفر را به دست گرفتند و باعث فروپاشی دو امپراطوری بزرگ ایران و روم شدند. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز با مشاوره‌های خود به آنها مراقب بود تا این پرچم کفرستیزی روی زمین نماند، به همین دلیل فرهنگ اقامه‌ی نماز، حج، احکام، مسجدسازی و... (البته به قرائت نفاق) به جریان افتاد و ما امروز این نعمت را مرهون مقاومت امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهما السلام هستیم.

فرهنگ حفظ ظواهر دین به زبان نفاق آن چنان در بین مردم رسوخ کرد که وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام نیز به خلافت رسیدند، در مواردی نتوانستند با سنت خلفاء گذشته برخورد کنند<sup>۱</sup> و اگر با تمام فرهنگ آنان برخورد می‌کردند، مردم از همان اسلام ظاهری هم دست برمی‌داشتند و متفرق می‌شدند.

### ۳/۲. عدم تقیه در ذکر حقایق دین و اقامه کلمه توحید برای مومنین

البته این نکته نیز قابل ذکر است که ائمه‌ی معصومین علیهم السلام علاوه بر تحمل حکومت‌های نفاق، به بیان و ذکر حقایق دین نیز اقدام می‌نمودند؛ یعنی حقیقت اسلام و ترجمه و تفسیر قرآن و فقه و توحید ناب را بیان کرده و عمل نیز می‌نمودند و در این امر اصلاً تقیه نمی‌کردند.

### ۳/۳. تلاش یزید برای بازگشت به کفر جلی علت قیام عاشورا

بعد از امیرالمؤمنین، امام حسن علیهما السلام در جنگ با معاویه، پشتیبانی مردم به خصوص فرماندهان و خواص را به دلیل تطمیع معاویه از دست داد و مجبور به صلح شد و همان تحملی که امام علی علیه السلام در مواجهه با خلفا داشت را در پیش گرفت. بعد از شهادت امام حسن مجتبی، امام حسین علیهما السلام همان مشی را ادامه داده و به صلح برادرشان پایبند بودند. معاویه لعنه الله علیه در زمان حکومت خود آرزو داشت نام مبارک پیامبر عظیم‌الشان اسلام را از اذان حذف کند، اما با محاسباتی که می‌کرد نتیجتاً این کار را غیر ممکن می‌خواند و نسبت به این موضوع نیز بغض و کینه در دل داشت. همین مطلب را هم در وصیت

---

۱. نمونه‌ی آن قاضی شریح بود که حضرت مجبور شدند او را در مقام قضاوت کوفه ابقا نمایند؛ یا نماز تراویح که از جمله بدعت‌های دوران خلیفه دوم بود.

خود به پسرش یزید لعنه الله علیه گوشزد کرد که کاری به حسین علیه السلام نداشته باش و حکومت تو نیز باید در لایه‌ی اسلام ظاهری تداوم یابد. اما از آن جایی که یزید جوانی خام بود، هوس کرد که همان لایه‌ی ظاهری اسلام را که بر روابط اجتماعی کشیده شده بود، بردارد و جامعه را به کفر جلی قبل از اسلام برگرداند. لذا وقتی به امام حسین علیه السلام پیام می‌دهد: «یا بیعت، یا مرگ» و سخنی از قرارداد صلح در زمان پدرش مطرح نمی‌کند، امام حسین علیه السلام این مطلب را متوجه می‌شوند که یزید قصد دارد لایه‌ی اسلام ظاهری را بردارد و انکار توحید و نبوت و وحی را علنی کند. وقتی حضرت قصد این ملعون را مبنی بر انکار وحی و قرآن کریم، برای خواص، صحابه، سران و دیگر مردم بیان می‌کردند، هیچ کس نمی‌پذیرفت و به ایشان لقب تندرو بودن می‌دادند. هزینه‌اش چه شد؟! هزینه‌اش حادثه‌ی عظیم عاشورا شد! حتی به حادثه‌ی عاشورا نیز ختم نشد؛ بلکه به مصیبت‌های اهل بیت علیهم السلام در کوفه و شام نیز کشید! یعنی آن جا که یزید گفت: «کشتن حسین، انتقام خون بدر بود» همه فهمیدند که یزید قصد براندازی اسلام را دارد! زیرا در جنگ بدر، فرعون‌های زمان مانند ابوجهل کشته شده بودند!

### ۳/۴. عاشورا و روشن‌گری امام سجاد (ع) علت بیداری مردم و شکست اهداف یزید در

#### علنی کردن کفر جاهلیت

از طرفی آیاتی که در رابطه با جنگ بدر نازل شده بود، حی و حاضر در ذهن مردم جریان داشت و از افتخارات اسلام بود و انتقام از جنگ بدر یعنی ضد قرآن حرف زدن و عمل کردن! این حرف برای مردم بسیار سنگین بود و وقتی چنین مطلبی با روشن‌گری‌ها و مجاهدت‌های حضرت زینب و امام سجاد علیهما السلام ظهور و بروز پیدا کرد، جشن شامیان به عزا تبدیل شد و کاخ یزید بر سرش خراب گردید. به ناچار اعلام کرد من دستور کشتن حسین علیه السلام را نداده بودم، بلکه عبیدالله چنین کرد! این همان مطلبی بود که پدرش معاویه لعنه الله علیهم به آن وصیت کرده بود، اما یزید به وصیت پدر عمل نکرد و بعد از این واقعه فهمید که باید روش خود را تغییر دهد. شاهد این که یک سال بعد از واقعه عاشورا، در جریان واقعه ی حره، یزید سپاهی دویست هزار نفره را برای سرکوب قیام مدینه فرستاد و اموال و نوامیس مردم را حلال شمرد، اما خانه‌ی امام سجاد علیه السلام را استثناء کرد و محل امن قرار داد و این همان سیلی است که

از حادثه‌ی عاشورا خورده بود و لذا این فرهنگ (تداوم کفرستیزی و تکیه به ظواهر دین به زبان نفاق) تا آخرین معصوم باقی ماند. یعنی به خاطر حضور ائمه اطهار علیهم السلام، منافقین مجبور می‌شدند در صحنه‌ی کفرستیزی بایستند و نماز و قرآن و مسجد و اذان و توحید و در یک جمله، «کلمه‌ی خداپرستی» امنیت پیدا کند. تحت این امنیت، فرهنگ شیعه هم زنده ماند و فقه صادقین علیهما السلام نسل به نسل منتقل شد.

لذا بزرگترین تکلیف ائمه‌ی معصومین علیهم السلام حفظ فرهنگ بعثت، یعنی تداوم «امت» و «حکومت اسلامی» به قرائت اهل تسنن بوده است؛ به طوری که به شرک جلی قبل از بعثت برنگردد. به عبارت دیگر تا وقتی اهل سنت در مقابل جبهه‌ی کفر صف‌آرایی می‌کنند باید آنان را تحمل کرد. لذا حکم تقیه<sup>۱</sup>، یک حکم تاریخی برای شیعیان اهل بیت عصمت و طهارت است. بله؛ هر وقت نظام نفاق با جبهه‌ی کفر هم‌جهت شوند، مانند شرایطی که امام حسین علیه السلام در آن قرار گرفت، باید قیام کرد و مانند امام حسین وظیفه‌ی خود را انجام داد. بنابراین اگر هر معصوم دیگری هم در شرایط امام حسین علیه السلام قرار می‌گرفت، همین کار را انجام می‌داد.

نکته‌ی قابل توجه دیگر این که نفاق همیشه دو وجه دارد، اگر نظام ایمان ضعیف باشد، آنان به دامن کفر رو می‌آورند، اما اگر نظام ایمان قوی باشد، به دامن اسلام ظاهری رو می‌آورند و به ناچار ظواهر اسلام را حفظ می‌کنند.

پس به‌طور خلاصه، ولایت تاریخی حضرت حق بر این است که در توازن بین سه نظام «کفر و نفاق و ایمان» نتیجه به نفع نظام ایمان باشد. ان شاءالله در ادامه مباحث، موضع‌گیری‌های پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام در دفاع از کلمه‌ی خداپرستی و تفاوت آن با ادراک موجود از خداپرستی بیان خواهد شد تا بتوان ارتباط انقلاب حضرت امام(ره) با سیره‌ی معصومین را تبیین کرد.

**اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک**

---

۱. امام صادق علیه السلام: «نه دهم دین تقیه است و هر که تقیه ندارد، دین ندارد...» اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۳، ص

۳۰۷. امام باقر علیه السلام: «تقیه از دین من و دین پدرانم می‌باشد و کسی که تقیه ندارد دین ندارد.» همان، ص ۳۱۱.

## موضوع شب دوم:

تلاش برای علنی کردن کفر جلی توسط یزید، علت عدم بیعت امام حسین (ع) و

### تحقق قیام عاشورا

در جلسه‌ی گذشته، چگونگی تشریح و تحقق احکام «امت، حکومت و تمدن الهی» در سه سرفصل تاریخی: «قبل از بعثت، بعد از بعثت و عصر ظهور» بیان شد. همچنین فلسفه‌ی قیام امام حسین علیه‌السلام و ارتباط آن با فلسفه‌ی بعثت روشن و «حکم تاریخی تقیه» در سرفصل دوم تاریخ که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام بر اساس آن، مأمور به تحمل نظام نفاق بودند، توضیح داده شد. حال بحث تاریخی آن، بیش‌تر تبیین می‌گردد.

### ۱. تقسیمات نظام خلقت به سه مرحله: ۱- عالم قبل از دنیا؛ ۲- دنیا؛ ۳- برزخ و قیامت

به طور کلی نظام خلقت خدای متعال در سه مرحله قابل بررسی است؛ اول، عالمی که قبل از این دنیا بوده، مرحله‌ی دوم همین دنیا است و مرحله‌ی سوم عالم برزخ و قیامت است. در رابطه با هر سه عالم، روایت‌های بسیاری آمده است که می‌بایست تمام روایات جمع‌آوری و روی آن‌ها کار اجتهادی شود، یعنی دقیقاً همان کاری که در بحث فقه و استخراج احکام صورت گرفته، باید در این موضوع هم انجام گیرد.

### ۲. ائمه اطهار (ع)، اولین مخلوقات خداوند متعال و خلق بقیه مخلوقات از نور آن‌ها

درباره‌ی مرحله اول بنا به روایات، قبل از خلقت حضرت آدم علیه‌السلام اولین چیزی که خدای متعال خلق فرمود، نور پیامبر و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام بوده است؛ یعنی هنگامی که هنوز عرش و آسمان و زمین و ملائکه خلق نشده بودند، این انوار مقدس خلق شده‌اند و هزاران سال، در حقه‌هایی از تسبیح و تحمید

و تهلیل و تکبیر، نزد خدای متعال مرزوق بودند. سپس حسب نقل، به نور نبی اکرم صلی الله علیه و آله بود که عرش خلق شد، به نور امیرالمؤمنین علیه السلام ملائکه خلق شدند، به نور حضرت زهرا سلام الله علیها آسمانها و زمین خلق شد، به نور امام حسن مجتبی علیه السلام ماه و خورشید و ستارگان و به نور امام حسین علیه السلام بهشت آفریده شد. همان طور که بیان شد می بایست نسبت به این روایات کار اجتهادی شود تا جزئیات آن مشخص گردد. اما در این جا اجمالاً می توان گفت قبل از خلقت حضرت آدم علیه السلام و دار امتحان، مراحل وجود داشته تا این که حضرت آدم علیه السلام خلق می شوند و پس از دستور به سجده بر ایشان، وارد بهشت می شوند و در آن جا مرزوق نور نبی اکرم صلی الله علیه و آله بودند و از خوردن میوهی آن درخت نیز منع می گردند. اما با فریب ابلیس از آن می خورند و هبوط واقع می شود.

### ۳. تفاوت های سرفصل های تاریخ زندگی در دنیا

۳/۱. غلبه حکومت های کفر در سرفصل اول و حکومت های نفاق در سرفصل دوم و

#### حکومت الهی در سرفصل سوم

با هبوط حضرت آدم به این دنیا، می توان تاریخ این دنیا را به سه قسمت تقسیم نمود که موضوع بحث ما همین است: ۱. از هبوط حضرت آدم علیه السلام تا بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله؛ ۲. از بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله تا ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه؛ ۳. از ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه تا روز قیامت. اما خصوصیات این مراحل چیست؟ در جلسه ی گذشته بیان شد که در مرحله ی اول تاریخ، غلبه ی حکومت ها با نظام کفر است و در مرحله ی دوم، غلبه ی حکومت ها با نظام نفاق و در مرحله ی سوم غلبه حکومت ها با نظام الهی است.



## ۳/۲. حسی بودن امتحانات سرفصل اول، عقلانی بودن امتحانات در سرفصل دوم و

### شهودی بودن امتحانات در سرفصل سوم تاریخ

در این جا یک خصوصیت دیگر مورد دقت قرار خواهد گرفت و آن این که موضوع امتحانات مردم در سرفصل اول تاریخ، «حسی» است؛ یعنی پرچمداران توحید برای دعوت مردم به خداپرستی، آیات حسی می آورند و مردم می توانند با حواس پنج گانه شان به آن ها ارتباط برقرار کرده و از آزمایش ها عبور کنند. در سرفصل دوم تاریخ، موضوع امتحانات «عقلانی» است. البته نه این که در این دوران هیچ گونه آیات حسی، ظهور و بروز نداشته است، بلکه موضوع اصلی امتحان مردم آیات حسی نبوده است و در این مرحله از تاریخ، مردم می بایست با عقل شان به جمع بندی و تحلیل برسند تا هدایت شوند و از گمراهی نجات پیدا کنند. در روایت نیز آمده: امت پیامبر صلی الله علیه و آله به عقل شان امتحان می شوند. در سرفصل سوم تاریخ با ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، موضوع اصلی امتحانات، شهودی خواهد شد؛ باز نه به این معنا که کار عقل تعطیل می شود، بلکه موضوع اصلی برای امتحان مردم، ظهور و بروز کرامات اولیاء و ائمه ی معصومین علیهم السلام است. البته خدای متعال به ابلیس لعنه الله علیه نیز اجازه حیات می دهد و در نتیجه او در آیات شهودی نیز شبهه ایجاد می کند و باعث گمراهی عده ای خواهد شد.

### ۳/۲/۱. «موضوع امتحانات» مقسم تقسیمات طرح شده

طرح این بحث به منظور کسب اطلاعات عمومی نیست؛ بلکه اگر درک شود که در چه مرحله ای از تاریخ هستیم و قرار است با چه موضوعاتی مورد امتحان قرار گیریم، دیگر در سرفصل دوم تاریخ (عصر حاضر)، به دنبال موضوعات حسی و شهودی نخواهیم رفت؛ لذا فهم این مطلب در هدایت و گمراهی بشر نقش به سزایی دارد. گرچه در همین عصر نیز ممکن است عالم یا عارفی با ریاضت هایی که کشیده، به اذن خدای متعال بتواند در سنگی تصرف کند و آن را به طلا تبدیل کند، اما این تصرف «موضوع امتحان» برای مسلمانان نخواهد بود و البته از شخصیت و عظمت آن عالم هم چیزی کم نمی شود. هم چنین نمی توان در سرفصل دوم تاریخ، امتحانات و آیات شهودی مربوط به سرفصل سوم

تاریخ را انتظار داشت. پس باید در هر کدام از سرفصل‌های تاریخ، موضوع امتحان و پرچمدار توحید آن عصر را شناخت.

#### ۴. تبیین اوصاف سرفصل دوم تاریخ

##### ۴/۱. قرآن و مترجمین وحی، خورشید عقلانیت در دوره دوم تاریخ

البته قدرت کفر نیز در مرحله‌ی دوم تاریخ، قدرت علمی و عقلانی است. به بیان دیگر، مردم در دوره‌ی حضرت موسی علیه‌السلام به سحره‌ی فرعون امتحان شدند، یعنی مظهر قدرت فرعون که باعث تبعیت مردم از او می‌شد، ساحران‌ش بودند. در دوران حضرت عیسی علیه‌السلام مردم به بیماری‌ها مبتلا می‌شدند و ظهور و بروز قدرت حضرت در شفای بیماران بود که باعث می‌شد جمعی از مردم ایمان بیاوردند. اما در رابطه با معجزات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله علاوه بر آیات حسی، حضرت با قدرت عظیم ادبی و عقلانی و فرهنگی دشمنان اسلام جنگیدند.

پس در این برهه از تاریخ، یعنی از بعثت تا ظهور حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه مردم به خورشید عقلانیت وحی، یعنی قرآن کریم و مترجمان وحی امتحان می‌شوند و اگر عقل به این خورشید استضاء کند راه سعادت خود را پیدا می‌کند. اما اگر آنانیت بورزد، باعث گمراهی بشر می‌شود. کما این‌که امروز شاهد چنین گمراهی بوده و دستگاه‌ها و فرقه‌های مختلف به وجود آمده و امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به هفتاد و سه ملت تقسیم شده‌اند؛ در حالی که تنها فرقه‌ای که راه سعادت را در پیش گرفته و پیشرفت کرده، شیعیان اهل بیت عصمت و طهارت هستند.

##### ۴/۲. تلاش در جهت تبیین حقایق اسلام یکی از رسالت‌های ائمه اطهار

حضور ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، در طول دو بیست و پنجاه سال - که حقایق اسلام را بدون تقیه اعلام می‌کردند - آیه‌ای بود برای عقل بشر؛ یعنی قول و فعل حضرات معصومین علیهم‌السلام برای عقل

بشر آیه می‌باشد و موضوع امتحان مردم در سرفصل دوم تاریخ نیز همین آیات است. این آیات با معجزاتی چون عصای حضرت موسی علیه‌السلام و ناقه‌ی حضرت صالح علیه‌السلام و دیگر انبیاء برابری می‌کند.

### ۴/۳. انفعال اراده، قلب و فعل انسان در آیات عقلی علت برتری آیه عقلانی نسبت به آیه

#### حسی

تفاوت و خصوصیت آیات معصومین علیهم‌السلام این است که اراده، قلب و فعل انسان را هدایت می‌کند. خارق‌العاده بودنش در این است که قدرت انسان را به انفعال می‌کشاند، حال اگر انسان انکار کرد، کافر می‌شود، اما اگر ایمان آورد و برای او پذیرش حاصل شد، در قلبش جاری می‌شود و سپس افعالش جهت پیدا می‌کند؛ یعنی نماز، روزه و دیگر مناسکش در جهت تکامل و رشدِ ظرفیت او خواهد بود. بنابراین نفس وجود پیامبر عظیم‌الشان اسلام و امیرالمؤمنین و خُلق عظیم‌شان و همچنین رفتار همه‌ی معصومین علیهم‌السلام آیه است. در این میان، قیام امام حسین علیه‌السلام و واقعه‌ی عاشورا آیه‌ی خاص الهی است.

### ۴/۴. مقاومت در جهت عدم بازگشت امت اسلام به کفر جلی یکی دیگر از رسالت‌های

#### معصومین (ع)

در جلسه‌ی گذشته بیان شد که هم سکوت امیرالمؤمنین و امام حسن مجتبی و هم قیام امام حسین علیهم‌السلام بر یک مبنا بود و آن، این که امت اسلامی به دوران جاهلیت قبل از بعثت برنگردد؛ یعنی منافقان به کفر جلی بازنگردند، لذا پیامبر و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام به تحمل نظام نفاق - نه سازش با آنان - مأمور شدند.<sup>۱</sup>

---

۱. همان‌طور که حضرت نوح علیه‌السلام نیز چنین امتحانی شدند؛ این همه تحمل حضرت نوح که جمعا نهصد سال مردم را به خداپرستی دعوت کردند برای چه بوده؟! با آن همه شکنجه و درد و بلا، بدون این که به خدای متعال گله‌مند شوند و

## ۵. تلاش برای علنی کردن کفر جلی توسط یزید علت عدم بیعت امام حسین (ع) و قیام

### عاشورا

امام حسین نیز بعد از شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام، ده سال حکومت معاویه لعنه الله علیه را تحمل کردند و بر صلح برادرشان باقی ماندند و این در حالی بود که خود ایشان و شیعیانشان در شدیدترین فشارها بودند و دوستان اهل بیت را به زندان می افتادند و شکنجه می شدند؛ اما امام حسین علیه السلام برای این که کفر معاویه از پرده‌ی نفاق خارج شود و مردم آن را درک کنند، تحمل می کردند. لذا هنگامی که یزید لعنه الله علیه بر سر کار آمد، اگر بر صلح پدرش باقی می ماند، اصلاً حادثه‌ی عاشورا رخ نمی داد و واکنش امام حسین علیه السلام مجدداً تحمل دستگاه نفاق بود تا از طرق دیگر، دروغگویی آنان افشاء شود. نمونه‌های این مطلب را در انقلاب اسلامی نیز می تواند دید، آن روز که جریان فتنه‌ی ۸۸ اتفاق افتاد، هر چه مقام معظم رهبری فریاد می زدند که کفار به دنبال براندازی نظام اسلامی هستند و باید راه نفوذ دشمن را بست، یک عده پنبه در گوششان گذاشته بودند و نمی فهمیدند! در این امتحانات می بایست در قلب هر کس هر چه هست، آشکار شود و لذا خداوند متعال در ابتدای سوره‌ی عنکبوت می فرماید: آیا مسلمانان و مؤمنین گمان کرده‌اند دیگر امتحان نمی شوند؟! آری همه مورد امتحان

---

تنها دغدغه و ناراحتی شان این بود که مبدا کلمه‌ی خداپرستی از روی زمین برداشته شود. این‌ها، به معنای سازش نیست، بلکه صبر به معنای اخلاق و تحمل بندگان خدای متعال است و سنت خدای متعال مهلت دادن به مخلوقاتش است. حتی وقتی عذاب الهی برای قوم حضرت نوح مقرر می شود، پنجاه سال طول می کشد تا محقق گردد؛ چون خدای متعال دستور می دهد حجم زیادی درخت بکارید و مراقبت کنید تا درختان رشد کنند، بعد آن‌ها را قطع کرده و با آن کشتی بسازید که خود پنجاه سال به طول می انجامید. در طول این مدت، دو سوم از یاران حضرت از ایشان جدا می شوند. همین وضعیت نیز برای پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به اهل نفاق رخ می دهد و حضرت مأمور به تحمل افرادی چون ابوسفیان و هند جگرخوار می شوند. اگر با رویکرد فقه موجود به این حوادث نگاه شود و بعد با رفتاری که پیامبر صلی الله علیه و آله انجام داده‌اند مقایسه گردد، می بینید یک سری احکام تاریخی هستند که در فقه به آن‌ها اشاره‌ای نشده است. چون جنایاتی که سردمداران کفر و نفاق مرتکب شده بودند، هیچ کدام از نظر فقهی قابل بخشش نبوده، اما به دستور خدای متعال ابوسفیان بخشیده می شود. یعنی فرهنگ خدای متعال، امنیت دادن به کسی است که حتی به زبان اسلام آورده و او را مسلمان محسوب می کند تا به او مهلت دهد و حجت بر او و مردم تمام کند.

خدای متعال قرار می‌گیرند. اگر امروز شما شهید نشده‌اید و یا شرایط دستیابی به مناصب و مقام و شهوات ریاست، برایتان فراهم نشده است، پنج یا ده سال دیگر شرایطش مهیا می‌گردد. ممکن است امروز بسیجی و حزب‌اللهی باشید، اما اگر حواستان به کانون نور و پرچمدار توحید نباشد، در امتحانات آینده جزء این دسته یا آن دسته خواهید شد. لذا باید دقت کرد که نعمتهایی که خدایی متعال به هر یک از شما عطا فرموده است، خرج چه کسی می‌کنید؟! پس همه در شهوات این دنیا امتحان می‌شوند و البته همیشه کانون و ادبیات نور و آن چیزی که از جنس قرآن است نیز شاخص هدایت است.

#### ۵/۱. «قصه کشتن امام حسین (ع)» علت خروج آن حضرت از مدینه و مکه و حرکت به

##### سمت کوفه

آنچه امام حسین علیه‌السلام را از مدینه به مکه می‌کشاند و از آنجا به کوفه و بعد به سرزمین کربلا، عدم امنیتی است که یزید برای حضرت درست می‌کند؛ یعنی ایشان را بین دو امر «بیعت یا شهادت» قرار می‌دهد و در فرهنگ جامعه القا می‌کند که حسین علیه‌السلام ضد نظام است و قصد شورش دارد، در حالی که خود یزید از صلح‌نامه‌ی پدرش خارج گشته بود و می‌خواست خون امام حسین علیه‌السلام را در مدینه بریزد. حضرت نیز با زنان و کودکان خود به شهر مکه، شهر امن الهی که تمام حیوانات و نباتات امنیت دارند سفر کرده و در ایام حج، با هزاران زبان برای مردم اتمام حجت می‌کنند؛ اما در آنجا هم مورد تهدید دستگاه یزید قرار می‌گیرند. از طرف دیگر، چون از کوفه هزاران نامه مبنی بر بیعت با ولایت و سرپرستی امام حسین علیه‌السلام ارسال می‌شود، حضرت نماینده‌ی خود حضرت مسلم علیه‌السلام را به کوفه روانه می‌سازد تا از اوضاع کوفیان آگاه شوند و وقتی مسلم در نامه‌ای بیعت کوفیان را به حضرت اعلام می‌کند، ایشان نیز با کاروانش به سمت کوفه حرکت می‌کنند. اما در مسیر به ایشان خبر می‌رسد که حضرت مسلم را به شهادت رسانده‌اند. تا این که حضرت، با سپاه حرّ روبرو می‌شوند. امام حسین علیه‌السلام به حرّ می‌فرمایند: کوفیان به من نامه نوشته‌اند و من هم در حال سفر به کوفه هستم، اما اگر مرا نمی‌خواهند، به مدینه باز می‌گردم! حرّ می‌گوید: دستور رسیده است که نمی‌توانید به مدینه بازگردید. حتی حضرت برای رسوا کردنشان حاضر بودند از مرز حکومت آن‌ها خارج شوند و به کشورهای کفر سفر کند تا به تمام

مسلمانان نشان دهند فرزند رسول خداصلی الله علیه وآله در کشورهای به ظاهر اسلامی امنیت جانی ندارد، ولی در کشورهای کفر امنیت خواهد داشت! اما حرّ به دستور عبیدالله لعنه الله علیه، نه می گذاشت حضرت به مدینه برگردد و نه حتی به خارج از مرزهای کشورهای اسلامی برود، تنها یک راه پیش پای حضرت می گذارند و آن جنگیدن است! لذا حضرت در کربلا منزل می گیرند، همان شهری که خدای متعال وعده‌ی شهادت امام حسین علیه السلام را در آن جا داده بود. حضرت با این ادبیات و موضع گیری نشان می دهند که دعوا سر قدرت ندارند، بلکه مأمور به تحمل جهل و نفاق هستند! تمام اعمال و حرکات و اقوال امام حسین علیه السلام بر همگان حجت بود!

در دوران معاویه، دستگاه نفاق با دستگاه کفر دست دوستی داده<sup>۱</sup> و بساط سازش با کفر را فراهم کرده بودند، اما یزید، برای علنی کردن کفر خود و این سازش، امام حسین علیه السلام که وارث و حافظ فرهنگ بعثت بود را مزاحم می دانست و کشتن او را مجاز شمرد.

## ۵/۲. خون امام حسین (ع) و خطبه امام سجاد (ع) در شام علت شکست اهداف یزید نسبت به بازگشت به کفر جلی و جاهلیت

بنابراین علت اصلی کشتن امام حسین علیه السلام، از بین بردن فرهنگ بعثت و برگشت به زندگی کفرآمیز قبل از بعثت بود. وقتی امام حسین علیه السلام کفر یزید را پیش بینی کرد، کسی نپذیرفت تا این که کفر یزید پس از چهل روز از واقعه‌ی عاشورا، در شام علنی گردید و با مقاومت و افشاگری‌های امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب سلام الله علیها شام بر سر یزید خراب شد! به عبارت دیگر کسی که قدرت

---

۱. به طور نمونه، معاویه اولین کسی بود که بت‌ها را بمتابه اشیاء قیمتی و ارزشمند جمع‌آوری می کرد و خرید و فروش آن را آغاز کرد و حرمت آن را عملاً انکار کرد؛ یعنی پایه‌گذار علوم باستان‌شناسی در اسلام، معاویه است! در حالی که در فرهنگ اسلام بت‌ها، شکسته و دفن شدند و لذا این که توصیه شده است از باب السلام وارد مسجد الحرام شوید، به این دلیل می باشد که این بت‌ها در ابتدای باب السلام دفن شده‌اند و مسلمانان برای ورود به خانه‌ی خدا، از روی این بت‌ها عبور می کنند تا همیشه در خاطرشان بماند که آن‌ها ملت بت‌شکن هستند نه بت‌فروش!

نصف کره‌ی زمین را در دست داشت و جنگی تمام عیار علیه یک عده‌ی قلیل - صد نفر - به وجود آورده بود و همه را از بین برده و سرمست از پیروزی بود، اراده کرده بود که قرآن و مسجد و اذان و... را هم بردارد و هدف بعثت را به جنگ قدرت بین بنی‌هاشم و بنی‌امیه تحلیل کند، ولی با قیام عاشورا و حوادث پس از آن، در کمتر از چهل روز می‌پذیرد که بر همان فرهنگ دینی خلفای گذشته و معاویه - یعنی نفاق و اسلام ظاهری که جهان اسلام روی آن وحدت پیدا کرده بودند - باقی بماند.

### ۵/۳. قیام عاشورا علت ایجاد امنیت برای امامان در نشر و عمل به قرائت صحیح از اسلام

البته در پرتو چنین امنیتی برای اسلام، هیچ‌گاه امامان ما در نشر و عمل به قرائت صحیح از اسلام که همان مکتب شیعه است، تقیه نکردند. مکتب شیعه یعنی تحمل حضرت نوح علیه‌السلام؛ مکتب شیعه یعنی اخلاق ابراهیم، اخلاق موسی و عیسی علیهم‌السلام و اخلاق خدای متعال نسبت به نفاق! با این اخلاق بود که اسلام - حداقل به زبان - برای حفظ تمام موارث انبیاء، اجازه جریان یافتن پیدا کرد و کفر جلی محو شد. لذا امیرالمؤمنین علیه‌السلام از حق خود گذشتند، تا فرهنگ توحیدی - گرچه به زبان نفاق - در عالم جاری شود. در واقع ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام آن‌ها را وادار به این مطلب کردند که پوسته‌ی اسلام را حفظ کنند و در پرتوی این امنیت، اسلام ناب محمدی (فرهنگ شیعه) زنده بماند! مدیریت نفاق نیز براساس محتوای فرهنگ مادی امپراطوری ایران و روم، یعنی اخلاق کاخ‌نشینی و شهوت‌های شدید زمان خودشان، با ظاهری اسلامی ادامه پیدا کرد و البته در مقابل کفار زمان خود نیز مبارزه کردند و بساط شرک جلی را از بین بردند.

### ۶. بازگشت دولت‌های نفاق به کفر بعد از فروپاشی امپراطوری عثمانی متأثر از رنسانس، علت قیام علماء شیعه و تشکیل حکومت اسلامی توسط امام خمینی

جریان حاکمیت دولت‌های نفاق تا دویست سال گذشته ادامه پیدا کرد، اما بعد از انقلاب کبیر فرانسه و رنسانس در غرب، مقیاس شهوت در کره‌ی زمین تغییر یافت و ظرفیت شهوت از امپراطوری

ایران و روم به شهوت «مدرنیت» مبدل گردید و نرم‌افزارهای جدید سیاسی، امنیتی و نظامی تولید شد و معادله‌ی قدرت را به نفع غرب تغییر داد و امپراطوری عثمانی فروپاشید. زیرا در موازنه‌ی امور سیاسی، نظامی و امنیتی دست برتر با غرب بود. از طرف دیگر الگوی زندگی غربی در همه‌ی امور و در تنوع شهوات به گوش جهانیان رسید و دل دولت‌های نفاق را لرزاند و باعث شد دست از کفرستیزی بردارند و نقاب از چهره‌ی نفاق دولت‌های اسلامی کنار رفته و تمایلشان به کفر علنی شود؛ یعنی سبک زندگی غربی، در امور اجتماعی (نحوه‌ی تولید قدرت، نحوه‌ی تولید اطلاع و نحوه‌ی تولید ثروت) در جهان فراگیر شد.

لذا امپراطوری بزرگ اسلامی، پرچم کفرستیزی را که از روی حسادت نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام به دوش می‌کشید، بر زمین گذاشت و همین علت باعث فروپاشی و تجزیه آن به پنجاه کشور اسلامی شد. به عبارت دیگر پرده از چهره‌ی نفاق‌شان افتاد و قدرتشان تجزیه شد. از این رو، وظیفه‌ی بلند کردن پرچم بر زمین مانده‌ی کفرستیزی به دوش علماء شیعه افتاد و با عنایات خاصه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، روحانیت در دویست سال اخیر پرچمدار قیام بر علیه کفر شد؛ قیامی که بر اساس ادبیات عاشورا بود! انقلاب اسلامی نیز پرچم امام حسین علیه السلام را علیه کفر موجود بلند کرد.

## ۶/۱. غلبه نظام نفاق و ضعف کفر بیرونی در دوران امام حسین و بالعکس بودن این موضوع، تنها تفاوت قیام عاشورا و انقلاب اسلامی

تفاوت انقلاب اسلامی و قیام عاشورا در این است که در دوران امام حسین علیه السلام، معادله‌ی قدرت به دست یزید (منافقین) بود و کفر بیرونی ضعیف شده بود، اما در این دویست سال اخیر قدرت حقیقی به دست کفار افتاد و منافقین ضعیف شده بودند؛ یعنی دیگر بر کشورهای مصر، اردن، الجزایر و عراق و...، قدرت مرکزی به نحوی که کسی مانند یزید بر آن حاکم باشد، وجود نداشت و کفر در قالب شرک خفی ظاهر شده بود. در این فضا چون امت دینی در خطر افتاد و احتمال سلطه‌ی کفر بر جامعه‌ی اسلامی تقویت شده بود، فقهای ما به دستور قرآن کریم قیام کردند؛ زیرا روح قرآن کریم، قیام علیه کفر و



بت پرستی است. یعنی بنا به آنچه که در فرهنگ بعثت تحقق یافته بود و امیرالمؤمنین و امامان معصوم علیهم السلام آن را حفظ کرده بودند، «قیام علیه سلطه‌ی کفر» واجب گردید.

### - ذکر مصیبت:

یکی از آیات و قدرت‌هایی که امام حسین علیه السلام در مقابل امت شقی به ارمغان آورد تا آنان به انفعال بیفتند و دست از مبارزه علیه اسلام بردارند و به کفرستیزی خودشان ادامه دهند، شخصیت حضرت علی اکبر علیه السلام است که مانند خورشیدی در عاشورا می‌درخشید.

در جریان اصحاب فیل، وقتی ابرهه با حضرت عبدالمطلب علیه السلام مواجه می‌شود، هیبت و نورانیت و زیبایی حضرت، ابرهه - کسی که تمام وجودش را ظلمت فرا گرفته و سرمست از عیش و نوش و شهوات کفر است - را به انفعال می‌کشاند و می‌گوید: اگر این مرد از من بخواهد از حمله به کعبه منصرف شوم، می‌پذیرم!

یعنی حضرت عبدالمطلب چنین جاذبه‌ای داشت که ابرهه را با ویژگی‌های خاص خود منفعل می‌کند. پدر ایشان نیز حضرت هاشم علیه السلام دارای هیبت و عظمت و نورانیت ویژه‌ای بودند که تمام کشورهای اطراف به حضرت هاشم نامه می‌نویسند که ما می‌خواهیم دخترانمان را به ازدواج شما درآوریم تا توفیق انتساب پیامبر خاتم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله در نسل ما باشد. یا زیبایی حضرت یوسف علیه السلام به موضوع امتحانی برای مصریان تبدیل شد اما اهل بیت، بسیار زیباتر از حضرت یوسف علیه السلام و مظهر دو چهره‌ی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه السلام بودند، لذا امام حسین چه آیه‌ای بالاتر از علی اکبر علیهما السلام بیاورد؟! کسی که هم از نظر خلق، هم از نظر خو و ظاهرشان، شبیه‌ترین کس به پیامبر خاتم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند! به حدی که اهل بیت علیهم السلام می‌فرمایند: ما هرگاه دل‌مان برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تنگ می‌شد، به علی اکبر نگاه می‌کردیم! و اگر سپاه یزید لعنه‌الله‌علیه‌م ادنی مرتبه‌ی کفر را هم داشتند می‌بایست در رویارویی با فرزند امام حسین علیه السلام یعنی حضرت علی اکبر به تأمل می‌افتادند. چرا که زنان مصری که سرمست از شهوت بودند، در برابر زیبایی حضرت یوسف منفعل شدند! انسان نمی‌تواند وضع این امت را درک کند که چه خلقی داشتند و چه موجوداتی بودند؟!!!

وجود مبارک حضرت علی اکبر یکی از چهره‌هایی بود که می‌توانست تمام سپاه را به یاد پیامبر صلی‌الله علیه‌وآله بیاندازد و آنان را از چنین جنایت بزرگی منصرف کند! سپاهی که بعضاً جزء اصحاب پیامبر صلی‌الله علیه‌وآله بودند. خدای متعال برای تک تک آنان از ظاهر ظاهر تا امور باطنی حجت آورد، اما گفتند: به خاطر بغضی که از علی داریم با حسین علیهما السلام می‌جنگیم! و با چنین شعاری اولین کفر خود را در روز عاشورا علنی اعلام کردند و باعث گمراهی سپاه شدند. امام حسین علیه‌السلام برای این امت شقی، آیه‌ی دیگری نیز آورد و آن علی اصغر علیه‌السلام بود؛ آب را واسطه قرار دادند تا اینان منفعل شوند. آیه‌ی دیگر عطش بود، آیه‌ی دیگر قدرت جنگی اصحابشان و مستأصل کردن دشمن بود، از صبح تا غروب سعی بر برگرداندن تک تک آنان کردند، اما وعده و وعیدهای عمر بن سعد لعنه‌الله‌علیه و دنیاخواهی‌شان باعث شد که چشم بر این آیات الهی و نورانیت و عظمت امام حسین ببندند، در حالی که عظمت امام حسین و حضرت ابوالفضل علیهما السلام در روز عاشورا مثل خورشید می‌درخشید!

اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک

## موضوع شب سوم :

### تغییر مقیاس شهوت در رنسانس علت انفعال نظام نفاق در مقابل نظام کفر و

### بازگشت امت اسلامی به شرایط کفر

در جلسات گذشته عرض شد که تحلیل قیام امام حسین علیه السلام و واقعه‌ی عاشورا و تفاوت قیام ایشان با دیگر معصومین علیهم السلام، بدون توجه به فرهنگ بعثت و شرایط پس از آن، روشن نمی‌گردد. همچنین بیان شد پیامبر و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام، بر اساس «ولایت تاریخی<sup>۱</sup>» خود، مأمور شدند دستگاه نفاق را تحمل نمایند. حکم تاریخی تحمل دولت‌های نفاق تا ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه جریان دارد که این خود می‌بایست اخلاق شیعیان باشد، همان‌طور که تاکنون اخلاق فقهای شیعه بوده و عمل به این حکم، دستور خدای متعال است.

---

۱. «ولایت تاریخی» یعنی ولایت بر توازن بین سه نظام «کفر، نفاق و ایمان» که علم آن مخصوص خدای متعال و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام است و هیچ نبی قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله این علم را نداشته است؛ بلکه قبل از بعثت، تمام انبیاء مرزوق علم اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند و در مصائب و شدائدی که بر آنان وارد می‌شد با توسل به پنج تن آل عبا از امتحانات خود عبور می‌کردند. همچنین بعد از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه نیز پرچمداران توحید نمی‌توانند بدون ذکر مصائب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، از مراحل امتحانات اجتماعی عبور کنند. لذا اگر پژوهشگران تاریخ، به بررسی فلسفه‌ی تاریخ بپردازند اما توازن بین این سه نظام را مورد توجه قرار ندهند، اسلوب و قواعد بحث علمی پیرامون این موضوع رعایت نشده است.

## ۱. ضرورت وجود امام برای مدیریت درگیری دایمی بین پرستش خدای متعال و پرستش طاغوت

### ۱/۱. عینی بودن درگیری بین پرستش خدا و پرستش طاغوت (نه ذهنی و نظری)

در توضیح باید گفت پرستش دو نوع است؛ یکی پرستش خدای متعال و دیگری پرستش طاغوت و همیشه این دو با هم درگیرند. جریان مشیت خدای متعال یعنی مدیریت این درگیری؛ نه یک امر نظری و ذهنی! البته گاهی بحث نظری و ذهنی در فلسفه و کلام برای مجادله با کفار نیز جا دارد، اما پرستش خدای متعال بدین معنا نیست. بلکه جریان پرستش، امام دارد و امام آن پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام هستند.

### ۱/۲. ضرورت دستیابی به علوم جامع الهی و اجتهاد احکام مدیریت درگیری با کلمه کفر

احکام آن نیز بسیار پیچیده‌تر از احکام فقه اصطلاحی است؛ لذا پرستش خدای متعال مانند علوم جامعی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، نیاز به علم تاریخ، علم جامعه‌شناسی، علم مدیریت، علم اقتصاد و... دارد و البته علوم الهی؛ نه مادی! پس اگر پرستش به اعتقاد نظری تعریف نشود و به معنای «درگیری با کلمه‌ی کفر» باشد، آن وقت احکام مخصوص به خود را داراست.

## ۲. ابعاد مدیریت پرستش طاغوت

### ۲/۱. ضرورت استفاده از حربه قدسیت برای رسیدن به شهوت ریاست

قرآن کریم نیز در این موضوع، یعنی درگیری با کفار، بت و بت پرستی، بسیار مبسوط بحث کرده است. زیرا طاغوتیان و کفار، اهل دنیا هستند و تنها زندگی این دنیا را به رسمیت می‌شناسند و همه‌ی امور را برای دستیابی به لذات در این دنیا تجهیز می‌کنند. لذا برای رسیدن به این مقصد، اموال و امور جنسی و

مناصب و دارایی‌های مردم را مدیریت می‌کنند. یکی از بزرگترین لذات، لذت ریاست است؛ یعنی افراد به دور انسان طواف کنند و کارهای او را انجام دهند و نیازهایش را برطرف کنند.

کفار در ابتداء بهترین راه تسلیم کردن مردم را تحکّم و تهدید و زور می‌دانستند تا مردم کارگزار آنان باشند و نیازمندی‌های آنان را تأمین نمایند؛ اما به تدریج برای این که مردم را راحت‌تر تسلیم خود کنند، برای آنان اعتقادات قدسی ساختند و مردم نیز از آنجا که امور ماورائی را فراتر از درک خود تصور می‌کردند، جرأتی برای سوال و اعتراض نسبت به مظالم و رنج‌های ناشی از رفتار متجاوزانه‌ی حکام پیدا نمی‌کردند و عده‌ی دیگری با باور کردن این خرافه‌ها، همه‌ی وجوه خود را خرج صاحبان قدسیت می‌کردند. یعنی سران کفر برای دستیابی به دنیا و شهوات آن، تقدّس و باور عمومی ایجاد کردند و برای بت و بت‌خانه، معبد و قدسیت ساختند و بت‌ها را به عنوان منشأ قدرت در امور مختلف از خورشید و ماه تا باد و باران و... معرفی کردند و آن را به فرهنگ مردم تبدیل نمودند.

## ۲/۲. بت و بتکده، ابزار قدسی مدیریت کفر در رسیدن به شهوات

لذا مدیریت کفر برای رسیدن به شهوات به «فرهنگ‌سازی» مبادرت کرد که نتیجه‌ی آن، بت و بتکده‌ها شد! یعنی از این طریق و با تکیه بر نیازهای دنیایی مردم، برای جامعه «وحدت کلمه» ایجاد کردند. این تعریف شرک و بت‌پرستی است؛ نه یک مفهوم ذهنی در مقابل واجب‌الوجود که در بحث‌های نظری بیان شده است و این که ادبیات قرآن کریم ما را به مبارزه علیه بت، شرک، کفر و طاغوت امر فرموده، مبارزه بر ضد این فرهنگ‌سازی است، نه مبارزه با یک سری مفاهیم نظری!

لذا همیشه فرهنگ کفر به دستگاه انبیاء حمله‌ور می‌شود و هر کس در مقابل آنان بایستد، از نعمات زندگی محروم می‌گردد. به عنوان نمونه وقتی انبیائی مانند شعیب و لوط علیهماالسلام در مقابل قوم خود موضع می‌گرفتند و آنان را به خاطر کم‌فروشی، لواط و... محکوم می‌کردند و راه و رسم زندگی آنان را باطل می‌شمردند و سنگ و چوب و انسان را به عنوان مبدأ قدرت اجتماعی به رسمیت نمی‌شناختند، مورد حمله قرار می‌گرفتند و به قتل و سنگسار و تبعید و... تهدید می‌شدند. یعنی هر کسی که در آن قوم باشد

اما اهل کم‌فروشی و لواط و سایر اخلاق رذیله نباشد، تهدید می‌شد و شغلی به او داده نمی‌شد و هیچ کس با او معامله نمی‌کرد و از تمامی روابط اجتماعی محروم می‌گردید.

قرآن کریم نیز مدام این بحث را تبیین می‌کند که خداپرستی، ضد شرک و بت‌پرستی است و وحدت کلمه‌ی جامعه و حاکمیت کفر به وحدت کلمه‌ی جامعه الهی حمله‌ور است و در درگیری با آن‌ها، باید ایستادگی کرده و آن را مدیریت نمود. یعنی اگر آنان قدرتی به دست آورده‌اند، مؤمنین باید با تدبیرهای خدای متعال و مدیریت انبیاء الهی همراه شده و از این مبارزه و مجاهده‌ی الهی با سلامت عبور کنند تا موفق به تشکیل امت الهی شوند.

### ۳. تغییر مقیاس شهوت در رنسانس علت انفعال نظام نفاق در مقابل نظام کفر

در جلسه قبل بیان شد بعد از هزار سال حکومت کفار، روابط زندگی و ظرفیت شهوت در تمدن غرب تغییر پیدا کرد. با دقت به معماری‌های گذشته در یونان، ایران و... معلوم می‌شود که پادشاهان از میزان محدودی از شهوت بهره‌مند می‌شدند و لذت می‌بردند، اما بعد از رنسانس - از حدود پانصد سال گذشته - به دلیل تحول در ریاضیات و عقلانیت و منطق، تمدن بشری در تمامی ابعاد آن تغییر مقیاس پیدا کرده و نتیجه‌ی آن همین سبک زندگی نوین است که امروز همه با آن روبه‌رو هستند. به عنوان نمونه، ارتباطات از کتبی به نموداری و از روابط اداری به دولت الکترونیک تحول پیدا کرده و امروز می‌توان در یک دهم ثانیه تصاویر را به صورت زنده از آن سوی دنیا دریافت کرد. بنابراین بسیاری از کارآمدی‌ها در همه‌ی عرصه‌های مختلف زندگی، مرهون این علوم و تکنولوژی و فناوری‌ها است که تأمین‌کننده شهوات دنیایی در مقیاس جدید است.

براین اساس دستگاه نفاق، یعنی اهل سنت - که سردمداری آن به عهده‌ی امپراطوری عثمانی بود - در مقابل این وضعیت جدید منفعل شدند و طبیعی هم همین بود که منفعل شوند. چون این امر، از امور شخصی و فردی نبوده، بلکه وصف جامعه، وصف تمدن و وصف دستگاه مدیریتی تمدن موجود می‌باشد. به عنوان مثال، ابرقدرت‌ها در امور نظامی خود، می‌بایست علاوه بر محاسبات کمی سپاهیان و سلاح، امر

دیگری به نام تکنولوژی را نیز موضوع دکترین خود قرار بدهند؛ زیرا کارآمدی ماشین جنگی در تمدن موجود می‌تواند در عرض چند هفته، زیرساخت‌های توسعه‌ی یک کشور را با خاک یکسان کند و عدم توجه به آن، موجب شکست سریع در جنگ می‌شود. لذا با تغییر مقیاس شهوت در رنسانس و تحوّل همه‌جانبه در راه و رسم زندگی - اعمّ از امور سیاسی و امنیتی و دفاعی و صنعتی و هنری و بهداشتی و... - و تجلّی آثار آن در برابر همه‌ی کشورهای جهان و از جمله کشورهای اسلامی، امپراطوری نفاق برای دستیابی به شهوات جدید، دست از کفرستیزی و جهاد با کفّار برداشت و موجبات فروپاشی و تقسیم آن به پنجاه کشور فراهم آمد.

۳/۱. سجده بر آثار ماده (علم و تکنولوژی) در کفر خفی بر خلاف سجده بر ماده (بت

سنگی و چوبی) در کفر جلی، علت عمق پیچیدگی درگیری در دنیای امروز

از این رو، کفر جلیّی که در گذشته به صورت سجده بر سنگ و چوب بود، امروز همگان را به سجده بر آثار ماده و ادار می‌کند و این کار طریق علوم و تحقیقات نوین انجام می‌شود و با تکنولوژی و فن‌آوری در زندگی مردم جاری می‌گردد. یعنی امروزه تمدن مهاجم و فراگیر غرب، بشر را از طریق هویت علمی خود به سجده بر آثار ماده و ادار می‌کند که این وصف جامعه و تمدن آن‌هاست. در واقع این‌طور نیست که افراد در انتخاب این الگو آزاد باشند و بتوانند نوع زندگی خود را انتخاب کنند؛ بلکه انسان‌ها همیشه تحت سیطره‌ی الگوهای تمدن و نظامات اجتماعی می‌باشند.

باید توجه داشت که تولید ثروت، تولید علم و تولید قدرت در تمدن مدرنیته دارای راه و روش خاصی است. رسانه ابزار تولید قدرت است؛ با رسانه کودتا می‌کنند و یک کشور را بهم می‌ریزند که به آن انقلاب‌های رنگی یا مخملی می‌گویند. یعنی یک کار همه‌جانبه‌ی علمی انجام می‌دهند تا حزبی را بر سر قدرت برسانند. لذا نباید گمان کرد که این تغییرات سیاسی دفعتهً اتفاق می‌افتد، بلکه به طور منظم روی تمام کشورها کار اطلاعاتی و امنیتی می‌کنند تا در زمان مناسب با دستور العملی همه‌جانبه، آن نظام را

فروپاشند. وقتی دنیا مقابل این تمدن و سبک زندگی قرار گرفت و دولت نفاق نیز در برابر آن منفعل شد، فقهای شیعه مستقیماً در برابر دستگاه کفر قرار گرفتند و مقابل این استعمار پنهان، قیام کردند.

### ۳/۲. ضرورت مقابله تخصصی با پیچیدگی های تهاجم تمدن کفر

در ادبیات حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری، این مطلب با تعابیری همچون مقاومت در مقابل نظام استکبار بیان می شود. اما باید نخبگان کشور بتوانند رفتار نظام را به صورت قاعده مند و با علم اصول احکام حکومتی به قرآن و روایات نسبت دهند و لذا یکی از مشکلات اساسی نیز در همین است که نمی توان قاعده مند از نظام دفاع کرد. یعنی علی رغم کارها و تلاش های بسیاری که انجام می گیرد تا مردم به ورطه ی انحراف نیفتند، نظام اسلامی برای هزینه ی بیت المال به علوم دانشگاه مبتلاست و ناچار است تا به سبک زندگی غربی، به توزیع ثروت پردازد؛ در حالی که این الگوها مربوط به نظام سرمایه داری و مبتنی بر فاصله ی طبقاتی است!

بنابراین امروز اگر انقلاب اسلامی ایران، در روابط بین المللی و جهانی از تعاریف آنان تبعیت نکند، از نظر آنان محکوم به فناست و همانند پیامبر و مؤمنین قوم لوط و هود باید مجازات شود! لذا از نظر آنان، انقلاب اسلامی ایران می بایست از جامعه ی جهانی حذف شود، چون عملکرد آن در جامعه ی بین الملل به یک استثناء بدل شده و روابط بین المللی دنیا را بهم ریخته است و محور شرارت در منطقه خوانده می شود. بنابراین اگر شرایط و محیط جهانی و بین المللی کفرآمیز شد، همان شرایط دوران امام حسین علیه السلام برای عمل به تکلیف پیش می آید! جنگ امیرالمؤمنین علیه السلام با معاویه لعنه الله علیه بر سر چه بود؟ سر سبک زندگی کاخ نشینی معاویه و بی عدالتی او بود که از سبک زندگی کفرآمیز امپراطوری روم و ایران نشأت می گرفت و معاویه این سبک زندگی را در پوشش اسلام، به کشورهای اسلامی تحمیل می کرد. تنها فرق معاویه با یزید لعنه الله علیهما در همین امر بود که یزید می خواست این پوشش را بردارد و بگوید اصلاً وحی نبوده و آنچه در بعثت اتفاق افتاده، جنگ بر سر قدرت بوده و حقایقی در کار نبوده است و هر کس که قدرتش بیش تر باشد، حاکم خواهد شد. تصریح بر این امر باطل، مقدمه ای بود برای برداشتن اذان، مسجد، نماز، قرآن و بازگشت به کفر جلی قبل از بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله!



### ۳/۳. شعار آزادی ادیان (=هیچ دینی حقیقت ندارد) از طرف تمدن کفر و بیان مغالطه آن

در عصر حاضر نیز همین امر اما با روش جدید و پیچیده‌تری اتفاق افتاده است؛ یعنی وقتی دین صرفاً برای فرد تعریف شد و دارای ایدئولوژی و جهان‌بینی‌ای بود که تنها نگرش فرد را بیان می‌کرد، کفار با شعار آزادی عقیده، دین را بی‌خاصیت کردند؛ با این بیان که هرکس آزاد است هر دین و هر اعتقادی داشته باشد! وقتی دین در دوران غیبت، در منزلت امور شخصی و فردی قرار داده شد، غربی‌ها نیز در منشور سازمان ملل نسبت به آزادی ادیان توافق کردند. باطن این شعار، یعنی هیچ دینی حقیقت ندارد!

### ۳/۴. تعریف از دین اجتماعی کارآمد توسط امام خمینی(ره) علت تبدیل شعار «آزادی

دین» به «مدیریت ادیان» به بهانه «نظم نوین جهانی» توسط غرب

اما زمانی که حضرت امام(ره) قیام کردند و انقلاب پیروز شد، تغییر در وجدان عمومی بشریت نسبت به کارآمدی دین در زندگی بشر بوجود آمد. لذا با پیروزی انقلاب اسلامی، آنان مجبور شدند نسبت به اصل آزادی ادیان واکنش نشان دهند و تئوری «نظم نوین جهانی» را برای هماهنگ کردن ادیان مطرح کنند. یعنی به دلیل قیام فقهای شیعه در منطقه و به خطر افتادن منافع آنها، اصل «مدیریت ادیان» را جایگزین اصل «آزادی ادیان» کردند.

بنابراین شرایط انقلاب، شرایط زمان امام حسین علیه‌السلام بوده است، به این معنا که می‌خواستند کفر را با ادبیات نظم نوین جهانی یا دمکراسی به ما تحمیل کنند، که با عنایات خاصه حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه به فقهای شیعه، پرچم اسلام ناب بار دیگر برافراشته شد و حضرت امام(ره) بحث آزادی و استقلال و استکبارستیزی را مطرح کردند. لذا این امور هستند که احکام پرستش خدای متعال محسوب می‌شوند، نه احکام فقه! البته بدیهی است که احکام فقه - مانند احکام زکات، نماز، حج و... - در این نگاه حذف نمی‌شود؛ بلکه بمتابۀ نرم‌افزارهای مدیریت جامعه و تقرب اجتماعی به سوی خدای متعال به حساب می‌آید. لذا ادبیات انقلاب مانند برخی روشن‌فکران، به بهانه‌ی شعار استقلال و آزادی، به حذف

احکام فقه نمی‌پردازد؛ بلکه احکام فردی فقه نیز در راه و رسم زندگی اجتماعی، جایگاه بهتری پیدا می‌کند.

### ۳/۵. دموکراسی بدون ولایت، شعار خلفاء در غصب خلافت امیرالمؤمنین (ع)

پس پرستش خدای متعال، امام و هدایت‌گر می‌خواهد و هر کس مستقلاً نمی‌تواند مسیر دین و خداپرستی را پیدا کند. البته در هزار سال گذشته که دین و دینداری درگیر مسائل حکومت نبوده، اعتقادات نیز فردی بوده و هر کس وظیفه داشته عقلاً خودش مسیر را پیدا کند. اما در حال حاضر که اسلام دارای حکومت شده است، دیگر این‌طور نیست که هرکس اعتقادات فردی خوبی داشته باشد، به رستگاری برسد. با پیدایش فتنه‌ی سال ۸۸ این مهم، وضوح پیدا کرد. زیرا همه به چشم خود دیدند که عده‌ای از کسانی که اصطلاحاً دین‌دار محسوب می‌شدند و نماز و روزه و تکالیف فردی‌شان را هم به خوبی انجام می‌دادند، یا ضد انقلاب شده‌اند یا با سکوت یا موضع‌گیری اشتباه خود به جبهه‌ی استکبار کمک کردند.

در جریان فتنه‌ی سال ۸۸ عده‌ای خواستند با روش «تئوری قدرت» که در علوم انسانی دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، به قدرت برسند، غافل از آن‌که انقلاب حضرت امام (ره) با «تئوری خلافت» به قدرت رسیده بود!

اولین بار خلیفه اول و دوم، تئوری قدرت را به جهان اسلام تحمیل کردند و شعار «یدالله مع الجماعه» را ترویج کردند در حالی که بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با رأی‌گیری مردم انجام نگرفت و خلافت و جانشینی ایشان نیز در غدیر خم، با دموکراسی و انتخاب اکثریت مردم تعیین نشد! البته همان کار این خلفاء نیز دروغ بود؛ چون روابط اجتماعی آن زمان بر اساس قبیله‌گرایی بود، نه رأی‌گیری از مردم! لذا روابط اجتماعی که پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به وجود آورده بود را تغییر دادند تا مردم را به گمراهی بکشانند و از علی‌علیه‌السلام جدا کنند.

## ۳/۶. ضرورت تئوریزه کردن رفتار امام(ره) در شکستن «تئوری قدرت» و جریان «تئوری

### «خلافت»

البته گمان نشود که بعد از پانصد سال کار فکری که غربی‌ها انجام داده‌اند، می‌توان دفعتهاً از پس این سبک زندگی غربی برآمد! چون گاه شبهه، شبهه‌ی نظری است و گاه با شبهه‌ی عملی مواجه هستیم که جواب عملی به آن بسیار زمان‌بر و پیچیده است. به طور مثال وقتی مردم به رأی دادن و مشارکت در انتخابات عادت کرده‌اند، نمی‌توان بک‌شبهه از این راه و رسم خارج شد ولی باید دانست که لازمه‌ی انتخابات، تحزب و فرهنگ آن است! اما آیا حضرت امام(ره) نیز با حزب به قدرت رسیدند؟! آیا ایشان با احزاب (به شکل رایج آن) کشور را اداره کردند؟! امام(ره) با حزب‌الله قیام کرد و با مساجد و نماز جمعه‌ها، کشور را مدیریت نمود که این هم یک نوع حزب است. اما حزبی که بر اساس اشک بر امام حسین علیه‌السلام دور هم جمع شده‌اند و فداکاری‌های امام حسین علیه‌السلام باعث ایجاد آن شده و امام(ره) از کارآمدی آن درک بی‌نظیری داشتند. لذا ایشان جامعه‌شناسی دیگری داشتند که توانستند انقلاب کنند و آن را اداره نمایند.

اما دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه به دلیل هویت تخصصی خود که به نحو دیگری شکل گرفته، نمی‌توانند از رفتار امام(ره) تعریف و تحلیل قاعده‌مند ارائه دهند تا دپارتمان‌های جامعه‌شناسی را از نظر علمی فتح کنند. لذا نخبگان کشور با گرفتن مدارج علمی علوم غربی، رسانه‌ها و مطبوعات کشور را به نحوی اداره می‌کنند که نتیجه‌ی آن تولید قدرت براساس شهوت می‌باشد. البته اگر این حرف در دهه‌ی ۶۰ زده می‌شد، قابل پذیرش نبود، اما اکنون که مردم هزینه‌های آن را داده‌اند و حوادثی مثل کوی دانشگاه و فتنه سال ۸۸ را دیده‌اند، بیان آن آسان‌تر است.

ماحصل بحث این است که خداشناسی و حرکت با کاروان امام حسین علیه‌السلام امام می‌خواهد. به عبارت دیگر حرکت کردن در مسیر کاروان امام حسین علیه‌السلام به این معناست که برای اعتقادات مان امام داشته باشیم؛ چون رهبر و امام است که به حصن اعتقادات یک ملت بدل می‌شود. عظمت حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری نیز در همین است که عمل به احکام حکومتی قرآن می‌کنند و باعث حفظ

ایمان یک ملت می‌شوند، با وجود این‌که این احکام به صورت تخصصی استنباط نشده است؛ یعنی تازه باب تفکر درباره‌ی فرهنگ موجود و فقه حکومتی و منطق آن باز شده است!

پس اگر حضرت امام(ره) و مردم ایران، امت هدایت‌یافته هستند و مسیری را که آمده‌اند، راه خداپرستی است باید بدانند در ادامه‌ی مسیر و عبور از امتحانات آینده به چه چیزهایی نیاز دارند و از آنجایی که قرآن و روایات خورشید عقلانیت هستند و در هر زمان و مکان می‌تابند، باید ظرفیت مؤمنین در استضائه به قرآن و روایات برای حل معضلات و مشکلات نظام، رشد کند.

### ۳/۷. ضرورت اطلاق ولایت در سرپرستی حکومت الهی به عنوان حکم اولیه در پرستش اجتماعی خدای متعال

سخن آخر این‌که هنوز بعد از هزار و چهارصد سال در فرهنگ مذهب به نحوی از امام حسین علیه‌السلام دفاع می‌شود که دیگر معصومین علیهم‌السلام، تخطئه می‌شوند و نعوذ بالله به سازشکاری متهم می‌گردند. این به دلیل ضعف ریاضیات فهم از قرآن کریم است و الا قصص قرآن کریم، احکام پرستش خدای متعال است. لذا باید بتوان تحلیل کرد گوساله‌ی سامری در عصر امروز بر چه مقوله‌ای تطبیق می‌یابد. در صدر اسلام نیز به خاطر فقدان این تحلیل‌ها، خلفاء توانستند عرفان شهوات را جای عرفان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بنشانند و عقلانیت شهوت را جایگزین عقلانیت قرآن کریم کنند و آن را در فرهنگ عمومی وارد نمایند. این کار خطرناک، نمونه‌ی همان رفتاری است که در قوم یهود اتفاق افتاد و باعث زاویه پیدا کردن آنان از حقائق دینی و گرویدن قوم بنی‌اسرائیل به پیشوایان نفاق شد. اینان نیز با همان اخلاق یهود، توانستند شعار «یدالله مغلوله» را با حذف سوره‌ی مبارکه‌ی «قدر» به مردم تحمیل کنند. سپس با تأویل تک تک آیات قرآن کریم، دین را به احکام فقه فردی محدود کردند. گرچه خود فقه را نیز سالم نگذاشتند و در تمامی فروع نیز دست بردند، اما مهم‌تر از همه این بود که امر ولایت را خود به دست خود گرفتند و گفتند: «پیامبر کسی را نصب نکرده است!» این ادعا، به معنای این است که پرستش خدای متعال،

امام ندارد و این فرهنگ تا انقلاب حضرت امام(ره) ادامه پیدا کرد. با قیام ایشان دوباره این حرف زنده شد که «پرستش خدای متعال امام دارد!» و دین فقط به «ولایت فقه» محدود نمی شود.

بر این اساس «ولایت مطلقه فقیه» به معنای پرستش اجتماعی خدای متعال است که قطعاً امری مطلق و بدون قید است. یعنی این اطلاق در درجه‌ی اول، از لوازمات پرستش است و نه مربوط به شخص خاص! همان‌طور که پرستش ابلیس هم مطلق است، زیرا او نیز نمی پذیرد که حتی یک نقطه از مدیریت عالم به دست دینداران باشد و او نیز می خواهد همه‌جانبه مورد سجده قرار گیرد. لذا این دو دستگاه در عمل با هم درگیر هستند. پس از نظر اعتقادی، اطلاق وصف پرستش خدای متعال است. بنابراین اگر حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری را سرپرست پرستش یک ملت بدانید، منطقی نمی توان گفت ولایتشان مطلق نیست؛ زیرا آنان مسئول پرستشی هستند که قطعاً مطلق است!

#### - ذکر مصیبت:

امشب به روایتی شب شهادت امام سجادعلیه‌السلام است. امام سجادعلیه‌السلام همانند پدر و برادر و اجداد بزرگوارشان، مظهر قدرت هستند، لذا بزرگترین فشار و مصیبت ایشان در حادثه عاشورا این بود که نمی توانستند دست به شمشیر شوند و پدرشان را کمک کنند؛ زیرا امر خدای متعال طوری تحقق پیدا کرد که این وجود مبارک مجبور بودند فقط اخبار شهادت عزیزان‌شان را گوش کنند. یعنی کسی که عالم مسخر اوست، باید تحمل و صبر کند! کسی که غیرت‌الله است باید اسارت عمه‌جانش و محارمش را به چشم ببیند! وقتی وارد کوفه می شوند و می بینند در کوفه جشنی به پا کرده‌اند و مردم هلله می کنند، خطبه‌های علی وار ایشان، باعث پشیمانی و حالت توبه کوفیان شد؛ تا آنجا که دست به شمشیر بردند و قصد قیام داشتند. اما امام سجادعلیه‌السلام فرمودند: «شمشیرهایتان را غلاف کنید، نه بر ضد ما و نه برای ما شمشیر نکشید! شما همان کسانی هستید که برای دنیا قیام می کنید و برای دنیا دست برمی دارید!».

اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک



## موضوع شب چهارم:

عاشورا زیربنای اعتقادات و درخشان‌ترین آیه خدای متعال در

سرفصل دوم تاریخ

و عرفان «اشک، خون و تفقه» سطوح معرفتی آیه‌ی عاشورا

در این چند جلسه، به دنبال تحلیل قیام عاشورا و ارتباط آن با «فلسفه‌ی بعثت» و «فلسفه‌ی انتظار» و ارائه یک نظام از معرفت الهی و ترسیم هندسه‌ی وظایف جامعه‌ی شیعی در شرایط فعلی هستیم.

در جلسه‌ی گذشته این مطلب تبیین گردید که موضوع تحلیل «قیام عاشورا، فرهنگ بعثت و فلسفه‌ی انتظار»، موضوع احکام حکومتی و پرستش خدای متعال است که در این جلسه، بحث تکمیل و به شرایط فعلی و انقلاب اسلامی ایران نیز تطبیق داده خواهد شد.

۱. تاریخی و اجتماعی بودن اقامه کلمه حق در درگیری با کلمه کفر و ضرورت نیاز به

پرچمدار و امام در این درگیری

نکته‌ی اول درباره‌ی خداشناسی این بود که خداشناسی صرفاً یک امر ذهنی و فردی و از سنخ «اذعانٌ للنسبه» و بحث از واجب‌الوجود نیست، بلکه اقامه و جریان خداپرستی، صاحب و امام دارد و درگیری با کلمه‌ی کفر دارای فراز و فرودهایی است که علم آن مخصوص ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام می‌باشد و تنها آنان هستند که می‌توانند امت اسلامی را نجات دهند و هدایت کنند و سفینه‌ی النجاه باشند.

## ۲. تعریف امتحان در بستر جریان فاعل منفی و عبور از آن به وسیله آیات الهی، اصل در

### زندگی این دنیا

نکته‌ی دوم این است که خلقت این دنیا و زندگی در آن، همراه با فاعلیت منفی (دستگاه ابلیس) است. زیرا قبل از اینکه حضرت آدم علیه السلام خلق شوند و زندگی و امتحانات در این دنیا آغاز گردد، زندگی دیگری وجود داشته که پر از لذت و بهجت و انبساط برای مخلوق بوده، اما در نقشه و برنامه‌ی خدای متعال، زندگی این دنیا نیز طراحی شد؛ یعنی زندگی همراه با ابلیس و ائمه‌ی کفر! لذا زندگی در این دنیا همراه با مصیبت و بلایایی است که منشأ آن، دستگاه طغیان است. این یک اصل در خلقت عالم است و بدان معناست که زندگی قبل از این دنیا، با جنس زندگی در این دنیا و امتحانات آن متفاوت است. همچنین نعماتی که خدای متعال قبل از این دنیا به مخلوقاتش عطا می‌فرمود، مربوط به همان سطح بوده و ظرفیت بیشتری برای تکامل نداشته است. اما حال که مخلوقات حضرت حق در این دنیا، در شرایطی قرار می‌گیرند که دستگاه ابلیس به آنان حمله‌ور است، نعمات حضرت حق از جنس دیگری خواهد بود. یعنی تکامل فوق تکامل و لذت فوق لذت در این شرایط معنادار می‌شود. لذا بهشتی که در آسمان اول بوده و حضرت آدم علیه السلام در آن زندگی می‌کرده علی‌رغم آن‌که بنا به روایات دارای تشریفات خاص و نعمت‌های عظیمی بوده، اما قابل قیاس با ابعاد و نعمت‌های بهشت آسمان هفتم - که بر اثر تحمل مصیبت‌های این دنیا به اولیاء الهی عطا می‌شود - نیست.

پس خدای متعال از ابتدا مخلوقاتش را در مشقت و زحمت خلق نفرموده، بلکه در بهشت و در جوار خود خلق فرموده بود، اما با هبوط حضرت آدم، زندگی در این دنیا همراه با شیاطین و ائمه‌ی نار رقم خورد تا حرکت به سوی تکامل فوق تکامل نور و تابعین آنها آغاز شود و لذا طبیعی است که ابعاد بهشت دوم، با بهشت اول بسیار متفاوت باشد. با این نگرش و رویکرد، مسئله‌ی جبر و اختیار واضح می‌گردد.



## ۲/۱. تعریف امتحان به اقامه‌ی خداپرستی در درگیری با نظام کفر به وسیله آیات الهی

پس به عبارت دیگر، اولاً اقامه‌ی کلمه حق و جریان آن در درگیری با کلمه کفر، امری فردی نبوده و دارای امام و صاحب است و ثانیاً در مدیریت و سرپرستی کردن عباد برای درگیری با کفر، «امتحانات» موضوعیت پیدا می‌کند. «امتحان» به چه معناست؟ «امتحان» یعنی ایجاد آیات و نزول معجزات بر خلاف روند زندگی مادی که کفار برای امت‌ها رقم زده‌اند و به همین دلیل است که آنان را به عجز می‌رساند. البته این آیات الهی، متناسب با قدرتی است که ابلیس و ائمه‌ی نار در ساخت تمدن مادی خود به وجود آورده‌اند. لذا موضوع امتحانات به مسائل و مشکلات شخصی، - اعم از فقر مالی یا بیماری‌ها و بلاهای طبیعی که انسان بدان دچار می‌شود - محدود نمی‌گردد؛ گرچه امور فردی نیز سطوح نازل‌تری از امتحان را رقم می‌زنند. باید توجه داشت آیات از طرف کسانی مطرح می‌شود که در امر «پرستش خدای متعال» مسئول هستند و معجزات خود را در درگیری با ائمه‌ی کفر و پیشوایان پرستش طاغوت، به ظهور و بروز عینی می‌رسانند. روح قرآن کریم نیز مشحون از این حقیقت است که خداپرستی بدون امتحان، و امتحان نیز بدون آیه امکان تحقق ندارد. عصر حاضر نیز از این روند مستثنا نبوده و همگی مورد امتحان خدای متعال قرار خواهیم گرفت. یعنی با ختم نبوت و آغاز دوران غیبت نیز نمی‌توان خداپرستی را بدون امتحان و جریان آیات پذیرفت. حال آیه‌ی خدای متعال در عصر حاضر و دوران غیبت چیست؟!

## ۲/۲. ولایت ائمه اطهار (ع) حافظ خداپرستی امت دینی و فقه ابزار ولایت معصوم برای

### هماهنگی در سه مرحله‌ی «امت، حکومت، تمدن»

ابتدا می‌بایست بر این موضوع تأکید کرد که روح قرآن و قصص آن و بیانات معصومین علیهم‌السلام، همه دال بر این مطلب است که ولایت ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام حافظ خداپرستی مردم می‌باشد. در طول تاریخ معجزات پیامبران مانند عصای حضرت موسی، ناقه‌ی حضرت صالح یا احیاء مُردگان توسط حضرت عیسی و معجزاتی که دیگر انبیاء علیهم‌السلام داشته‌اند، در برابر قدرت آن روز کفار قرار می‌گرفته و باطل السحر اقتدار مادی آنان در مقابل چشم مردم بوده است. بنابراین نبوت و امامت اولیاء الهی بدین

معناست که این بزرگواران حافظ پرستش خدای متعال بر روی زمین و حصنی برای اعتقادات می‌باشند. به تبع آن، احکام فقهی نیز «تناسبات پرستش خدای متعال» محسوب می‌شوند و ابزاری برای هماهنگی «امت، حکومت و تمدن» بر محور کلمه‌ی توحید می‌باشند.

### ۲/۳. بازگشت ریشه جنگ و اختلاف و اجبار به نظام کفر به دلیل هجمه آن‌ها به آیات و معجزات نظام ایمان و ایجاد اختلاف در توده‌های مردم

مسئله‌ی دیگر این است که ریشه‌ی جنگ و درگیری به کجا برمی‌گردد؟! ریشه‌ی دعوا و نزاع به کفر برمی‌گردد نه به اهل ایمان! زیرا وضعیت رفتار کفار این گونه است که به هیچ عنوان جاذبه‌ی اهل ایمان را بر نمی‌تابند، چون دستگاه ایمان دارای طمأنینه است و زندگی مؤمنین در این دنیا دارای آرامش است. لذا جاذبه‌ی آیات الهی و اقامه‌ی کلمه حق، می‌تواند مردم را از ظلمات نظام کفر و نفاق نجات دهد و از اطراف حکام ظالم پراکنده سازد و جذب دستگاه ایمان نماید. به‌طور نمونه در روایات ذکر شده که وقتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با قدرت الهی ماه را به دو نیم کردند، دو سوم مردم مکه ایمان آوردند. اما ائمه کفر یعنی رؤسای قبایل با زور و تهدید مردم را وادار به انکار معجزه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله کردند. یا در روایات، ناچه‌ی حضرت صالح‌علیه‌السلام بسیار عظیم‌الجثه توصیف شده است به طوری که می‌توانست نیاز یک شهر به شیر را تأمین کند. یعنی به طور طبیعی مردم معجزات انبیاء را می‌دیدند و برتر بودن قدرت آنان را حس می‌کردند. در واقع آیات الهی، غلبه‌ی قدرت دستگاه ایمان را بر قدرت اهل دنیا به ظهور و بروز می‌رساند. از سوی دیگر، مردم از اخلاق رذیله‌ی کفار در استعمار و ظلم نسبت به اختیارات و اموال و نوامیس خود خسته می‌شدند و با قیام انبیاء، شرایط نجات برای آن‌ها بوجود می‌آمد و امکان آزادی مردم از یوغ شهوات حکام ظالم فراهم می‌شد و لذا مردم بر محور انبیاء الهی جمع می‌شدند. به همین دلیل بود که دستگاه کفر و نفاق، جاذبیت دستگاه ایمان را بر نمی‌تابیدند و دائماً به دستگاه ایمان حمله‌ور بودند، وگرنه دستگاه ایمان همواره اهل منطق و گفت‌وگو بوده و ظرفیت‌های عظیمی برای تحمل و حلم از خود نشان داده است؛ مانند حضرت نوح‌علیه‌السلام که نهصد و پنجاه سال در برابر آزار و اذیت قوم خود صبر کرد. این اخلاق دستگاه ایمان است. پس ریشه‌ی اختلاف به دستگاه کفر و دستگاه نفاق برمی‌گردد که

برای توسعه‌ی شهوات‌شان از هیچ ظلمی دریغ نمی‌کنند و برای توسعه‌ی شهوات خود، جامعه و حکومت ایجاد کرده و سپس برای آن فرهنگ‌سازی می‌کنند و مخالفین خود را از بین می‌برند.

## ۲/۴. ضرورت جهاد با کفار در صورت تمکن، برای نجات اشقیاء و کفار از جهنم در درجه

### اول و تأمین امنیت جامعه‌ی مؤمنین در درجه‌ی دوم

اما وقتی دستگاه ایمان به حاکمیت برسد و قدرت داشته باشد، به احکام دیگری مثل جهاد هم نیازمند است تا به مقابله با ائمه‌ی کفر سرعت دهد. به عنوان نمونه، همیشه دستگاه ایمان سعی بر این دارد که ابتدائاً عموم مردم را با منطق و نشان دادن آیات از امامان کفر و نفاق جدا کند. همان‌طور که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در جنگ با خوارج، توانستند با یک سخنرانی، هشت هزار نفر از سپاه دوازده هزار نفری دشمن را به شک و تردید بیاندازند و آنان را از میدان جنگ خارج کنند. احکام دیگری که نیز نسبت به ائمه کفر و نفاق وجود دارد، ناظر به حذف فیزیکی آنان پس از اتمام حجّت‌های متعدّد و مکرّر است، با این هدف که اصل در تمام این احکام، نجات اشقیاست؛ چون کفار و منافقین نیز بندگان خدای متعال هستند و می‌بایست طوری با آنان سلوک کرد تا از جهنم نجات یابند. دلسوزترین شخص که با تمام وجودش به دنبال این است که کسی جهنم نرود و سعی می‌کند دست همه‌ی عالمیان را بگیرد، حضرت علی علیه‌السلام است و لذا خدای متعال او را «قسیم النار و الجنة» قرار داده است. اوج فداکاری و دلسوزی حضرت در جایی است که حتی می‌خواهد خلیفه دوم را - با آن همه ظلمی که در حق ایشان و حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها روا داشته - از جهنم نجات دهد. لذا هنگامی که او در بستر مرگ می‌افتد، حضرت به دیدن او می‌آیند و به او می‌فرمایند: «اگر الان توبه کنی و به خطای خود نسبت به غصب خلافت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در نزد مردم اعتراف کنی، من نیز حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را راضی خواهم کرد!» اما او نمی‌پذیرد و آتش جهنم را اولی بر ننگ و بی‌آبرو شدنش میدانند! در دوران حضرت موسی و حضرت عیسی علیهما‌السلام نیز انبیاء مدام به دنبال نجات کفار، حتی اشقیاء بودند و این اخلاق دستگاه الهی است.

### ۳. بیان چگونگی امتحانات در بستر تاریخ متناسب با رشد امت‌ها

#### ۳/۱. اصل بودن امتحانات حسی در سرفصل اول تاریخ

قبل از بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله متناسب با هر اتفاقی که در قوم آن پیامبر می افتاد، یک آیه و معجزه نازل می شد. اگرچه نفس حضور انبیاء نیز آیه بود، اما آن چیزی که مردم بدان امتحان می شدند و موضوع امتحان شان قرار می گرفت، معجزاتی حسی و مشهود مانند عصای حضرت موسی علیه السلام بود.

#### ۳/۲. اصل بودن امتحانات عقلانی در سرفصل دوم تاریخ و آیه بودن نفس ائمه (ع)

از بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله، علاوه بر آن که حضرات معصومین علیهم السلام معجزات انبیاء سلف را به همراه داشتند، نفس وجود مبارک شان - که مجرای جریان نور قرآن کریم بودند - نیز موضوع امتحان بشر قرار گرفت؛ زیرا این ذوات مقدس بالاترین درک از قرآن و معارف الهی را دارا هستند و لذا بالاترین افعال نیز از آنان صادر می شود، یعنی از نظر عقلانیت در حد اعلی و دارای هفتاد و دو اسم اعظم هستند. بنابراین هر حرکت معصوم از پلک زدن ایشان گرفته تا قیام و قعود و عبادات او، معجزه گون است؛ چراکه تکوین، تاریخ و اجتماع بر محور حضرات معصومین علیهم السلام می گردد.

### ۴. عاشورا زیربنای اعتقادات و درخشان ترین آیه خدای متعال در سرفصل دوم تاریخ

درخشان ترین آیه که موضوع امتحان مردم شد و باعث ذوب شدن قلوب بشریت در تاریخ گردید، حوادثی است که در روز عاشورا بر امام حسین علیه السلام وارد شد. لذا واقعه‌ی عاشورا بزرگترین آیه‌ی خدای متعال در بین ملت‌هاست و همه بدان امتحان می شوند و با شنیدن خبر این حادثه و ریختن اشک و برپایی عزاداری، صف خود را معین می کنند.

بنابراین «محرّم» آیه‌ی الهی و زیربنای اعتقادات است، نه این که امری مستحب باشد. بلکه رکن در پرستش خدای متعال است و گریه بر مصائب محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله، ندبه کردن و ضجه زدن بر

این مظلومیت‌ها یک واجب اعتقادی است. چون باعث افزایش معرفت توحیدی مؤمنین می‌شود و معرفت توحیدی در قدم اول وابسته به استدلال نیست. بله! آثار و برکات استدلال این است که می‌توان از طریق آن با کفار و اهل نفاق جدال کرد و شبهاتی که منافقین بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله راه انداختند را پاسخ داد. اما مهم‌تر این است که چگونه می‌توان به مقام نوکری امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه دست یافت و به یک «بنیان مرصوص» برای دستگاه دین تبدیل شد.

#### ۴/۱. عرفان «اشک، خون، تفقه» سطوح معرفت در آیه‌ی عاشورا

با ندبه و ذکر مصیبت، معرفت به سطح «اشک» می‌رسد، اما معرفت در سطح دوم به «خون» و فداکاری در راه اسلام نیازمند است و در مرحله‌ی سوم، به «عقل و تفقه» می‌انجامد. پس عرفان اسلامی، عرفان «اشک، خون و تفقه» است! کسی که اشک نداشته باشد، فقیه نیست. کسی که برای دفاع از اسلام در برابر کفر، خونش به جوش نیاید و آماده‌ی شهادت نباشد، فقیه نیست بلکه صرفاً مسائلی را حفظ کرده است اما نمی‌تواند از کیان اسلام دفاع کند. لذا پرچمداران توحید و فقهای عظام شیعه در طول تاریخ غیبت، برای دفاع از اسلام سختی‌ها و مرارت‌های بسیاری کشیده‌اند و از مراحل اشک و خون عبور کرده‌اند؛ گرچه که ممکن است این مراحل برای آنان به امری خودآگاه تبدیل نشده و صرفاً مقوله‌ای وجدانی بوده باشد.

لذا عرفان اسلامی می‌بایست از اشک، خون و تفقه عبور کند تا حصن اسلام شود. ابتدای عرفان - یعنی مسلمان بودن و سیاه لشکری شدن - با نماز و روزه و خمس و زکات است. اما زندگی معرفتی با حج آغاز می‌شود و به زیارت امام حسین و اهل بیت علیهم‌السلام پیوند می‌خورد؛ یعنی زیارت ائمه معصومین علیهم‌السلام مرتبه‌ی بالاتری از عرفان نسبت به فقه دارد. در واقع با ذکر مصیبت، به زیارت میل پیدا می‌شود و با زیارت، معرفت پیدا می‌شود و انسان بوسیله زیارت با معرفت، پاک و طاهر می‌گردد و پس از این‌که قلب پاک و نرم شد، آن وقت دست به جهاد می‌زند.

۴/۲. تشریح حکم تقیه به معنای صبر و تحمل ائمه اطهار نسبت به نظام نفاق برای

نجات اشقیاء از جهنم و تأمین امنیت جامعه شیعه

از طرف دیگر نیز با عمل به حکم تقیه، می توان جاذبه ای ایجاد کرد که بسیاری از افراد گمراه از راه خود بازگردند که این، کار بسیار پیچیده و سختی است. الگوی شیعیان در این حکم نیز کسی نیست جز امیرالمؤمنین علی علیه السلام! پس از آن که همسرشان حضرت زهرا سلام الله علیها را کتک می زنند و ایشان را در بستر شهادت می اندازند، باز این علی علیه السلام است که برای ملاقات آن دو ملعون با حضرت زهرا سلام الله علیها شفیع می شود! علی مظلوم، همه ی آبرویش را خرج این دو نفر کرد تا در مرحله ی اول، خودشان و در مرحله ی بعد کسانی که به خاطر دروغ ها و شبهات آنان، گمراه شدند، از آتش جهنم نجات یابند. چه کسی می تواند کار علی علیه السلام را درک کند؟! حتی بعد از همه ی این فداکاری ها، لعن علی علیه السلام (نعوذ بالله) را بر منابر فریاد می زنند! به حدی که اهل بیت علیهم السلام مجبور می شوند قریب صد سال قبر ایشان را مخفی نگه دارند و بالاخره در دوران امام جعفر صادق قبر حضرت علی علیهما السلام را آشکار کنند.

بنابراین عمل به حکم تقیه و فداکاری ها و صبر و تحمل های ائمه اطهار علیهم السلام بود که باعث شد امروز امامان اهل سنت ناچار باشند نام مبارک و مقدس علی علیه السلام را در تمام خطبه های نماز جمعه به زبان بیاورند. یعنی با این که در دورانی به زبان آوردن نام مبارک ایشان جرم بوده ولی امروزه مجبورند نام مبارک ایشان را در خطبه ها به زبان بیاورند! اگر به همین یک موضوع به درستی دقت شود، نشان دهنده ی سیر مرارت هایی است که ائمه معصومین علیهم السلام کشیده اند! و الا پس از واقعه ی عاشورا، کوفیان به امام سجاد علیه السلام عرض ادب می کردند که اگر شما فرمان دهید شمشیر خواهیم کشید و برای شما قیام خواهیم کرد، اما حضرت فرمودند: زمانی که می بایست امتحان خود را پس می دادید وسط میدان نیامدید و در تاریکی عمیقی فرو رفته اید که به این زودی از آن نجات نخواهید یافت. پس از آن نیز اوج تحول جهان اسلام، در زمان امام رضا علیه السلام بود که تعداد بی شماری قصد قیام علیه حاکمان جور داشتند، اما حضرت می دانند هیچ کدام از این قیام ها براساس فرهنگ انبیاء و «تئوری خلافت» و آن چیزی که در بعثت تشریح شده است، نمی باشد؛ بلکه به دنبال ایجاد وحدت کلمه بر محور شهوات خودشان هستند و در یک

کلمه، حاکمیت را براساس «تئوری قدرت» می‌خواهند. در این دوران نیز حضرت با مظلومیت کنار مأمون می‌ایستند و «تئوری خلافت» را تشریح می‌کنند، لکن مورد پذیرش واقع نمی‌شود و ایشان را نیز به شهادت می‌رسانند و همین مصائب را بر امام جواد و امام هادی و امام حسن عسگری‌علیهم‌السلام نیز روا می‌دارند.

#### ۴/۳. ضرورت ارتقاء فهم دینی و تفقه در «وحدت کلمه، حاکمیت، تمدن» اسلامی به عنوان

##### مقدمه ظهور

در چنین فضایی، به حدی بحث «وحدت کلمه‌ی اسلامی، حاکمیت اسلامی و تمدن اسلامی» در تاریخ گم می‌شود که اگر امروز کسی بر فراز منبری این بحث را مطرح کند، حتی طلبه‌ها هم می‌گویند این واژه‌ها در کجای قرآن آمده است؟! در حالی که تمام قرآن لبریز از همین سه مطلب است. اما چه موانع ذهنی وجود دارد که مانع از فهم عمیق نسبت به قرآن و روایات می‌شود؟! چه غصه‌هایی بر دل امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه است؟! در بسیاری از مطالب و اشعاری که بالای منابر گفته می‌شود، فضا طوری ترسیم می‌گردد که همه آماده‌ی ظهور هستیم اما حضرت تشریف نمی‌آورند! گویی حضرت میل به ظهور ندارند! مگر نه این است که حضرت برای اقامه‌ی حکومت جهانی عدل علی‌علیه‌السلام ظهور خواهند کرد؟! پس آیا می‌شود مؤمنین هیچ درکی از حکومت و حکومت‌داری نداشته باشند و خواهان حکومت علی‌علیه‌السلام باشند؟! آیا نباید مؤمنین به چنین سطح فهم از حکومت جهانی رسیده باشند تا آماده‌ی ظهور گردند؟! در این صورت مگر می‌شود معنای «امت، حکومت و تمدن» در قرآن و احادیث نیامده باشد؟! مگر می‌شود چنین امر عظیمی تشریح نشده باشد؟! جریان طالوت و جالوت در قرآن برای چیست؟! آیا صرفاً برای حفظ کردن است؟! یک آیه از قرآن نیست که در آن «ولایت تکوینی، تاریخی و اجتماعی» معصومین‌علیهم‌السلام را متذکر نشده باشد! متأسفانه امروزه اکثر منبرها در امت شیعه، آیات و روایات را به خصوصیات و انحرافات در انسان‌ها منحصر می‌کنند، نه جامعه و حکومت و تمدن!

۴/۴. تعریف سیاست در اسلام به داشتن حساسیت نسبت به پرستش خدای متعال در تمام

### سطوح جامعه

آیا عزت و اعظین در این است که به این امور نپردازند؟! آیا صحبت از این امور اساسی، سیاسی و جناحی کردن منابر عزاداری است؟! سیاست در اسلام به معنای تعصب داشتن نسبت به پرستش خدای متعال در تمام سطوح یک جامعه است. از مشکلات اساسی این است که منبرها و آموزش و پرورش و آموزش عالی، مردم را برای پرستش خدای متعال در تمام سطوح (نه فقط در سطح امور فردی) پرورش نمی‌دهند و حساسیت آنان را نسبت به این امر حیاتی تحریک نمی‌کنند. در مقابل بارها مقام معظم رهبری فرموده‌اند دارایی شما همین قدرتی است که در دست دارید و هدف دشمن این است که به شما القا کند که چنین قدرتی ندارید. اما متأسفانه برخی این فریب دشمن را می‌پذیرند و عملاً دین را از امور سیاسی به معنای فوق عزل می‌کنند! البته باید گفت تفاوت حال حاضر با صدر اسلام در همین است که امروز این امور از روی «عمد» نیست.

در هر صورت آن چیزی که همه بدان امتحان می‌شوند، فرهنگ عاشورا است و بزرگترین آیه‌ی در قرن بیستم، همین نظام مبارک جمهوری اسلامی است که بر اساس فرهنگ عاشورا و محرم ایجاد شده است. در جلسات گذشته استدلال شد که چرا این دوران، مشابه با شرایط امام حسین علیه‌السلام است و این مشابهت، باعث قیام فقهای شیعه شده است. در واقع اگر فرهنگ کفر ستیزی در نظامات اهل سنت پا بر جا بود، روابط نیز مانند گذشته ادامه پیدا می‌کرد، اما هنگامی که این سنگر حیاتی را واگذار کردند، مسئولیت مبارزه با کفر نیز به دوش فقهای شیعه افتاد.



۴/۵. سجده بر برنامه‌های توسعه پایدار و تکنولوژی مدرن، مظهر بت‌پرستی در قرن

حاضر و موضوع امتحان شیعه و علماء

حال این نکته‌ی مهمی است که می‌بایست از آن درک پیدا کرد که بت‌پرستی در این پانصد سال به صورت سجده بر برنامه‌های توسعه و سجده بر تکنولوژی رواج داشته است.<sup>۱</sup> چون آنان می‌خواهند تمام بشریت را وادار به سجده بر علم، تکنولوژی، سلاح هسته‌ای و... کنند، اما خداپرستان نباید زیر بار این امر بروند و این مهم نیز خارج از خطابات شارع نیست. یعنی همان‌طور که زندگی معمولی انسان خارج از خطابات شارع نمی‌باشد، زندگی در روابط یک نظام مانند بانکداری و کیفیت تولید ثروت و... نیز خارج از خطابات نمی‌باشد. لذا امروز آن چیزی که شیعیان بدان امتحان می‌شوند، همین سبک زندگی آمریکایی است که درگیر آن هستیم. لذا اگر نخواهیم بر این سبک از زندگی سجده کنیم و به دنبال آزادی و استقلال باشیم، محال است که بدون ایجاد حکومت و تولید علوم، ساختارها و سبک زندگی متناسب با نظام اسلامی، دفاعی همه‌جانبه از اعتقادات و عاشورا و محرم را سامان داد و آن حقائق نورانی را در زندگی خود و جامعه جاری نمود. در واقع محرم توانست است «وحدت کلمه‌ی امت اسلامی» را بر محور اشک بر امام حسین علیه‌السلام ایجاد کند و این جامعه در سخت‌ترین شرایط نیز توانسته حیات پیدا کند. اما اکنون که امت دینی دارای نعمت انقلاب نیز شده است، می‌بایست قدم دوم را نیز با تکیه بر محرم و عاشورا برداشت و آن، ایجاد حاکمیت دینی است؛ یعنی حاکمیتی که رفتار آن بر اساس استنباط از دین و قرآن باشد و ادارک جدیدی از جامعه‌شناسی ارائه دهد. این نسخه می‌بایست در حوزه‌های علمیه تولید شود که البته چنین وظیفه‌ای متوجه فقهای شیعه در گذشته نبوده است. پس اکنون موضوع امتحان شیعه، فقهاء و علماء این است که پس از شکل‌گیری امت دینی، چگونه به درک قاعده‌مند از حاکمیت دینی برسند و پرستش خدای متعال را از مسیر یک نظام و حکومت طی نمایند.

---

۱. در اینجا منظور «سجده کردن» است، نه استفاده کردن! چون انبیاء گذشته نیز نمی‌گفتند از سنگ و چوب استفاده نکنید، بلکه می‌گفتند بر سنگ و چوب سجده نکنید! امروز نیز حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری نمی‌گویند از علم استفاده نکنید، بلکه می‌گویند بر علم سجده نکنید!

## ذکر مصیبت:

یکی از مصائبی که پیامبران و خاندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام داشته‌اند، مصائب پیرامون نوامیس‌شان بوده است. اولین زن مقدسه‌ای که به او تهمت زنا زدند، حضرت مریم سلام‌الله‌علیها بود. حضرت لوط‌علیه‌السلام برای نجات سردمداران کفر از جهنم مجبور شدند دخترانشان را برای ازدواج به ائمه‌ی نار عرضه کنند که قبول نکردند. اما آن چیزی که برای انبیاء طرح شد، برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام محقق گردید؛ یعنی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دختران خود را به عثمان دادند و خلیفه دوم، ام‌کلثوم را برای ازدواج به زور از امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام گرفت. بزرگترین جنایت آنان هم این بود که حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را به معرکه کشاندند و در جلوی چشم نامحرمان ضرب و شتم کردند. پس از ایشان، آینه‌ی تمام عیار حضرت زهرا، یعنی زینب کبری سلام‌الله‌علیها را در معرض چشمان شهوت‌آلود ائمه‌ی طغیان، به اسارت کشاندند.

اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک

## موضوع شب پنجم:

### هندسه و ظایف جامعه شیعی و تکالیف مردم نسبت به معجزه انقلاب اسلامی

در جلسات گذشته بیان شد که علت وحدت امت دینی حتی در سخت‌ترین شرایط، محرم و عاشورا و مناقب ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده است که اینان، آیات الهی هستند و این بزرگترین معجزه‌ی خدای متعال است. موضوع امتحانات در سر فصل دوم تاریخ نیز همین آیات الهی است که از جنس انسانی می‌باشد و می‌توان با پذیرش یا انکار آن، بهشت و جهنم خود را رقم زد.

در ادامه بیان شد که انقلاب اسلامی نیز در شرایطی مانند شرایط قیام امام حسین علیه‌السلام به وقوع پیوست؛ یعنی وقتی دستگاه نفاق به تبع فرهنگ «مدرنیته» و «توسعه در مقیاس شهوت» در رنسانس، وظیفه‌ی کفرستیزی خود را برای دستیابی به شهوات خود کنار گذاشتند، پرچم قیام بر ضد کفار برای جلوگیری از بازگشت امت اسلامی به شرک و کفر، به دست فقهای شیعه افتاد.

همچنین تفاوت بت‌پرستی قبل از بعثت و بت‌پرستی در عصر حاضر نیز بیان شد. یعنی با بعثت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بساط بت و بت‌پرستی جلی از روی کراهی زمین برداشته شد اما با تحول و رنسانس در غرب، بت‌پرستی خفی، به معنای پرستش «آثار ماده» از طریق علم و تکنولوژی و با ادبیات سیاسی سازمان ملل، بر جهان سیطره پیدا کرد.

#### ۱. تبیین قیام امام خمینی(ره) در تشکیل جمهوری اسلامی و اثبات معجزه بودن آن

حال در این جلسه به هندسه‌ی وظایف جامعه‌ی شیعی و تکالیف مردم نسبت به معجزه‌ی «انقلاب اسلامی» پرداخته می‌شود؛ زیرا «انقلاب اسلامی»، همانند ناقه‌ی حضرت صالح علیه‌السلام معجزه‌وار بوجود آمده است و انکار آن، انسان را تا نازل‌ترین مراتب جهنم سقوط می‌دهد. از این رو، باید ابتدا حرکت و

قیام حضرت امام(ره) تبیین گردد؛ یعنی باید بررسی کرد چگونه حضرت امام(ره) در قرن بیستم بدون حمایت قدرت‌های بزرگ جهان شاه را از کشور بیرون کرد و دین را به قدرت رساند؟

### ۱/۱. نبرد مسلحانه و مبارزه پارلمان‌تاریستی، دو روش عقلانی در رسیدن به قدرت

به طور معمول راه و رسم علمی رسیدن به قدرت در دنیا دوگونه است: ۱. روش نبرد مسلحانه؛ ۲. روش پارلمان‌تاریستی.

در روش نبرد مسلحانه که دارای چارچوب علمی و قاعده‌ی سیاسی، امنیتی و نظامی است، ابتدا پول‌های کلانی به پای جمعیتی ریخته می‌شود تا بتوانند اسلحه بخرند و با نبرد مسلحانه، قدرت مرکزی یک منطقه را به تزلزل بکشانند و پایه‌های آن را بلرزانند که در نهایت یا آن حاکمیت را فروپاشند و یا در قدرت با او شریک شوند و یا حتی باعث تجزیه آن شوند که این روش در سودان بکار گرفته شد و اخیراً موجب تأسیس کشور سودان جنوبی گردید. این روش در بلوک شرق معمول بود و بر اساس آن، جوانان را با طرح شعار عدالت به میدان می‌آوردند و روی آنان سرمایه‌گذاری می‌کردند. در بسیاری از حرکت‌هاشان نیز موفق بودند و در تقسیم جغرافیای جهانی با ابرقدرت غرب به تفاهم می‌رسیدند.

روش دیگر، روش پارلمان‌تاریستی است که امروز به انقلاب‌های رنگی یا مخملی مشهور شده است، بدین صورت که قدرت‌های سیاسی منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی پشتوانه‌ی یک گروه یا یک حزب قرار می‌گیرند تا با نافرمانی مدنی و مبارزه‌ی نرم، از مجاری به ظاهر رسمی و قانونی به قدرت برسند. لذا مبارزه‌ها به شکل سیاسی آغاز می‌شد.

## ۱/۲. «فرهنگ وحی و ادبیات قرآن» به عنوان خاستگاه اندیشه امام خمینی(ره) علت عدم

### پیروی از روش‌های متداول تئوری قدرت

اما حضرت امام(ره)، نه روش اول را در پیش گرفتند و نه روش دوم را! از این رو، همواره از منظر ادبیات دانشگاه و مبارزین در این فضا، مورد سؤال و هجمه قرار می‌گرفتند؛ زیرا آن‌ها کار ایشان را منطقی نمی‌دیدند که برای مبارزه و سقوط یک حاکمیت، شخصی بدون پشتیبانی و کمک احزاب داخلی و قدرت‌های دنیا یا بدون تشکیل سازمان مسلحانه، بر ضد رژیم شاهنشاهی سخنرانی کرده و اعلامیه دهد و با جمع کردن قلوب مردم پابره‌نه و مستضعف حول کلمه‌ی اسلام، با مرکز قدرت دربیفتد و انقلاب نماید.

در واقع قیام حضرت امام(ره) برخاسته از فرهنگ وحی و ادبیات قرآن بود که در عاشورا تبلور یافته است. لذا نیروهایی به ایشان کمک می‌کردند که در مساجد و هیئت‌های اباعبدالله حسین علیه‌السلام پرورش یافته و با روحانیت ارتباط مستمر داشتند. بنابراین وقتی حضرت امام(ره) شعار استکبارستیزی و قیام بر ضد ظلم را سر دادند، اهالی مساجد و هیئات بودند که به خیابان‌ها ریختند و در سال ۱۳۴۲ جان خود را برای تثبیت قیام حضرت امام(ره) فدا کردند و همین حادثه و دستگیری حضرت امام(ه) باعث شد مرجعیت ایشان با قدرت الهی به تثبیت برسد؛ یعنی ایشان به روش‌های معمول در حوزه به درجه‌ی مرجعیت نرسیدند. در ادامه، مقدمات انقلاب با فوت مشکوک فرزندشان در سال ۵۶ فراهم آمد و در این میان امدادهای الهی به کمک این قیام آمد و لذا امام(ره) مرتباً به این امدادهای الهی اشاره می‌کردند. البته مردم نیز این امدادها را با چشم خود می‌دیدند که تحلیل مفصل آن نیاز به بحث جداگانه‌ای دارد.

## ۲. تبیین حرکت امام در مدیریت انقلاب، معجزه دوم در انقلاب اسلامی

### ۲/۱. عدم ابتلای شیعه به «وحدت کلمه، حاکمیت، تمدن» اسلامی به علت حاکمیت

#### دولت‌های نفاق در گذشته

مطلب بعدی در قیام حضرت امام(ره) توجه به این نکته تاریخی است که به دلیل شرایط به وجود آمده پس از رحلت پیامبر و امتداد آن تا دوره‌ی غیبت حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه - یعنی شکل‌گیری

دولت‌های نفاق - هیچ‌گاه ضرورت استنباط احکام «وحدت کلمه‌ی اسلامی، حاکمیت و تمدن»، محل ابتلای فقهای شیعه و حتی فقیه مبارزی مانند حضرت امام(ره) نبوده است. در واقع امام(ره) عارف، فیلسوف و فقیه و در یک کلمه، جامع معارف حوزوی بودند، اما هیچ‌گاه مسلط به علوم رایج برای اداره یک نظام مانند دکترای جامعه‌شناسی، علم مدیریت، دکترین جنگ‌های نظامی و دستگاه‌های امنیتی و جنگ روانی نبوده‌اند. اما با این وجود، توانستند نظامات موجود دنیا را به چالش کشانده و مدیریت کنند.

## ۲/۲. منطقی و عقلایی نبودن قیام و مدیریت امام(ره) بر مبنای ادبیات حوزه و دانشگاه

گرچه برای کسانی که بر ادبیات دانشگاه و حوزه مسلط بودند، هر رفتار حضرت امام(ره) غیر علمی تلقی می‌شد؛ زیرا چنین رفتارهایی از منظر ادبیات دانشگاه اصلاً منطقی نبود و از منظر ادبیات موجود حوزه نیز کارهای امام(ره) عقلایی نبود، چون چارچوب علوم حوزه به فقه و تبلیغ تعریف می‌گردد و امور حکومت را خارج از وظایف قلمداد می‌شود. حتی عده‌ای بر این باور بودند که هر پرچمی قبل از ظهور بلند شود باطل است و حکومت و حکومت‌داری فقط مختص دوران ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه است.

## ۲/۳. تغییر در جهت‌گیری‌های ماشین «سیاسی، دفاعی، امنیتی» غرب و تکیه به مردم در

### قیام و اداره نظام روش امام(ره)، برخاسته از فرهنگ بعثت و عاشورا

لذا بدون این‌که تعریفی علمی از حاکمیت دینی در ادبیات انقلاب روشن باشد، حضرت امام(ره) سه عرصه‌ی «سیاسی، نظامی و امنیتی» را مدیریت کردند. در امور «سیاسی»، دموکراسی را در اسلام منحل کردند و به نهادسازی پرداختند و بوسیله نمازهای جمعه و مساجد و تشکیل «حزب‌الله» - حزبی که به انگیزه‌ی اشک بر امام حسین علیه‌السلام دور هم جمع شده بودند - دائماً مردم را در صحنه نگه می‌داشتند و کشور را با آن اداره می‌کردند. در امور «نظامی و امنیتی» نیز سپاه و کمیته‌ها، اطلاعات سی و شش میلیونی و ارتش بیست میلیونی (بسیج مستضعفین) راه‌اندازی شد. در حالی که چنین مقوله‌هایی برای نخبگان

علمی نامفهوم بود؛ زیرا یکی از ابعاد کشورداری و امور سرّی و محرمانه‌ای که مردم در آن مشارکت داده نمی‌شوند، همین سه مقوله‌ای بود که حضرت امام(ره) به مردم واگذار کرد.

بنابراین حضرت امام(ره) با این‌که دروس علوم سیاسی و نظامی و امنیتی را نخوانده بودند، توانستند یک کشور را از بحران‌های بی‌سابقه‌ای عبور دهند که تمام قدرت‌های نظامی، اطلاعاتی و سیاسی شرق و غرب بر ایران تحمیل می‌کردند. همه‌ی این امور در شرایطی بود که در داخل نیز غیر از جبهه‌های ضد انقلاب، متخصصین علمی با طرح سؤالات و شبهاتی مبتنی بر تخصص خود، جهت‌گیری‌های امام را به چالش می‌کشیدند.<sup>۱</sup>

#### **۲/۴. تداوم راه امام (ره) بوسیله‌ی حفظ دستاوردهای سیاسی و ورود به عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی از طرف مقام معظم رهبری در مدیریت نظام**

پس حضرت امام(ره) به نحو معجزه‌گون و بر اساس احکام پرستش خدای متعال - که در جلسات قبل بیان شد - و با عنایات حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه این امور را پیش بردند. پس از آن که چنین ثباتی در بخش سیاسی، امنیتی و دفاعی برای نظام اسلامی پیدا شد، مقام معظم رهبری نیز همان روش حضرت امام(ره) را در بخش‌های اقتصاد و فرهنگ استفاده کردند که البته ورود به چنین لایه‌ها و عرصه‌هایی نیز بسیار پیچیده است. زیرا تمدن موجود، «اقتصاد محور» است و بخش اقتصادی آن بر بخش سیاسی و امنیتی حاکم است. لذا فتح این عرصه‌ها نیز مشکل‌تر خواهد بود؛ همان‌طور که بخش فرهنگی،

---

۱. مقام معظم رهبری می‌فرمودند: در اوایل جنگ بعد از جلسه‌ی شورای عالی دفاع، چند تن از امرای ارتش در گوشه‌ای مرا خواستند و صحبت کردند که شما یک مطلبی را به گوش امام(ره) برسانید و آن این که ما با این مجموعه‌ی ادوات و توانمندی‌های جنگی، بیش از یک ماه توان جنگیدن نداریم. مطلب مورد دقت در این جا این است که این حرف را کسی می‌زند که ضد انقلاب نیست، بلکه کسی است که دکتری جنگ گرفته و دوستانه، تخصص خودش را عرضه می‌کند. در هر صورت وقتی چنین حرفی به گوش حضرت امام(ره) رسید، ایشان لبخندی زدند و فرمودند: «شما می‌توانید تا آخر جنگ با همین ادوات بجنگید.» و این چنین خاطراتی از سرداران در هفته‌های دفاع مقدس بسیار نقل می‌شود که تمام آن‌ها معجزه است.

رسانه، هنر و آموزش و پرورش و غیره نیز پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. بنابراین مقام معظم رهبری نیز با طرح مسائلی چون تحول در آموزش و پرورش، اسلامی شدن دانشگاه‌ها، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سبک زندگی و... سعی بر این دارند که متخصصین و نخبگان حوزه و دانشگاه را برای تولید این موضوعات به صحنه بیاورند و از آنان مطالبه‌ی دائمی برای کار فکری داشته باشند. در حالی که ایشان نیز مانند حضرت امام(ره)، تخصص علمی مدیریتی و سابقه‌ی دروس دانشگاهی به نحو مصطلح را ندارند، اما معجزه‌ی ادبیات انقلاب در همین است که قدرت مباحثه در این امور را دارد و لذا متخصص‌های برتر در رشته‌های مختلف دور ایشان جمع می‌شوند و در مدیریت کشور مشارکت می‌کنند.

### **۳. ضرورت استنباط احکام «وحدت امت، حاکمیت، تمدن» اسلامی به عنوان امتحانات**

#### **فقها در عصر حاضر**

پس بنا به آنچه در این جلسه و جلسات گذشته بیان شد، امروز نظام اسلامی در اضطرار علمی قرار دارد زیرا فقهت نتوانسته احکام «وحدت جامعه‌ی اسلامی» و «حاکمیت دینی» و «تمدن الهی» را استنباط کنند که البته قبل از انقلاب نیز فقهای عظیم‌الشأن شیعه مبتلا به استنباط این احکام نبوده‌اند. علی‌رغم چنین خلأ بزرگی، نظام اسلامی جلو آمده و به نظر ما بالاترین راندمان و کمترین ضعف را داشته است و برشمردن نقاط ضعف توسط مقام معظم رهبری، نشانه‌ای از تقوای ایشان است. به نظر می‌رسد براساس توجه به اضطرار علمی اگر محورهای ضعف نظام اسلامی با تاریخ تکامل مدرنیته در غرب مقایسه گردد، معنای ضعف نخواهد داشت.

### **۳/۱. وظیفه‌داشتن کمک به نظام حتی برای مخالفینِ حوزوی انقلاب، به دلیل حاکم بودن**

#### **زندگی اجتماعی بر زندگی فردی**

حال تکلیف امروز ما نسبت به انقلاب چیست؟ یک روی کلام با کسانی است که انقلاب و نظام اسلامی را قبول ندارند یا در عمل احساس وظیفه‌ای نسبت به انقلاب ندارند و قائلند دین در دوران غیبت،



چنین وظیفه‌ای از ما نخواست است. باید به این افراد گفت اگر این انقلاب و نظام نبود، حتماً شما در محیط خود، تحت یک نظام و تمدنی زندگی می‌کردید؛ زیرا امروزه هیچ کس در خلاء حکومتی و تمدنی زندگی نمی‌کند و قطعاً آن نظام و لوازمات تمدنی‌اش، باعث محدودیت‌هایی برای دین شما و پرستش خدای متعال می‌شود، زیرا فرض بر این است که آن نظام، یک نظام اسلامی نیست؛ حال با این محدودیت‌ها چه می‌کنید؟! اگر نگاهی عمیق به نظامات و سبک زندگی تمدن موجود شود، ملاحظه می‌کنید حتی یک پاسبان محله هم نمی‌تواند هیچ‌گونه آزادی در زندگی شخصی خود داشته باشد؛ یعنی اختیارات خود، ناموسش و مالش تحت امنیتی است که دولت‌های ظلمه تعریف می‌کنند.

حال اگر رهبر و مسئولین نظام پیرامون چگونگی اداره‌ی امور مالی، رسانه و... از متخصصین حوزه و دانشگاه درخواست کمک داشته باشند، آن‌گاه وظیفه‌ی این افراد چیست؟! بر اساس آنچه بیان شد اگر مسئولین این نظام اسلامی به اسم دین سرکار آمده باشند یا حتی اگر کافر یا منافق یا لیبرال باشند اما از این افراد (که انقلاب را قبول ندارند) درخواست کمک علمی داشته باشند، حجت بر آن‌ها تمام است، چه رسد به این که یک فقیه جامع‌الشرایط در رأس نظام باشد و روحانیت در اداره آن، مشارکت داشته باشد. امروز نظام اسلامی این مطالبه را دارد که چگونه اداره‌ی نظام از بطن قرآن استخراج شود و با این امر، حجت بر همه‌ی نخبگان تمام شده است و وظیفه دارند مدلی را از بطن قرآن و روایات استنباط کرده و به نظام ارائه دهند. این بیان، محاجّه‌ای بود با کسانی که انقلاب و نظام اسلامی را نپذیرفته‌اند اما مدعی جامعیت اسلام و قائل به ختم نبوت هستند، بدین معنا که هر آنچه نیاز بشر بوده، خدای متعال تشریح فرموده است.

اما به معتقدین و علاقه‌مندان انقلاب و نظام اسلامی که می‌خواهند از تمام بضاعت‌شان استفاده کرده و مسائل نظام را حل کنند، باید گفت با تکیه بر اعتقادات و فقه فردی تنها می‌توان به صورت روبنایی از

انقلاب دفاع کرد؛ زیرا اگر اخلاق به صورت «فردی» معنا شود، نمی‌توان آن را به «وصف جامعه و سازمان» تبدیل کرد که این ناتوانی قهراً به معنای عزل دین از حاکمیت و مدیریت است!<sup>۱</sup>

### ۳/۲. فقدان منطق و عقلانیت تخصصی پیرامون امور اداره حکومت از طرف ادبیات حوزه

#### علت انحلال دین در تمدن موجود (در آینده) توسط علوم انسانی مادی دانشگاه

در همین جا باید تأکید کرد که برای تولید وظیفه، دو مرکز وجود دارد: یکی حوزه و دیگری دانشگاه است؛ از حوزه، «رساله‌های عملیه» بیرون می‌آید و از دانشگاه «احکام برنامه‌های توسعه»! علوم حوزه، استاتیک است و علوم دانشگاه، دینامیک! مانند این می‌ماند که یک طرف با سپر و شمشیر بجنگد و طرف دیگر با موشک و بمب هسته‌ای! یک طرف وظیفه‌ی فرد به فرد را تعیین می‌کند اما طرف دیگر گویا موتوری پویا دارد که دائماً در حال تولید وظیفه‌ی اجتماعی است و از آنجا که منطق و عقلانیت قوی‌تری دارد و می‌تواند تغییرات عینی را کنترل کند، قادر است تا از احکام فقهی به نحوی ترکیب‌سازی کند که نتیجه‌ی آن، تحقق مقاصد مادی باشد. لذا از طرفی با وجود این‌که فقه نورانی است، اما نمی‌توان آن را پیاده کرد و از طرف دیگر تأمین سعادت بشر خارج از چارچوب فقه ممکن نیست!؟

پس باید به این سوال مهم پاسخ داد که اگر در مسیر تکامل ظرفیت شیعه، ظرفیت عقلانیت شیعیان به سطح و افق حکومت نرسد، چگونه در دوران ظهور می‌توانند گوش به فرمان امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه باشند؟! چرا حوزه‌های علمیه نسبت به این مطلب دغدغه ندارند؟! چرا حوزه‌های علمیه نسبت به سفارشات علمی مقام معظم رهبری مانند تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سبک زندگی اسلامی و غیره حضور فعال ندارند و این امور را خارج از موضوع دین می‌دانند؟! امروز در منبرهایی که با موضوع

---

۱. آثار این مسأله در حوادثی مانند انتخابات ریاست جمهوری نمایان می‌شود؛ یعنی علی‌رغم آن‌که برنامه‌های کاندیداها از احکام توسعه غربی گرفته می‌شود، می‌بینیم انقلابیون یا اصول‌گرایان جاهلانه از یک کاندیدای خاص حمایت کرده و بدون علم، برنامه‌های او را تأیید می‌کنند.

سبک زندگی است چه اموری مطرح می‌شود؟! آیا سبک زندگی اسلامی این است که به مردم بگوییم غیبت نکنید، دروغ نگوئید، حجاب را رعایت کنید و ربا نخورید؟! مخاطب این نوع منبرها، «افراد» هستند، نه «الگوها و نرم‌افزارهایی» که محیطی عینی و شرایطی مادی برای پرورش اخلاقی افراد ایجاد می‌کنند! در حالی که مقام معظم رهبری، سبک زندگی اسلامی را به «نرم‌افزار» تمدن نوین اسلامی تعریف نموده‌اند،<sup>۱</sup> نه امور فردی اشخاص! علاوه بر آن، مگر حوزه‌های علمیه برای افراد کدام تدابیر تربیتی را بکار برده‌اند که انتظار رعایت تمامی احکام فقه را از آنان دارند؟

بنابراین چون حوزه‌های علمیه نسبت به «کیفیت تطبیق صحیح احکام رساله‌ها» بر موضوعات و ابعاد اداره‌ی یک حکومت توجه نداشته‌اند و پیرامون آن کار فکری دقیقی انجام نداده‌اند، دانشگاهیان در موارد و موضوعات عینی که به احکام رساله مربوط هستند، کار فکری کرده و سی و پنج سال است که ترکیب‌سازی جدید می‌کنند. به‌طور نمونه شرکت و بانکداری را به عقود شرعی تطبیق می‌دهند؛ در حالی که بر اساس احکام شرکت در اسلام، با مخالفت هر یک نفر، دیگران نمی‌توانند در اموال شرکت تصرف کنند، ولی در شرکت‌های متداول، مالکیت حقوقی به رسمیت شناخته می‌شود به نحوی که اختیارات افراد به تصمیمات سهام‌داران اصلی مقید می‌گردد. با این حال، علوم دانشگاه با ترکیب‌سازی جدید در عقود شرعی، شرکت‌های به ظاهر اسلامی را طراحی می‌کنند که حقیقتاً ضد اقتضائات احکام شرکت عمل می‌کنند و باعث تجمع سرمایه می‌شوند. زیرا بر این باورند که نمی‌توان کارخانه‌ها را مانند یک دکان ساده خریداری و اداره کرد بلکه باید برای راه‌اندازی تولید انبوه، سرمایه را تجمیع کرد و پیشرفت اقتصادی بدون «تکثیر ثروت» ممکن نیست. لذا متدینین را به تنظیم قوانین شرکت‌ها بر اساس تعریف آمریکایی ملزم می‌کنند و فقه موجود نیز آن را امضاء می‌کند که نتیجه‌ی آن، شکل‌گیری بخش خصوصی (نه به معنای بخش مردمی) در کشور و سرازیر کردن بیت‌المال به سمت این بخش است تا تولید رونق بگیرد.

---

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی؛ ۱۳۹۱/۷/۲۳.

حال آیا احکام الهی اجازه می‌دهد تا با این توجیه‌ها منابع و مقدرات کشور اسلامی تحت کنترل قشر سرمایه‌دار درآید؟<sup>۱</sup>

البته بدیهی است که در درگیری با محصولات نظام سرمایه‌داری نمی‌توان یکباره مانند حکومت طالبان، تصمیم گرفت و فوراً شرکت‌ها و بانک‌ها را تعطیل کرد. همچنین در رابطه با رسانه، نمی‌توان به علت حکم حرمت پخش موسیقی، رسانه را تعطیل کرد؛ زیرا علی‌رغم تمام مشکلات ناشی از رسانه، کارکردهای مثبتی هم برای حفظ انقلاب در این دستگاه دیده می‌شود. لذا هدف از بیان این مطالب، این است که چرا حوزه‌های علمیه و معتقدین به نظام اسلامی نسبت به لوازمات و احکام تمدن و سبک زندگی موجود تأمل نمی‌کنند؟! آیا این مسائل، موضوع امتحان خود و جامعه‌شان نیست!؟

البته این اشکال، متوجه مردم نیست و مردم باید به زندگی فعلی ادامه دهند و برای آن‌ها تمام روابط بانکی و امثال آن حلال می‌باشد، اما نخبگان حوزه باید توجه به لوازمات آن داشته باشند. مشکل حوزه در برخورد با موضوعات اداره‌ی کشور، به فقدان منطق و عقلانیت و ریاضیات پیرامون امور حکومتی باز می‌گردد. ریاضیات فهم در حوزه‌های علمیه به منطق و اصول و فلسفه برمی‌گردد و دیگر علوم از شقوقات این‌هاست. چنین ریاضیاتی مربوط به قبل از رنسانس است؛ در حالی که بعد از رنسانس، ریاضیات فهم در مراکز تحقیقاتی با منطق سیستمی انجام می‌گیرد و حوزه با هندسه‌ی اقلیدسی می‌خواهید به جنگ هندسه‌ی نااقلیدسی (ریاضیات تمدن شرک‌آمیز غرب) برود و طبیعی است که به نتیجه نمی‌رسد. لذا اکثر مراکز تحقیقاتی در حوزه ناخودآگاه دچار دینامیزم قرآن یا - به تعبیر مقام معظم رهبری - «سکولاریسم پنهان» می‌شوند.

---

۱. نمونه‌ی دیگر این‌که در همایش بررسی موانع و مشکلات ازدواج در قم، این راه حل ارائه شد که باید احکام اسلام، یعنی تعدد زوجات و متعه در جامعه راه بیفتد. در حالی که اگر برای این احکام الهی و نورانی، ساختار حکومتی و اسلامی تولید نشود، عملاً به روکشی برای ساختارهای فحشاء در تمدن موجود تبدیل می‌شوند؛ همان‌طور که احکام مضاربه، مساقات و جعله به روکشی اسلامی برای بانکداری مبتنی بر ربا بدل شده است. لذا تا زمانی که آن ساختارها شکسته نشود، احکام ازدواج و تعدد زوجات و متعه نیز ماشین امضایی برای ساختارهای تمدن مخرب و فاسد غربی خواهد شد.

پس آسیب اصلی این است که دین‌داران نمی‌توانند برای اقامه‌ی احکام اسلامی (یعنی فلسفه اصلی قیام امام حسین علیه‌السلام) ساختارسازی کنند و گمان می‌کنند مشکلات صرفاً از طریق تبلیغ احکام و معارف اسلامی حل می‌شود. لذا بر منابع مرتباً مشکلات جوانان را به گردن پدران و مادران می‌اندازند و آنان را مقصر می‌دانند و از طرف دیگر مدام جوانان را نصیحت می‌کنند! در حالی که امروز نظام و بیت‌المال به دست روحانیت است و تمام فرزندان این مرز و بوم، فرزندان اسلام هستند؛ زیرا همه در زیر بیرق شیعه و حکومت دینی هستند. بنابراین متکفلین امور مذهب باید الگو و سبک زندگی اسلامی را به آن‌ها ارائه دهند تا جوانان ما در فضای این الگو رشد کنند.

۳/۲/۱. محدود شدن حوزه به «ملاحظه‌ی لوازمات عقلایی فرهنگِ مولویت»، علت عدم داشتن

#### تحلیل نسبت به مسائل حکومت

به نظر می‌رسد ناتوانی متولیان دین‌داری از شناخت صحیح آسیب‌ها و علل آن‌ها، به منطق و ریاضیات فهم آنان برمی‌گردد.<sup>۱</sup> به عنوان نمونه اگر از ابتدا تا انتهای اصول و فقه مورد دقت قرار گیرد، مشاهده می‌شود که تنها یک درک از مدیریت وجود دارد و آن مدیریت به روش «اذا أمر مولا بعبده» می‌باشد که مربوط به قبل از رنسانس است، اما مدیریت امروز در سراسر کره‌ی زمین بر اساس فرهنگ «مشارکت» بنا شده است و در آن، هیئت مدیره یا مجالس تصمیم‌گیری وجود دارد. البته بالاتر از مدیریت مولویت و مشارکت، مدیریت «حادثه‌سازی» است و مدیریت خدای متعال و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام نیز از همین سنخ است که در جلسات گذشته به تبیین آن پرداخته شد؛ یعنی مدیریت ایجاد آیه و امتحان! اما در ادراکات متداول از مذهب، تنها یک درک از مدیریت وجود دارد.

---

۱. مانند این است که در محاسبات ریاضی، یک یکان، با یک دهگان و یک صدگان، برابر دانسته شود. زیرا منطق صوری می‌گوید «یک که همان یک است و فرقی ندارد»، یعنی نمی‌تواند برای آن کیفیت در نظر بگیرد و لذا هر سه را دارای یک ماهیت می‌داند. در حالی که اگر یک یکان، با یک دهگان و یک صدگان فارغ از جایگاه آن، زیر هم قرار گیرند و جمع زده شوند، حاصل جمع ۳ می‌شود، اما اگر هر کدام از این یک‌ها سر جای خود قرار بگیرد، جواب بسیار متفاوت خواهد بود.

اگر نرم‌افزاری که برای استخوانه از قرآن کریم و روایات به کار می‌رود، مصنوع ماست، باید ریاضیاتش تکامل یابد و در آن ریاضیات (اصول فقه)، تعبد جریان یابد تا بتوان بوسیله آن، فقه احکام حکومتی را تولید کرد. زیرا وقتی بحث کفر و ایمان به میان می‌آید، باید تعبد در جریان ریاضیات احراز گردد. چون عقل هم مخلوق خدای متعال است و مانند دیگر مخلوقات دارای مناسک خاصی برای رشد است و در اندیشدن نیز باید انضباط شرعی را رعایت کرد! تولید این منطق و ریاضیات جدید، موضوع امتحان شیعیان در قبل از ظهور است تا بتوانند «حاکمیت و تمدن مقاومتی» را قبل ظهور طراحی نمایند.

### ۳/۳. زمینه‌ی ظهور: ارتقاء سطح خدمت‌گذاری به امام زمان (عج) در سطح ایجاد تمدن

#### اسلامی

پس به‌طور خلاصه، شیعه امروز در دوره‌ی دوم تاریخ زندگی می‌کند و لذا دچار امتحانات عقلانی است و باید کثافات عقلانیت خود را دفع کند. پرچمداران این مطلب نیز در هزار سال اخیر مراجع و فقها بوده‌اند که به حق، وظایف خود را به نحو احسن انجام داده‌اند و در برابر قیاس، استحسان و انحرافات عقلانی دیگر ایستادگی کرده‌اند. لذا اجتهاد ما اجتهاد سالم است؛ گرچه برای شرایط امروز دارای نقص است. از این رو اگر کاری صورت می‌گیرد، می‌بایست مجتهدانه باشد و در یک کلام نباید سر از روشن‌فکری و دینامیزم در بیاورد. بنابراین فقط با اخلاق مراجع و فقهاء شیعه - که مبتنی بر تعبد و تسلیم در برابر شارع مقدس است - می‌توان تحولی را رقم زد. وظیفه‌ی حوزه‌های علمیه این است و نباید فقط به گذشته خود تمسک کنند و حل مشکلات را صرفاً به حکومت جهانی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌حواله دهند. زیرا فقط با رفع همان مشکلی که باعث غیبت حضرت شده است، ظهور واقع می‌گردد. پس شیعیان باید از این عقبه‌ها و امتحانات عقلانی عبور کنند و بتوانند برای اداره‌ی حکومت اسلامی الگو تهیه کنند تا ظرفیت خدمت‌گزاری خود به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه را تکامل دهند، یعنی شیعه باید به ظرفیت خدمت‌گزاری برای حضرت ولی‌عصر برسد تا آن حضرت تشریف بیاورند.

البته پس از این که شیعیان موفق به ساخت تمدن مقاومتی می‌شوند، اهل نفاق با کفار همدست شده و دوباره شیعه را مورد حمله قرار می‌دهند. یعنی هنگامی که راه و رسم زندگی در ساختارها اسلامی شد و اخلاق حسنه به وصف سازمانی برای نظام دینی بدل گشت، کفار و منافقین عالم این تمدن را نمی‌پسندند و روبه‌روی مؤمنین خواهند ایستاد و بالاترین فشارها را بر دستگاه ایمان وارد می‌کنند تا از طریق این مصائب، بلوغ تفقه در خدمت‌گزاری به حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه رقم بخورد و شرایط برای ظهور حضرت فراهم شود. بنابراین تمام مسائلی که مطرح شد برای رسیدن به این سطح از بلوغ است که شیعه بدون حضور امام خود و با عقل، به بالاترین درجه‌ی استضائه از قرآن و روایات و احادیث برسد. اما با ظهور حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه عقل‌ها چهل برابر می‌شود که این آغاز زندگی با کرامات انبیاء و اولیاء الهی است. پس از آن، عالم رجعت آغاز دنیای دیگری است و تمام وعده‌های الهی و بسیاری از آیات قرآن که امروزه امکان تحقق ندارند، در آن دوران محقق می‌شود.

#### ۳/۴. ظهور و بروز عرفان حقیقی به عنوان موضوع امتحانات دوران ظهور (نه امروز)

بنابراین آن زندگی که خدای متعال در بعثت تشریح فرموده و وعده‌ی تحقق آن را داده است، جز در دوره‌ی ظهور محقق نخواهد شد. زیرا غیر معصوم قدرت فراهم کردن آن زندگی را ندارد بلکه آن زندگی آرمانی تنها توسط امام زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه و در عالم رجعت نیز توسط ائمه معصومین علیهم‌السلام محقق می‌شود. حیات در آن دوران همراه با کرامات انبیاء است، یعنی همان زندگی که حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها به مردم می‌فرمود: «اگر ولایت‌تان را دست علی علیه‌السلام بدهید، در همین دنیا تمام نعمت‌ها در اختیارتان قرار خواهد گرفت.» همان زندگی که در آن، اثر نماز که «معراج المؤمن» و «تنهی عن الفحشاء و المنکر» هویدا و محسوس می‌شود! و دیگر لازم نیست کنار نماز خواندن، یک دستگاه عرفانی (چله‌نشینی و...) برای خودسازی تولید شود؛ زیرا عرفانی که خدای متعال آن را تدارک دیده نماز و روزه و حج است. همان زندگی است که وقتی در روایت می‌فرماید: «وضو، انسان را نورانی می‌کند.» حقیقتاً نورانیت خود را می‌بیند! همان زندگی است که در روایت می‌فرماید: «هنگامی که حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه ظهور می‌کند، دست مبارکش را بر سر مردم می‌کشند و عقولشان چهل برابر

می‌شود.» و دیگر نیازی به علوم دانشگاه‌ها نیست و ابزارآلات تکنولوژی مثل هواپیما، کامپیوتر، موبایل و... به موزه‌ها می‌رود، همان‌طور که امروزه بت‌های زمان جاهلیت، به صورت آثار باستانی در موزه‌ها نگاه‌داری می‌شود. در آن زمان با این‌که سپاه اسلام را انسان‌های عادی تشکیل می‌دهند - نه انبیایی چون موسی و عیسی علیهما السلام - اما صدای سنگی را می‌شنوند که می‌گوید: «پشت سر من یک منافق مخفی شده است!» همان زندگی که در روایت می‌فرماید: «در زمان ظهور، زنان خانه‌دار بچه‌هایشان را بر اساس قرآن کریم تربیت می‌کنند و با آنان سلوک خواهند کرد.» اما در حال حاضر اگر خانمی علاقه به قرآن پیدا کند، چقدر باید به خودش فشار بیاورد تا حافظ کل قرآن کریم شود. البته همین تعداد از حافظان قرآن در کشور نیز به برکت حکومت جمهوری اسلامی است، اما آمار طلاق نشان می‌دهد که در زندگی مردم فرهنگ قرآنی کم‌رنگ است. در دوره‌ی ظهور بچه‌ها با فرهنگ قرآنی تربیت می‌شوند و آن را به صحنه‌ی عمل می‌آورند.

همان زندگی است که عمر انسان‌ها هزار ساله می‌شود. علاوه بر آن، تغییراتی که در عالم تکوین به وسیله‌ی گناهان بشر ایجاد شده و یا بدان ضربه خورده نیز به حالت اول برخواهد گشت. مثلاً اگر زمین و خورشید و ستارگان و غیره به دلیل گناهان بشر تغییراتی کرده است، به حالت اول برخواهد گشت و یا حیواناتی که موزی شده‌اند، اهلی خواهند شد و یا اگر گیاهانی دارای خار یا سم شده‌اند، اثرات منفی آنان از بین خواهد رفت و همگی به برکت وجود امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه خواهد بود.

بنابراین اگر در روایات دقت شود، تصویری از زندگی خواهید یافت که همراه با کرامات همه‌ی انبیاء و اهل‌بیت‌علیهم‌السلام است و مردم عادی هم به دلیل تسلیم بودن‌شان نسبت به ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام دارای این کرامات می‌شوند و می‌توانند روی آب‌ها راه بروند و طی‌الارض کنند و... لذا تمام نعمت‌هایی که در دوران رجعت به مردم عطا می‌شود همه از برکت ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام در زمان رجعت و حضور دوباره‌ی ایشان است؛<sup>۱</sup> اگر در حضور اول آن بزرگواران، همه را به شهادت رساندند، ولی بعد از

---

۱. البته بارها بیان شده است و در این‌جا نیز یک‌بار دیگر خاطر نشان می‌گردد که حتماً باید بر سند و دلالت روایات بررسی گردد و راه و رسمی که فقها در فقه و احکام پیش گرفته‌اند، در مورد روایات اعتقادی و اخلاقی هم اعمال شود. البته در وضعیت مطلوب این کار باید با «سازمان تفقه» و تقسیم کار بین هزاران فقیه انجام شود.



چند هزار سال که مردم هزینه‌های ناشی از عدم تبعیت خود نسبت به ولایت ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام را پرداخت کردند و برای پذیرش ولایت و حیات در ظلّ آنان آماده شدند، همان معصومین علیهم‌السلام در عالم رجعت خواهند آمد و همگان این زندگی آرمانی را خواهند چشید.

### - ذکر مصیبت:

همان طور که می‌دانید حادثه‌ی عاشورا ابعاد نظامی دارد، یعنی در این حادثه امور نظامی حرف اول را می‌زند. چون هفتاد و دو نفر در مقابل سپاه سی هزار نفره قرار گرفته‌اند و در این جاست که عملکرد حضرت ابوالفضل عباس علیه‌السلام مانند خورشید درخشان نورافشانی می‌کند. کسی که مظهر شجاعت در مدینه بود. کسانی که این وصف را دارند، از طرف ابلیس و وسوسه‌های او بسیار مورد هجمه هستند، چون این وصف‌شان می‌تواند ابزاری برای رسیدن به بسیاری از امیال باشد! اما زهی خیال باطل، چرا که این آقازاده در کنار پدرش امیرالمؤمنین و امام حسن مجتبی و امام حسین علیهم‌السلام تربیت شده است. هنگامی که بدن مطهر امام حسن مجتبی علیه‌السلام را تیرباران کردند، حضرت عباس علیه‌السلام که در اوج شجاعت بود، از خود بی‌خود شد و آماده بود تا دشمن را به درک واصل کند، اما مطیع تام حسین علیه‌السلام بود و آن لحظه چقدر برای او سخت و سنگین گذشت که امام حسین علیه‌السلام بفرماید: وصیت برادرم این است که در تشییع جنازه‌اش خونی ریخته نشود!

در روز عاشورا حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام از صبح عاشورا پرچمدار لشکر امام حسین علیه‌السلام بودند و پای به پای برادر در تمام هجمه‌ها رکن اصلی دفاع بودند؛ چه وقتی که با هم به لشکر دشمن حمله‌ور می‌شدند و چه هنگامی که جنگ تن به تن آغاز شد. ایشان با امام حسین علیه‌السلام بیش از هفتاد بار به لشکر زدند تا جسد مطهر تک‌تک عزیزانشان را از معرکه نجات دادند، لذا تمام بدنشان آماج تیرها قرار گرفت، نمی‌دانم تا غروب چه رمقی در بدن اینان مانده بود. عصر هنگام، دیگر هیچ کس نبود، تنها حسین بود و عباس علیهما‌السلام! از حسین علیه‌السلام دستور گرفت که به شریعه فرات بزند، شریعه‌ای که با چهار هزار سرباز محاصره شده بود، عباس علیه‌السلام به لشکر حمله کرد و خود را به آب رسانید. همه می‌دانید همان‌طور که اسب و شمشیر ابزار جنگی است، آب هم برای یک رزمنده ابزار جنگی

است! اما وقتی دستان او به آب رسید، دست از آب کشید. با خود چه فکری کرد که آب نخورد؟! شاید یاد لب تشنه‌ی حسین علیه‌السلام و فرزندان ایشان افتاد! لذا آب را روی آب می‌ریزد و این نشان‌دهنده‌ی اوج وفای به امام علیه‌السلام است!

اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له على ذلک